مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
دفتر مطالعات اقتصادی
مسلسل: ۲۲۰۱۰ ■ آبان ۱۴۰۵

مجموعه مطالعات دیپلماسی اقتصادی (۷):
شناخت اقتصاد برزیل و فرصت‌های تعامل اقتصادی



تاریـــخ انتشـــار: ۱۴۰۵/۸/۱۰
Publish Date : 2026/11/1

عنوان: مجموعه مطالعات دیپلماسی اقتصادی (۷): شناخت اقتصاد برزیل و فرصت‌های تعامل اقتصادی

تهیه و تدوین کنندگان (Authors) : مینو خان‌زاده، مهدی فامیل‌محمدی

واژه‌های کلیدی: ایران، برزیل، غلات، کود اوره، لجستیک، نظام تسویه

ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

DOI: https://doi.org/10.22034/mrc.report.22010
Permanent Link: https://report.mrc.ir/article_12040.html
Publisher : Islamic Parliament Research Center of Iran

شماره مسلسل: ۲۲۰۱۰
کد موضوعی: ۲۲۰

نمایه در پایگاه مرکز اطلاعاتی علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (NoorMags)

عنوان: مجموعه مطالعات دیپلماسی اقتصادی (۷): شناخت اقتصاد برزیل و فرصت‌های تعامل اقتصادی

نوع گزارش: طرح/ لایحه ☐، نظارتی ☐، راهبردی ■، پیش‌نویس قانونی ☐

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد بین‌الملل)

مدیر مطالعه: مهدی رزم‌آهنگ

ناظر علمی: سیدمهدی بنی‌طبا (معاون دفتر مطالعات اقتصادی)

اظهارنظرکنندگان: وجیهه امینی (کارشناس گروه حمل‌ونقل)، مهرشاد غفاری‌زاده (کارشناس گروه سیاست خارجی)

اظهارنظرکننده خارج از مرکز: حامد نجفی علمدارلو (هیئت‌علمی دانشگاه تربیت مدرس)

گرافیک و صفحه‌آرایی: منیره حاجی‌محمدی

تاریخ شروع مطالعه: ۱۴۰۴/۰۷/۱۵

فهرست مطالب

چکیده ۸
خلاصه مدیریتی ۹
۱. مقدمه ۱۱
۲. معرفی اجمالی کشور برزیل ۱۱
۲-۱. همسایگان برزیل ۱۶
۲-۲. روابط برزیل با سایر کشورها در منطقه و فراتر از آن ۱۶
۳. نوع حکومت و ساختار سیاسی در برزیل ۱۸
۳-۱. قوه مجریه ۱۸
۳-۱-۱. وزارتخانه‌ها ۱۹
۳-۲. قوه مقننه ۲۰
۳-۳. قوه قضائیه ۲۱
۳-۴. حاکمیت‌های منطقه‌ای ۲۱
۳-۵. احزاب سیاسی ۲۲
۴. اقتصاد برزیل ۲۳
۴-۱. شاخص‌های اقتصادی ۲۳
۴-۲. بخش کشاورزی ۲۹
۴-۲-۱. اهمیت استراتژیک بخش کشاورزی ۲۹
۴-۲-۲. نظام تولیدی چندلایه بخش کشاورزی در برزیل ۳۲
۴-۲-۳. کشت فراسرزمینی ۳۳
۴-۳. بخش معدن ۳۵
۴-۴. بخش صنعت و تولید ۳۶
۴-۴-۱. صنعت خودرو ۳۶
۴-۴-۲. صنعت محصولات شیمیایی ۳۶
۴-۴-۳. صنایع غذایی ۳۷
۴-۴-۴. صنعت تولید فلزات اساسی (آهن و فولاد) ۳۸
۴-۵. بخش انرژی ۳۹
۴-۵-۱. نفت خام ۴۰
۴-۵-۲. گاز طبیعی ۴۱
۴-۵-۳. زغال‌سنگ ۴۴
۴-۵-۴. سوخت‌های زیستی ۴۵
۴-۵-۵. برق ۴۵
۴-۶. زیرساخت حمل‌ونقلی برزیل ۴۶
۴-۷. مشارکت ایالت‌های برزیل در اقتصاد این کشور ۴۹
۴-۸. وضعیت تجارت در برزیل ۵۰
۴-۸-۱. تجارت کالاها و خدمات ۵۰
۴-۸-۲. تجارت انرژی ۵۳

۵. عضویت برزیل در جوامع جهانی ۵۶
۵-۱. عضویت برزیل در بریکس ۵۶
۵-۲. عضویت برزیل در سازمان تجارت جهانی (WTO) ۵۶
۵-۳. عضویت برزیل در بازار مشترک کشورهای آمریکای جنوبی (اتحادیه مرکوسور) ۵۶
۵-۴. عضویت برزیل در گروه G۲۰ ..... ۵۷
۶. روابط ایران و برزیل از گذشته تاکنون ۵۷
۶-۱. روابط ایران و برزیل از منظر سیاسی ۵۷
۶-۲. روابط ایران و برزیل از منظر اقتصادی - تجاری ۵۷
۷. فرصت تعامل ایجابی ایران و برزیل ۶۰
۷-۱. وابستگی به کانال‌های خرید غیرمستقیم و هزینه‌های آن ۶۰
۷-۲. ایده ایجابی: حرکت از خرید غیرمستقیم به خرید مستقیم و اصلاح نحوه تسویه ۶۱
۷-۳. الزامات اجراییِ حرکت به‌سمت ایده‌های ایجابی ۶۵
۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۶۶
منابع و مآخذ ۶۸

فهرست جداول

جدول ۱. فهرست ایالت‌های برزیل ۱۲
جدول ۲. لیست رئیس‌جمهورهای اخیر برزیل از سال ۱۹۹۲ تاکنون ۱۹
جدول ۳. بررسی اجمالی تولید و مصرف انرژی در برزیل در سال ۲۰۲۳ ..... ۳۹
جدول ۴. مقایسه اقلام صادراتی برزیل در کالاها قبل و بعد از سال ۲۰۰۴ ..... ۵۲
جدول ۵. فرصت‌های تعامل ایجابی ایران و برزیل ۶۵

فهرست اشکال

شکل ۱. نقشه مکانی ایالت‌های برزیل ۱۳
شکل ۲. نمودار سری زمانی جمعیت و نرخ رشد جمعیت برزیل و پیش‌بینی آن تا سال ۲۱۰۰ ..... ۱۴
شکل ۳. هرم جمعیتی برزیل در سال ۲۰۲۳ ..... ۱۴
شکل ۴. تراکم جمعیت ایالت‌های برزیل ۱۵
شکل ۵. نقشه موقعیت مکانی برزیل و همسایگان آن ۱۶
شکل ۶. نمودار سری زمانی تولید ناخالص داخلی برزیل (قیمت جاری – میلیارد دلار) ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ ..... ۲۳
شکل ۷. نمودار سری زمانی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (درصد) ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ ..... ۲۴
شکل ۸. نمودار سری زمانی سرانه تولید ناخالص ملی از ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ ..... ۲۴
شکل ۹. نمودار سری زمانی نرخ بیکاری در برزیل (درصد) ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ ..... ۲۵
شکل ۱۰. نمودار سری زمانی نرخ تورم (CPI) در برزیل (درصد) ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ ..... ۲۶
شکل ۱۱. نمودار سری زمانی سرمایه‌گذاری خارجی در برزیل ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ ..... ۲۶
شکل ۱۲. نمودار سری زمانی نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی در برزیل (درصد) ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ ..... ۲۷
شکل ۱۳. نمودار سری زمانی ضریب جینی در برزیل ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ ..... ۲۸
شکل ۱۴. نمودار سری زمانی میزان مهاجرت از برزیل (هزار نفر) ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ ..... ۲۹
شکل ۱۵. نقشه پوشش گیاهی برزیل ۳۱
شکل ۱۶. نقشه معادن برزیل ۳۵
شکل ۱۷. نمودار سهم تولیدات مواد غذایی مختلف در صنایع غذایی برزیل ۳۸
شکل ۱۸. نمودار سری زمانی تولید و مصرف نفت خام در برزیل در دهه اخیر (هزار بشکه در روز) ۴۱
شکل ۱۹. نمودار سری زمانی تولید و مصرف گاز طبیعی در برزیل در دهه اخیر (میلیارد متر مکعب) ۴۳
شکل ۲۰. موقعیت مکانی نفت و گاز و پالایشگاه‌های برزیل روی نقشه ۴۳
شکل ۲۱. خطوط لوله نفت و گاز برزیل سال ۲۰۲۳ ..... ۴۴
شکل ۲۲. نمودار سری زمانی تولید و مصرف زغال‌سنگ در برزیل در دهه اخیر ۴۵
شکل ۲۳. نقشه جاده‌ای برزیل ۴۶
شکل ۲۴. نقشه ریلی برزیل ۴۷
شکل ۲۵. فرودگاه‌ها و بنادر برزیل روی نقشه ۴۸
شکل ۲۶. نمودار سری زمانی تجارت برزیل در کالاها ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ ..... ۵۲
شکل ۲۷. نمودار سری زمانی تجارت خدمات در برزیل ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۴ ..... ۵۳
شکل ۲۸. نمودار سری زمانی صادرات نفت برزیل در دهه اخیر (میلیون بشکه در روز) ۵۴
شکل ۲۹. سهم صادرات نفت برزیل به مهم‌ترین شرکای تجاری در سال ۲۰۲۳ ..... ۵۴
شکل ۳۰. نمودار سری زمانی واردات گاز برزیل (میلیون بشکه در روز) ۵۵
شکل ۳۱. نمودار سری زمانی تجارت ایران با برزیل ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ ..... ۵۸
شکل ۳۲. نمودار بیشترین اثرپذیری صادرات کالایی ایران به برزیل از تحریم‌ها ۵۹
شکل ۳۳. نمودار بیشترین اثرپذیری واردات کالایی ایران (از تحریم‌ها) از برزیل ۶۰



مجموعه مطالعات دیپلماسی اقتصادی (۷):
شناخت اقتصاد برزیل و فرصت‌های تعامل اقتصادی

چکیده

این گزارش به بررسی ابعاد اقتصاد برزیل، ساختار جمعیتی و جغرافیایی، زیرساخت‌های حمل‌ونقل، بخش‌های صنعت و انرژی و روندهای کلان این کشور (رشد تولید ناخالص داخلی، تورم، بیکاری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) و همچنین جایگاه آن در مرکوسور می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد برزیل با وجود نوسان‌های دوره‌ای، رشد اقتصادی احیاشده و جذب سرمایه‌گذاری را تجربه کرده است.

این کشور در زمینه انرژی، میدان‌های فراساحلی را توسعه داده است. انرژی برقابی و سوخت‌های زیستی نیز سهمی برجسته در سبد انرژی این کشور دارند؛ اما همچنان وابستگی به واردات گاز و نیاز به توسعه انتقال و ذخیره‌سازی باقی است. در صنعت، خودروسازی در گذار به برقی‌سازی، فولاد به‌سوی کربن‌زدایی، صنایع شیمی و پتروشیمی با چالش تراز منفی مزمن توصیف می‌شوند.

تجارت ایران و برزیل در حوزه اقلام اساسی عمدتاً حول واردات اقلام اساسی از برزیل صورت‌بندی می‌شود؛ لیکن بعد از تحریم‌ها، الگوی عملیاتی واردات ایران از این کشور غالباً «مستقیم» نیست. بخش مهمی از خرید، حمل و پرداخت، به‌واسطه حلقه‌های واسط منطقه‌ای و نیز شرکت‌های بزرگ بین‌المللی انجام می‌شود. این ساختار موجب می‌شود مسیر «تجارت فیزیکی کالا» الزاماً با مسیر «تسویه و پرداخت» بر هم منطبق نباشد و در عمل، هم شفافیت کاهش یابد و هم هزینه‌های معاملاتی و ریسک‌های اجرایی افزایش پیدا کند. در برابر وضعیت تشریح شده، محور اصلی راهکار پیشنهادی بر «حرکت از خرید غیرمستقیم به خرید مستقیم» و سپس «اصلاح نحوه تسویه» استوار است؛ به‌گونه‌ای‌که واردات ذرت و سویا از برزیل به شیوه‌ای پایدارتر و کم‌ریسک‌تر در پرداخت متصل شود.

خلاصه مدیریتی

بیان / شرح مسئله

برزیل بزرگ‌ترین اقتصاد آمریکای جنوبی و بازیگری میان‌رده در نظام جهانی است که هم‌زمان در G20، بریکس و مرکوسور حضور فعال دارد. اقتصاد منبع‌محورِ آن با مزیت‌های کشاورزی، معدنی و انرژی (نفت فراساحلی و سوخت‌های زیستی) و شبکه صنعتی متکی بر شرکت‌های چندملیتی تعریف می‌شود. اتکای بالای حمل‌ونقل به جاده، ناهمگنی منطقه‌ای و قیود محیط زیستی آمازون هم فرصت‌آفرین و هم ریسک‌زاست. برای ایران، شناخت دقیق ظرفیت‌ها و محدودیت‌های همکاری، از تجارت اقلام کم‌ریسک و خدمات فنی تا سرمایه‌گذاری مشترک و همکاری علمی، پیش‌نیاز طراحی مسیرهای تعامل پایدار، غیرتحریمی و زنجیره‌محور با این کشور است.

نقطه‌نظرات / یافته‌های کلیدی

۱ **تصویر کلان:** پس از دوره‌ای پرنوسان، رشد تولید ناخالص داخلی این کشور بهبود یافته؛ تورم و بیکاری نوسانی، اما مهارپذیر، و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی همچنان قابل توجه است. ترکیب بخشی نشان می‌دهد کشاورزی و معادن با وجود سهم محدود در GDP، نقش صادراتی و پیوندهای پسین / پیشین بالایی دارند؛ حوزه ساخت حدود یک‌هفتم تولید در این کشور را دربرمی‌گیرد.

۲ **جمعیت و جغرافیا:** جمعیت عمدتاً شهری است و تمرکز اقتصادی در شرق و جنوب‌شرق (سائوپائولو، میناس گرایس، ریودوژانیرو) قرار دارد؛ حفاظت از آمازون و ناهمواری دسترسی سرزمینی بر تصمیمات زیرساختی اثرگذار است.

۳ **زیرساخت و لجستیک:** غلبه حمل‌ونقل جاده‌ای و چندگیجی بودن خطوط ریلی هزینه لجستیک را بالا نگاه داشته و در بزنگاه‌ها آسیب‌پذیری سیستمیک (مانند اعتصاب کامیون‌داران) ایجاد کرده است؛ ارتقای ریل / بندر می‌تواند مزیت رقابتی برای این کشور ایجاد کند.

۴ **انرژی:** رشد تولید نفت و گاز فراساحلی، نقش پررنگ انرژی برقابی و سوخت‌های زیستی، به متنوع‌سازی سبد انرژی کمک کرده است؛ با این‌حال نیاز به واردات گاز و توسعه انتقال و ذخیره‌سازی پابرجاست.

۵ **صنایع منتخب:** خودروسازی با حضور گسترده شرکت‌های چندملیتی در مرحله گذار به برقی‌سازی است؛ در صنایع شیمیایی و پتروشیمی مزیت‌های گسترده دارد ولی تراز منفی مزمن مانع از توسعه مناسب می‌شود؛ بااین‌حال صنایع غذایی بزرگ مقیاس در داخل برزیل، صادرات مؤثر در این صنعت را در پی داشته است.

۶ **سیاست و حکمرانی:** این کشور دارای نظام فدرال سه‌قوه‌ای با نقش‌آفرینی فعال قوه مجریه و تنوع وزارتخانه‌هاست. در سیاست خارجی، برزیل میان قدرت‌ها توازن برقرار کرده، اما در پیرامون خود با مسائل امنیت مرزی، مهاجرت و چالش‌های محیط‌زیستی روبه‌روست.

۷ **تجارت خارجی و ترتیبات نهادی:** مرکوسور و شبکه موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی و آزاد، قواعد دسترسی بازار را تعیین می‌کنند؛ پیوند روبه‌رشد با چین و تداوم روابط با آمریکا، الگوی تنوع‌بخشی شرکا را تقویت کرده است.

۸ **روابط با ایران:** تجارت ایران و برزیل در حوزه اقلام اساسی عمدتاً حول واردات اقلام اساسی از برزیل صورت‌بندی می‌شود لیکن بعد از تحریم‌ها، الگوی عملیاتی واردات ایران از این کشور غالباً «مستقیم» نیست. بخش مهمی از خرید، حمل و پرداخت، به‌واسطه اتحادیه‌های کشاورزی منطقه‌ای انجام می‌شود که این اتحادیه‌ها با کشور آمریکایی ارتباط چندانی ندارند و حاضر به همکاری با ایران هستند، ساختار اتحادیه‌ها (تعاونی‌ها) موجب می‌شود مسیر «تجارت فیزیکی کالا» الزاماً با مسیر «تسویه و پرداخت» بر هم منطبق نباشد و در عمل، هم شفافیت کاهش یابد و هم هزینه‌های معاملاتی و ریسک‌های اجرایی افزایش پیدا کند.

پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

محور اصلی راهکار پیشنهادی بر «حرکت از خرید غیرمستقیم به خرید مستقیم» و سپس «اصلاح نحوه تسویه» استوار است؛ به‌گونه‌ای‌که واردات ذرت و سویا از برزیل به منطقی پایدارتر و کم‌ریسک‌تر در پرداخت متصل شود. به‌صورت مشخص لازم است دو ایده ذیل امکان‌سنجی شود:

الف) تخصیص بخشی از منابع یوآنی چین به شرکت‌های معتبر برزیلی جهت تأمین اقلام اساسی وارداتی برزیل از مسیر غیردرهمی، غیریورویی و غیرمجوزمحور و همچنین استفاده از ظرفیت لجستیک ایرانی (شرکت کشتی‌رانی جمهوری اسلامی ایران).

ب) پیوند دادن واردات غلات و دانه‌های روغنی به صادرات اقلامی است که برزیل به آنها نیاز دارد و ایران توان عرضه رقابت‌پذیر آنها را دارد. در این چارچوب، کود اوره به‌عنوان گزینه محوری مطرح می‌شود؛ زیرا ظرفیت صادراتی قابل توجهی برای ایران ایجاد می‌کند و درعین‌حال بازار برزیل مصرف‌کننده بزرگ نهاده‌های شیمیایی کشاورزی است. عملیاتی شدن «اوره در برابر غلات» صرفاً یک توافق تجاری ساده نیست و دو لایه مکمل دارد.

- بازتعریف بازرگانی و لجستیک است: خرید مستقیم مستلزم قراردادهای قابل اتکا، دسترسی به زیرساخت‌های ذخیره‌سازی و بندری، و بهینه‌سازی حمل (ازجمله استفاده از منطق رفت‌وبرگشت در مسیر حمل) برای کاهش هزینه و ریسک است.
- طراحی تسویه و انطباق مقرراتی است؛ بدون طراحی سازوکار پرداخت و تسویه که هم با قواعد داخلی ایران و هم با چارچوب‌های حقوقی و بانکی برزیل سازگار باشد. تهاتر در مقیاس بزرگ به بن‌بست‌های اجرایی می‌رسد.

البته اصل تهاتر اوره با غلات برزیل سابقه اجرایی دارد، اما این تجربه به رویه‌ای پایدار و مورد حمایت سیاستگذار تبدیل نشده است. مسئله این است که تجربه‌ای که پیش از این به‌صورت موردی و بنگاهی انجام شده، با رفع اشکالات آن به سازوکاری قابل تکرار تبدیل شود.

در گامی فراتر می‌توان علاوه‌بر فعالیت در بخش تأمین نهاده‌های اساسی از برزیل، در بازه زمانی **میان‌مدت** با استفاده از تجارب کشورهایی چون عربستان و ترکیه، با خرید سهام شرکت‌های معتبر کوچک‌مقیاس یا حتی میان‌رده توسط بخش خصوصی ایرانی در بخش‌هایی از زنجیره ارزش غذا در برزیل مشارکت، و در بازه زمانی نیز **بلندمدت** نیز روی گزینه کشت فراسرزمینی در برزیل تمرکز کرد.

فرصت‌های تعامل ایجابی ایران و برزیل

پروژه	منطق راهبردی	زمان بندی اجرا	الزامات اجرایی
طراحی رویه‌های تعاملاتی تاب‌آور بین ایران و برزیل	تعمیق روابط مستقیم ایران و برزیل (خارج کردن این رابطه از انحصار واسطه‌ها) در قالب خرید مستقیم، خرید یا اجاره سیلو، کشت فراسرزمینی، ایجاد موازنه تجاری	• کوتاه‌مدت: الف) تخصیص بخشی از منابع یوآنی چین به شرکت‌های معتبر برزیلی به‌منظور تأمین اقلام اساسی وارداتی برزیل از مسیر غیردرهمی، غیریورویی و غیرمجوزمحور + استفاده از ظرفیت لجستیک ایرانی (شرکت کشتی‌رانی جمهوری اسلامی ایران). ب) تجارت متقابل و پیوند دادن واردات غلات و دانه‌های روغنی به صادرات اقلام ایرانی (کود). • میان‌مدت: خرید یا اجاره ظرفیت‌های ذخیره‌سازی + استفاده از ظرفیت لجستیک ایرانی (شرکت کشتی‌رانی جمهوری اسلامی ایران) + خرید سهام شرکت‌های معتبر برزیلی + سرمایه‌گذاری در ترمینال بندری برزیل با استفاده از ظرفیت نهادهای بزرگ مقیاس • بلندمدت: کشت فراسرزمینی در برزیل	• ضرورت کاهش سهم تراستی‌ها در نظام تسویه فروش نفت و افزایش تعامل با مؤسسات مالی وابسته به بانک‌های دولتی چین • استفاده از ظرفیت صنایع پتروشیمی و صادرات کودهای شیمیایی به‌منظور ایجاد توازن تجاری با کشور برزیل

۱. مقدمه

این گزارش با رویکردی مسئله‌محور، به شناخت منسجم از برزیل به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد آمریکای جنوبی و یکی از بازیگران مؤثر در ترتیبات منطقه‌ای و جهانی می‌پردازد. انگیزه اصلی، فراهم کردن مبنایی شناختی برای ارزیابی فرصت‌ها و محدودیت‌های تعامل ایران با برزیل در افق کوتاه تا میان‌مدت به‌ویژه در حوزه‌های تجارت کالاست.

ساختار محتوایی گزارش به این شرح است: معرفی اجمالی کشور برزیل، نظام حکمرانی و بخش‌های اقتصادی، تحلیل روابط دوجانبه ایران و برزیل. در بخش زیرساخت، تمرکز بر ویژگی‌های حمل‌ونقل در کشور پهناور برزیل است که در آن نقش حمل‌ونقل هوایی برای پیوستگی سرزمینی و اتصال مناطق صعب‌العبور، به‌ویژه آمازون، به‌شدت پررنگ شده است. در ادامه، نمایه‌ای از اقتصاد کلان و بخش‌های کشاورزی، معدن و صنعت ارائه می‌شود و صنایع منتخب مانند خودروسازی، شیمیایی و غذا و نقش آنها در تجارت خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرند. بخش پایانی به بررسی روابط ایران و برزیل می‌پردازد و ضمن مرور روندهای سیاسی، ساختار نامتقارن تجارت دوجانبه از اوایل دهه ۲۰۰۰ تاکنون را صورت‌بندی می‌کند؛ جریانی که عمدتاً با مازاد پایدار به‌نفع برزیل و تمرکز بر واردات اقلام کشاورزی – غذایی از برزیل و صادرات محدود ایران، به‌ویژه کود اوره، همراه بوده است. در نهایت بر مبنای مطالب بیان شده، گزارش بستر لازم برای پیشبرد اقدامات اجرایی و سیاستی برای توسعه تجارت را فراهم می‌کند.

۲. معرفی اجمالی کشور برزیل

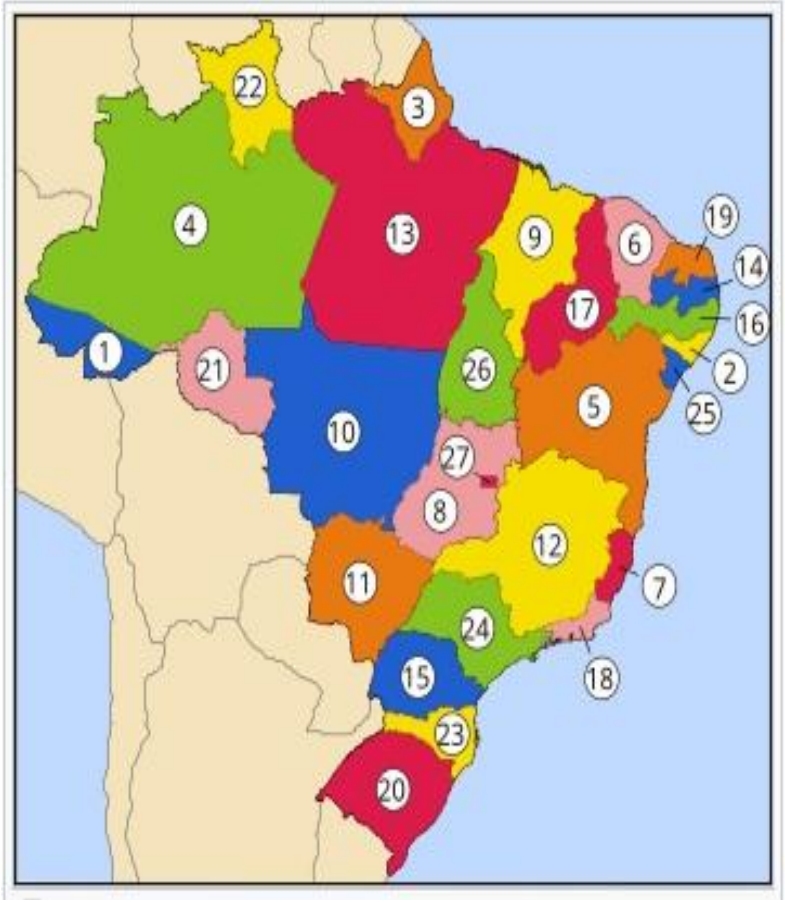
جمهوری فدرال برزیل در منطقه آمریکای لاتین قرار دارد و حدوداً یک‌سوم خاک آمریکای جنوبی را تشکیل داده است. برزیل به‌لحاظ وسعت پنجمین کشور بزرگ جهان بعد از روسیه، کانادا، آمریکا و چین است. زبان رسمی برزیل پرتغالی است و واحد پول این کشور رئال[1] نام دارد. این کشور از ۲۷ واحد فدرال تشکیل شده است که شامل ۲۶ ایالت و یک منطقه فدرال است. پایتخت این کشور برازیلیا است که در منطقه فدرال واقع شده است. پایتخت سابق برزیل شهر ریو دوژانیرو بود که در سال ۱۹۶۰ تغییر پیدا کرد؛ علت این امر نیز انتقال پایتخت به مرکز و غرب (به یک منطقه داخلی‌تر) بود تا پیشرفت و توسعه به مناطق مرکزی این کشور برسد[۱]. ناحیه فدرال همانند سایر ایالت‌ها، دارای سازمان مجریه، مقننه و قضائیه یک ایالت است، اما تفاوت آن با سایر ایالت‌ها در این است که این منطقه یک شهر است و یک شهرداری دارد. براین‌اساس نمی‌توان آن را به شهرها و شهرداری‌های مختلف تقسیم کرد و به همین دلیل این قلمرو صرفاً از چندین منطقه اداری تشکیل شده است[۱].

1. Real

جدول ۱. فهرست ایالت‌های برزیل[۱]

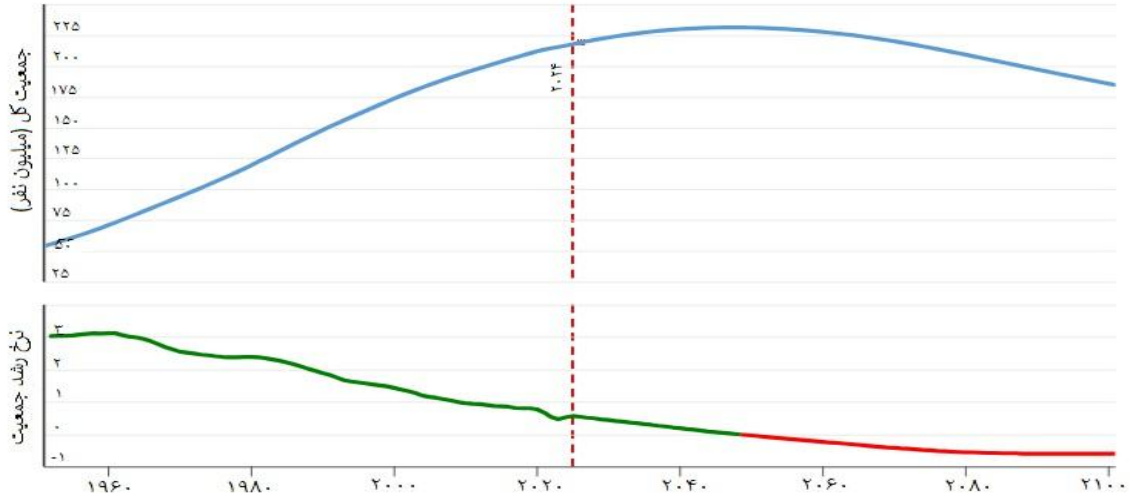
شماره	ایالت	نام اصلی
۱	اکری	Acre
۲	آلاگواس	Alagoas
۳	آماپا	Amapá
۴	آمازوناس	Amazonas
۵	باهیا	Bahia
۶	سئارا	Ceará
۷	اسپیریتو سانتو	Espírito Santo
۸	گوییاس	Goiás
۹	مارانیائو	Maranhão
۱۰	ماتو گروسو	Mato Grosso
۱۱	ماتو گروسو دو سول	Mato Grosso do Sul
۱۲	میناس گرایس	Minas Gerais
۱۳	پارا	Pará
۱۴	پارائیبا	Paraíba
۱۵	پارانا	Paraná
۱۶	پرنامبوکو	Pernambouco
۱۷	پیاوی	Piauí
۱۸	ریودوژانیرو	Rio de Janeiro
۱۹	ریو گرانده دو نورتی	Rio Grande do Norte
۲۰	ریو گرانده دو سول	Rio Grande do Sul
۲۱	روندونیا	Rondônia
۲۲	رورایما	Roraima
۲۳	سانتا کاتارینا	Santa Catarina
۲۴	سائوپائولو	São Paulo
۲۵	سرژیپه	Sergipe
۲۶	توکانتینس	Tocantins
۲۷	منطقه فدرال	Distrito Federal Brasil

شکل ۱. نقشه مکانی ایالت‌های برزیل [۱]

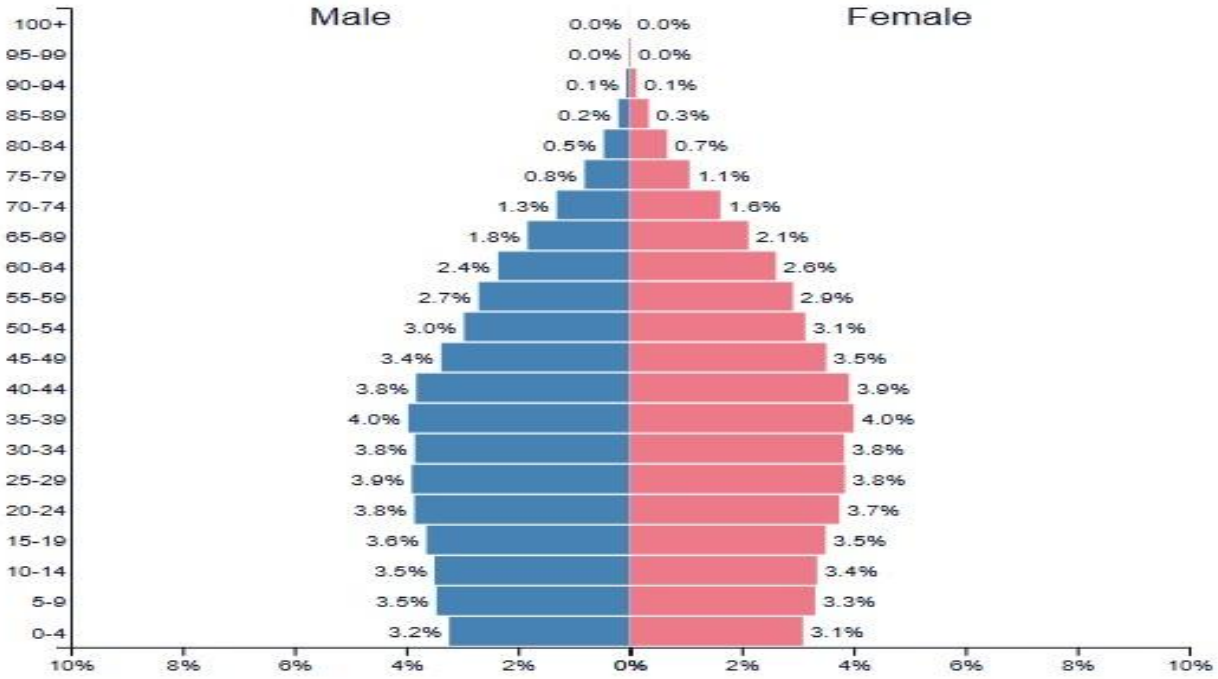


جمعیت برزیل در سال ۲۰۲۵ حدوداً ۲۱۳,۴ میلیون نفر بوده است که ایالت‌های پرجمعیت برزیل سائوپائولو (۴۲ میلیون)، میناس گرایس (۲۰ میلیون)، ریودوژانیرو (۱۶ میلیون) و باهیا (۱۴ میلیون) هستند. با توجه به شکل‌های ۲ و ۳ می‌توان گفت که علی‌رغم مثبت بودن نرخ رشد جمعیت در برزیل، روند این نرخ در طول زمان نزولی است و حتی انتظار می‌رود که رشد جمعیت در سال‌های بعد منفی شود. شکل ۴ نیز گویای این است که تراکم جمعیتی برزیل عمدتاً در شرق و تا حدی مرکز این کشور که نزدیک به سواحل قرار دارند، شکل گرفته است [۲].

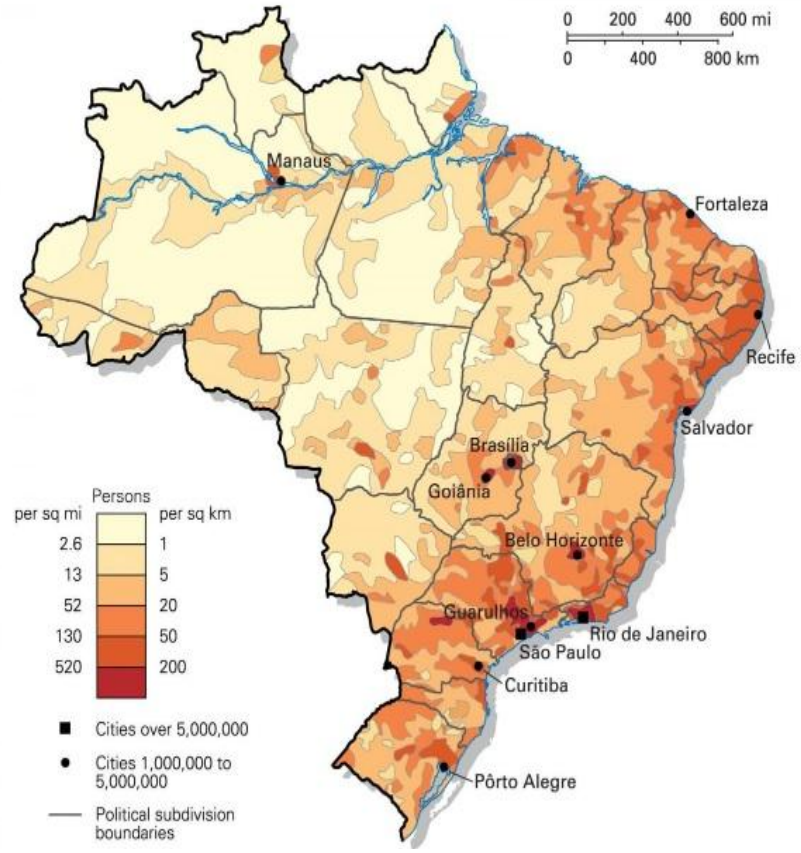
شکل ۲.نمودار سری زمانی جمعیت و نرخ رشد جمعیت برزیل و پیش‌بینی آن تا سال ۲۱۰۰[۳]



شکل ۳.هرم جمعیتی برزیل در سال ۲۰۲۳[۴]



شکل ۴. تراکم جمعیت ایالت‌های برزیل [۵]



با وجود مساحت زیاد برزیل در مقایسه با سایر کشورهای آمریکای لاتین، این کشور از پراکندگی بالایی در جمعیت خود برخوردار نیست و عمده جمعیت برزیل ساکن در شرق این کشور ساکن است و مناطق دیگر تراکم کمتری دارند. میانگین تراکم جمعیت برزیل، برابر با ۲۵ نفر در هر کیلومتر مربع است. میانگین سنی نیز ۳۳٫۵ سال برآورد می‌شود. نکته قابل توجه دیگری این است که یکی از شاخصه‌های جمعیتی این کشور، وجود جامعه شهرنشینِ آن است. به‌عبارتی شهرها، ۸۷٫۶ درصد از جمعیت این کشور را در خود جای داده‌اند که حاکی از اهمیت شهرها در این کشور است[۶]. عوارض زمین در برزیل تنوع بسیار زیادی دارد که شامل تپه‌ها، کوه‌ها، جلگه‌های پست و زمین‌های بایر است. ارتفاع بیشتر مناطق در برزیل بین ۲۰۰ تا ۸۰۰ متر است. مناطق مرتفع اصلی بیشتر در قسمت جنوبی کشور قرار دارند و به‌طور کلی بخش جنوبی کشور ناهموارتر است. همچنین ۳۰ درصد برزیل را جنگل‌هایی تشکیل داده که قطع درختانشان به منظور مساعد کردن زمین برای سکونت انسان بسیار پر هزینه و بعضاً غیر قانونی است؛ البته دولت در بعضی مناطق، مجوزِ زمین‌سوزی جهت بهره‌برداری زمین برای استفاده کشاورزان را صادر می‌کند، اما کیفیت خاک چنان پایین است که چند سال بعد، کاشت محصول دیگر توجیه‌پذیر نیست. البته گفتنی است که نابودی جنگل‌های آمازون علاوه‌بر برزیل می‌تواند برای کل جهان نیز مشکلات زیست‌محیطی به‌همراه داشته باشد.

مناطق مهم و بزرگ کشاورزی برزیل در جنوب آن قرار دارد که شامل زمین‌های بسیار پست و وسیع است. این مناطق نسبتاً پرآب هستند. از دیگر ویژگی‌های جغرافیایی برزیل وجود رود آمازون در این کشور است که بزرگ‌ترین و پرآب‌ترین رود دنیا و دومین رود طویل جهان است.

۲-۱. همسایگان برزیل

همسایگان شمالی برزیل گویانای فرانسه، سورینامه، گویانا، ونزوئلا و کلمبیا، همسایگان غربی برزیل، اکوادور، پرو و بولیوی و همسایگان جنوبی، پاراگوئه، اوروگوئه، شیلی و آرژانتین هستند. برزیل با تمام کشورهای آمریکای جنوبی به‌جز شیلی و اکوادور مرز مشترک دارد که در برخی نواحی به مناقشاتی با همسایگان خود منجر شده است.

شکل ۵. نقشه موقعیت مکانی برزیل و همسایگان آن [۱]



۲-۲. روابط برزیل با سایر کشورها در منطقه و فراتر از آن

برزیل هم از نظر مساحت و هم از نظر اقتصادی بزرگ‌ترین کشور آمریکای جنوبی است و نقشی مرکزی در ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی ایفا می‌کند. استراتژی ژئوپلیتیکی آن به‌طور سنتی بر رهبری منطقه‌ای، خودمختاری استراتژیک و چندجانبه‌گرایی متمرکز بوده است. به این معنا که راهبرد ژئوپلیتیکی این کشور بر تأمین رهبری منطقه‌ای در آمریکای جنوبی استوار است. بااین‌حال، این رهبری اغلب توسط همسایگان خود که همیشه با اهداف سیاست خارجی برزیل همسو نبوده‌اند، مورد مناقشه قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، درحالی‌که برزیل به دنبال ارتقای یکپارچگی منطقه‌ای از طریق مکانیسم‌هایی مانند مرکوسور[۱] و اوناسور[۲] بوده،[۳] این ابتکارات از سال ۲۰۱۵ تا حدی به‌دلیل بحران‌های سیاسی و اقتصادی داخلی شتاب خود را از دست داده‌اند. به‌علاوه برزیل چالش‌های مهمی نیز با همسایگان دارد[۷]،[۸].

1. Mercusur
2. UNASUR

۳. مرکوسور و اوناسور دو سازمان هم‌گرایی منطقه‌ای در آمریکای جنوبی هستند، اما رویکردها و اهداف متفاوتی دارند. مرکوسور در درجه اول بر هم‌گرایی اقتصادی تمرکز دارد، درحالی‌که اوناسور به دنبال هم‌گرایی وسیع‌تری است که علاوه‌بر جنبه‌های اقتصادی، جنبه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را نیز دربربگیرد. اگرچه آنها متمایز هستند، می‌توانند در تلاش‌هایشان برای تقویت منطقه، مکمل یکدیگر باشند.

بحران سیاسی و اقتصادی در ونزوئلا از میانه دهه ۲۰۱۰ با تشدید تورم، کمبود گسترده مواد غذایی و دارویی و تضعیف نهادهای دمکراتیک وارد مرحله‌ای حاد شده است. این وضعیت به موج مهاجرت گسترده شهروندان ونزوئلایی به کشورهای همسایه، به‌ویژه برزیل، منجر شده است. ایالت روورایما در شمال برزیل، به‌عنوان نقطه اصلی ورود مهاجران، با فشار سنگینی بر زیرساخت‌های بهداشتی، خدمات عمومی و بازار کار مواجه شده است. بی‌ثباتی سیاسی در بولیوی، به‌ویژه پس از انتخابات مناقشه‌برانگیز سال ۲۰۱۹ و استعفای اوو مورالس[1]، باعث تضعیف همکاری‌های انرژی‌محور میان دو کشور شده است. بولیوی یکی از تأمین‌کنندگان اصلی گاز طبیعی برای برزیل است و هرگونه اختلال در این روابط می‌تواند امنیت انرژی برزیل را تهدید کند. همچنین، تنش‌های سیاسی در بولیوی ممکن است به تحریک تنش‌های قومی و روستایی در نواحی مرزی منجر شود. سد ایتایپو،[2] که به‌صورت مشترک توسط برزیل و پاراگوئه اداره می‌شود، یکی از بزرگ‌ترین نیروگاه‌های برقابی جهان است. اختلافات دو کشور درخصوص قراردادهای فروش انرژی، باعث بروز بحران سیاسی در پاراگوئه و تضعیف اعتماد عمومی نسبت به روابط دو کشور شده است. با توجه به وابستگی پاراگوئه به صادرات برق این سد، هرگونه سوءمدیریت می‌تواند زمینه‌ساز بروز تنش‌های اجتماعی و دیپلماتیک باشد.

از طرفی مرزهای برزیل با کشورهای پاراگوئه، کلمبیا و پرو به‌دلیل ضعف در کنترل دولتی، به کانون فعالیت باندهای جنایت‌کار فراملی تبدیل شده‌اند. قاچاق مواد مخدر، اسلحه و انسان ازجمله مهم‌ترین فعالیت‌های غیرقانونی در این مناطق است. گروه‌های مسلحی چون PCC[3] با بهره‌گیری از خلأهای امنیتی مرزی، دامنه نفوذ خود را گسترش داده‌اند. همکاری‌های امنیتی برزیل با همسایگان هنوز از انسجام و کارآمدی لازم برخوردار نیست و مقابله مؤثر با این تهدیدها نیازمند تقویت سازوکارهای منطقه‌ای و ظرفیت‌سازی در سطوح محلی است. از طرف دیگر، جنگل‌های آمازون که میان کشورهای برزیل، پرو، کلمبیا، بولیوی و ونزوئلا گسترده شده‌اند، با پدیده‌هایی چون جنگل‌زدایی، استخراج غیرقانونی منابع و تخریب زیست‌گاه‌های بومیان مواجه‌اند. ناکارآمدی سیاست‌های هماهنگ منطقه‌ای و ضعف همکاری‌های محیط‌زیستی، نه‌تنها به نابودی منابع طبیعی منجر شده، بلکه زمینه بروز تنش‌های فراملی را نیز فراهم کرده است. گفته می‌شود که سیاست خارجی برزیل اغلب با نبود تطابق بین عملکرد منطقه‌ای و جهانی آن مشخص شده است. به این معنا که این کشور در فرامنطقه به‌عنوان قدرت جهانی در حال ظهور به رسمیت شناخته شده است، درحالی‌که عملکرد منطقه‌ای آن کمتر موفق بوده است. این نبود تطابق توسط رقابت‌های قدرت منطقه‌ای و کمبود نسبی منابع تشدید شده است و باعث می‌شود برزیل به‌عنوان رهبر منطقه‌ای شناخته نشود و صرفاً عنوان یک قدرت جهانی متوسط را یدک بکشد.

قدرت متوسط بودن برزیل در فرامنطقه مرهون همکاری با همه کشورهای جهان است؛ به‌طوری‌که این کشور، هم با آمریکا و هم با چین و روسیه تعاملات تجاری و سیاسی دارد و می‌توان گفت تاکنون رفتار میانه‌ای در پیش گرفته است. نتیجه موازنه روابط در سیاست خارجی باعث شده است که برزیل هم‌زمان هم عضو G۲۰ و هم عضو BRICS باشد. اما نظریه‌پردازان اقتصاد سیاسی بین‌الملل معتقدند که رفته‌رفته شرایط ژئوپلیتیکی به‌سمتی درحال پیشروی است که احتمالاً برزیل را نیز مجبور به انتخاب کند[۹].

1. Evo Morales
2. Itaipu Dam
3. Primeiro Comando da Capital (PCC)

۳. نوع حکومت و ساختار سیاسی در برزیل

جمهوری فدرال برزیل از اتحادیه ایالت‌ها و شهرداری‌ها و همچنین ناحیه فدرال تشکیل شده و یک دولت دمکراتیک قانونی است که با استناد به ماده (۱) قانون اساسی جمهوری فدرال برزیل، قدرت ملی حاکمیت به‌واسطه رأی مستقیم مردم به نمایندگان منتخب در مجلس و ریاست‌جمهوری اعطا می‌شود[۱۰]. طبق قانون اساسی مصوب ۱۹۸۸ در برزیل، ساختار حاکمیتی و توزیع قدرت در این کشور (مشابه سیستم ایالات متحده) از سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه تشکیل شده است.

به‌طور کلی دوری از تعصبات نژادی، مبتنی‌بر هماهنگی اجتماعی و متعهد در عرصه داخلی و بین‌المللی از ارزش‌های مهم مورد تأکید است. همچنین طبق قانون اساسی همه افراد در برابر قانون بدون هیچ‌گونه تمایزی برابرند و برزیلی‌ها و خارجی‌های مقیم برزیل از مصونیت حقوق زندگی، آزادی، برابری، امنیت و مالکیت به‌موجب شرایطی که در قانون این کشور تعیین می‌شود، برخوردارند. در برزیل درگیری‌های قومی، مذهبی یا اجتماعی وجود ندارد، اما نابرابری‌های اجتماعی و منطقه‌ای شدیداً به چشم می‌خورد و نابرابری نژادی هنوز یکی از مشکلات جدی این سرزمین است[۱۱].

۳-۱. قوه مجریه

رئیس‌جمهور رئیس این قوه است و به همراه معاون اول با رأی مستقیم مردم برای یک دوره چهارساله با حق انتخاب مجدد برای یک دوره دیگر انتخاب می‌شوند. طبق قانون اساسی برزیل، رئیس‌جمهور باید یک برزیلی بومی بالای ۳۵ سال باشد. رئیس‌جمهور، کابینه و ۴۸۰۰۰ مقام ارشد دولتی را منصوب می‌کند و صرفاً سفرا، قضات دادگاه عالی، وکیل عمومی و مدیران بانک مرکزی نیاز به تأیید سنا دارند. رئیس‌جمهور طبق قانون مخیّر است فرامین مورد نظر و گاهی تدابیر موقتی صادر کند، قانونگذاری را آغاز، قانون را وضع، و بخشی از قوانین مصوب مجلس را وتو کند و وجوه اختصاص‌یافته (بودجه‌ای و غیربودجه‌ای) را توقیف کند[۱۰].

جانشینی ریاست‌جمهوری به‌ترتیب ابتدا به معاون رئیس‌جمهور، رئیس مجلس نمایندگان، رئیس مجلس سنا و رئیس دادگاه عالی فدرال (اولین فردی که شرایط ریاست‌جمهوری را داشته باشد) می‌رسد. اگر کمتر از نیمی از دوره تکمیل شده باشد، انتخابات جدید ظرف ۹۰ روز لازم است. در غیر این صورت کنگره ظرف ۳۰ روز رئیس‌جمهور و معاون جدید را انتخاب می‌کند. یکی از شوراهای مهم در برزیل، شورای جمهوری است؛ این شورا یک نهاد عالی برای مشورت به رئیس‌جمهور در سطوح عالی کشور، و اعضای آن به شرح ذیل است:

- رئیس‌جمهور،
- معاون رئیس‌جمهور،
- رئیس مجلس نمایندگان،
- اکثریت و رهبران اقلیت مجلس نمایندگان،
- رئیس سنای فدرال،
- اکثریت و رهبران اقلیت سنای فدرال،
- وزیر دادگستری،
- ۶ شهروند برزیلی متولد شده بالای ۳۵ سال که دو نفر از آنها توسط رئیس‌جمهور منصوب می‌شوند، دو نفر توسط سنای فدرال و دو نفر توسط مجلس نمایندگان انتخاب می‌شوند.

برزیل از سال ۱۸۹۱ تاکنون ۳۹ رئیس‌جمهور داشته است که از میان آنها لولا داسیلوا به‌دلیل موفقیت‌های اقتصادی در اجرای سیاست‌های رفاهی برای مردم از شهرت بیشتری برخوردار است. نام رئیس‌جمهورهای اخیر این کشور در جدول ۲ آمده است[۱۰].

جدول ۲. لیست رئیس‌جمهورهای اخیر برزیل از سال ۱۹۹۲ تاکنون [۱۲]

نام	سال‌های ریاست‌جمهوری
فرناندو آفونسو کالر دی ملو	۱۹۹۰ تا ۱۹۹۲
ایتامار آگوستو کوتیرو فرانکو	۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵
فرناندو هنریکه کاردوسو	۱۹۹۵ تا ۲۰۰۳
لوئیز ایناسیو لولا داسیلوا	۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱
دیلما روسف	۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶
میشل تمر	۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹
ژایر بولسونارو	۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳
لوئیز ایناسیو لولا داسیلوا	۲۰۲۳ تاکنون

لوئیس ایناسیو داسیلوا به‌عنوان سی و پنجمین رئیس‌جمهور برزیل به مدت دو دوره چهارساله از اول ژانویه ۲۰۰۳ تا اول ژانویه ۲۰۱۱ میلادی مسئولیت ریاست‌جمهوری برزیل را بر عهده داشته است. دوره سوم چهارساله وی از سال ۲۰۲۳ آغاز شده و تاکنون ادامه دارد. داسیلوا پیش از انتخاب به‌عنوان رئیس‌جمهور از مؤسسین حزب کارگر برزیل بوده است. لولا داسیلوا در دوره ریاست‌جمهوری قبلی خود، به‌علت اتخاذ سیاست‌های توسعه‌گرایانه و موفقیت در تغییر محسوس سطح زندگی مردم برزیل به یکی از محبوب‌ترین رؤسای جمهور تاریخ برزیل تبدیل شده است. دوران ریاست‌جمهوری داسیلوا به‌دلیل تأثیرگذاری ویژه شخصیت سیاسی وی بر سیاست و اقتصاد برزیل، به‌عنوان لولائیسم در ادبیات سیاسی این کشور شهرت پیدا کرده است؛ به‌طور کلی می‌توان گفت دولت‌های کاردوسو و داسیلوا جزء دولت‌های توسعه‌گرا طبقه‌بندی می‌شوند که حجم وسیعی از اقدامات حمایت‌گرایانه اقتصادی را در سیاست‌های خود به کار برده‌اند؛ لیکن تمر، روسوف و بولسونارو جزء دولت‌هایی‌اند که با توجه به عملکردشان می‌توان پایبندی بیشتر به اقتصاد بازار را در سیاست‌های اقتصادی این دولت‌ها مشاهده کرد[۱۳].

۱-۱-۳. وزارتخانه‌ها

تنوع وزارتخانه‌های برزیل بسیار زیاد است. این کشور ۳۱ وزارتخانه دارد که عبارت‌اند از[۱۰]:

- وزارت کشاورزی و دامداری،
- وزارت شهرها،
- وزارت علوم، فناوری و نوآوری،
- وزارت ارتباطات،
- وزارت فرهنگ،
- وزارت دفاع،
- وزارت توسعه ارضی و زراعت خانوادگی،
- وزارت کارآفرینی، شرکت‌های خُرد و کسب‌وکارهای کوچک،
- وزارت ورزش،

- وزارت شیلات و آبزی‌پروری،
- وزارت توسعه و کمک‌های اجتماعی، خانواده و مبارزه با گرسنگی،
- وزارت توسعه، صنعت، تجارت و خدمات،
- وزارت حقوق بشر و شهروندی،
- وزارت آموزش،
- وزارت تأمین مالی،
- وزارت مدیریت و نوآوری در خدمات عمومی،
- وزارت برابری نژادی،
- وزارت ادغام و توسعه منطقه‌ای،
- وزارت امنیت عمومی،
- وزارت محیط زیست و تغییرات اقلیمی،
- وزارت معدن و انرژی،
- وزارت زنان،
- وزارت برنامه‌ریزی و بودجه،
- وزارت امنیت اجتماعی،
- وزارت بنادر و فرودگاه‌ها،
- وزارت مردم بومی،
- وزارت روابط خارجه،
- وزارت بهداشت،
- وزارت نیروی کار و اشتغال،
- وزارت حمل‌ونقل،
- وزارت گردشگری.

۲-۳. قوه مقننه

اختیارات قانونگذاری جمهوری توسط کنگره ملی، که متشکل از مجلس نمایندگان است، اعمال می‌شود. مدت‌زمان هر مجلس چهار سال است. مجلس سنای فدرال متشکل از اعضایی است که به نمایندگی از ایالت‌ها و نواحی فدرال با اکثریت آرا انتخاب می‌شوند[۱۰]. تصمیمات هر مجلس کنگره و کمیته‌های آن با اکثریت آرا با حضور اکثریت مطلق اعضای آن تصویب می‌شود.

کنگره برزیل دو مجلسی است و دارای سنا و مجلس نمایندگان است. کنگره از ماه مارس تا ماه ژوئن و از ماه اوت تا ماه دسامبر تشکیل جلسه می‌دهد، قانون وضع می‌کند و بودجه را مدیریت می‌کند. همه توافقات بین‌المللی ازجمله مذاکره مجدد درمورد بدهی خارجی باید به تصویب مجلس برزیل برسد. این قوه تحت شرایط خاصی می‌تواند احکام تقنینی را که مشمول وتوی ریاست‌جمهوری نیستند، وضع کند یا می‌تواند وتوی ریاست‌جمهوری را با اکثریت مطلق لغو کند. همچنین قانونگذاران تقریباً از مصونیت کامل (حتی برای جنایات بزرگ مانند قتل) برخوردارند. مهم‌ترین وظایف انحصاری کنگره عبارت‌اند از: اجازه به رئیس‌جمهور برای اعلان جنگ

و صلح و همچنین تصمیم‌گیری قطعی درمورد اقدامات، موافقت‌نامه‌ها یا معاهدات بین‌المللی که متضمن خطرات یا تعهداتی علیه میراث ملی نباشد[۱۰].

ناحیه فدرال برزیل و هر ایالت آن در سنا، سه کرسی دارند که مجموعاً شامل ۸۱ کرسی می‌شود. سناتورها حتماً باید برزیلی باشند،[۱] باید حداقل ۳۵ سال سن داشته باشند و برای دوره‌های هشت‌ساله انتخاب شوند. دوره‌ها به‌گونه‌ای است که دوسوم مجلس سنا در یک زمان و یک‌سوم باقی‌مانده چهار سال بعد انتخاب می‌شوند[۱۴].

۳-۳. قوه قضائیه

سیستم قضایی برزیل دارای دادگاه‌های فدرال، ایالتی و شهری و برخی دادگاه‌های دعاوی کوچک است که دادگاه‌های شهری بزرگ‌تر را تقویت می‌کنند. قضات فدرال منصوب رئیس‌جمهور و مشمول تصویب سنا هستند. قضات فدرال مادام‌العمر منصوب می‌شوند. حداقل سن برای یک قاضی فدرال ۳۵ سال و حداکثر سن در زمان انتصاب ۶۵ سال و سن بازنشستگی اجباری ۷۵ سال است. دادگاه‌های فدرال قاضی رئیس ندارند. ریاست هر دادگاه در یک چرخه دوساله و براساس سنوات انجام می‌شود. دیوان عالی فدرال[۲] دارای ۱۱ عضو است که توسط رئیس‌جمهور منصوب و توسط سنا تأیید شده است. این دیوان درمورد پرونده‌های بین قوه مجریه و مقننه، بین ایالت‌ها، بین دولت فدرال و ایالت‌ها، و پرونده‌های مربوط به دولت‌های خارجی و استرداد تصمیم‌گیری می‌کند. دیوان عالی فدرال درمورد تطبیق قوانین و رویه‌های قوه مجریه و قوه مقننه حکم می‌راند. رئیس این دیوان سومین ردیف جانشینی ریاست‌جمهوری را در اختیار دارد و ریاست دادگاه استیضاح را که توسط سنا برگزار می‌شود بر عهده خواهد داشت[۱۵].

بخش‌های مختلف قوه قضائیه برزیل عبارت‌اند از:

- دیوان عالی دادگستری،
- دادگاه عالی فدرال،
- دادگاه‌های منطقه‌ای فدرال و قضات فدرال،
- دادگاه‌ها و قضات ایالت‌ها،
- دادگاه‌های کار و قضات کار،
- دادگاه‌های نظامی و قضات نظامی،
- دادگاه‌های انتخابی و قضات انتخابی.

۴-۳. حاکمیت‌های منطقه‌ای

هر ایالت یک فرماندار و یک مجلس قانونگذاری دارد. فرمانداران دارای کابینه‌های ایالتی با ساختار قوه مجریه مشابه قوه مجریه فدرال‌اند. مجلس ایالتی یک مجلس قانونگذاری تک‌مجلسی است که نمایندگان آن هم‌زمان با نمایندگان کنگره انتخاب می‌شوند. نمایندگان ایالتی برای دوره‌های چهارساله بدون محدودیت دوره انتخاب می‌شوند. در برزیل، مدیریت مدارس دولتی ابتدایی و متوسطه و بیمارستان‌های دولتی بین سطوح مختلف دولتی تقسیم می‌شود.[۳] توضیح اینکه مسئولیت مدیریت مدارس ابتدایی و متوسطه بین دولت‌های فدرال، ایالتی و شهری تقسیم می‌شود؛ شهرداری‌ها آموزش دوره ابتدایی را به عهده دارند؛ درحالی‌که ایالت‌ها

۱. تابعیت برزیلی داشتن هم از طریق خون (متولد شدن از پدر و مادر برزیلی) و هم از طریق خاک (متولد شدن در خاک برزیل) قابل حصول است.

2. Federal Supreme Court

۳. ماده (۱۸).

و ناحیه فدرال آموزش دوره متوسطه را مدیریت می‌کنند. مدیریت بیمارستان‌های دولتی زیر نظر دولت‌های شهری و ایالتی است. دولت فدرال هماهنگی و بودجه کلی را از طریق سیستم بهداشت یکپارچه فراهم می‌کند، اما عملیات روزانه در سطح محلی مدیریت می‌شود[1] [۱۰].

شهرداری‌ها مسئول اخذ مالیات‌های محلی، برنامه‌ریزی و خدمات‌رسانی در حوزه‌هایی مانند آب، فاضلاب و حذف زباله‌اند. شهرداران، معاونان شهردار و اعضای شورای شهر برای مدت چهار سال بدون محدودیت انتخاب می‌شوند. انتخابات شهرداری دو سال پس از انتخابات ایالتی و ملی برگزار می‌شود[2] [۱۰].

۵-۳. احزاب سیاسی

برزیل دارای نظام چندحزبی است و در حال حاضر، ۲۹ حزب سیاسی در برزیل به‌طور رسمی ثبت شده‌اند. برخی از احزاب برجسته و تأثیرگذار آن عبارت‌اند از:

- حزب جنبش دمکراتیک برزیل (PMDB)،
- حزب سوسیال‌دمکرات برزیل (PSDB)،
- حزب جبهه لیبرال (PFL)،
- حزب سوسیال‌دمکرات (PSD)،
- حزب کارگران دمکراتیک (PDT)،
- حزب کارگران (PT)،
- حزب کارگر برزیل (PTB)،
- حزب لیبرال (PL)،
- حزب سوسیالیست برزیل (PSB)،
- حزب کمونیست برزیل (PC do B)،
- حزب مترقی برزیل (PPB)،
- حزب سوسیالیست مردمی (PPS)،
- حزب سبز (PV)،
- حزب سوسیال‌لیبرال (PSL)،
- حزب بسیج ملی (PMN).

فراتر از طیف وسیع احزاب سیاسی در کنگره برزیل، حزب کارگران (PT)، جنبش دمکراتیک برزیل (MDB)، حزب لیبرال (PL)، مترقیان (PP) و اتحادیه برزیل (UNIÃO) با هم، کنترل مطلق را در دست دارند. اکثریت کرسی‌های مجلس سنا و مجلس نمایندگان در اختیار این احزاب است و احزاب کوچک‌تر اغلب با حداقل یکی از این پنج حزب بزرگ ائتلاف می‌کنند. احزاب سیاسی در برزیل به‌طور سنتی یا منافع متمرکز بر مناطق را نمایندگی می‌کنند یا از یک رهبر سیاسی خاص حمایت می‌کنند. از آنجایی که وفاداری افراد به حزب ضعیف است، تغییر احزاب برای سیاست‌مداران امری معمول است[۱۶].

---

۱. ماده (۲۱۱).

۲. ماده‌های (۱۹۶) تا (۱۹۸).

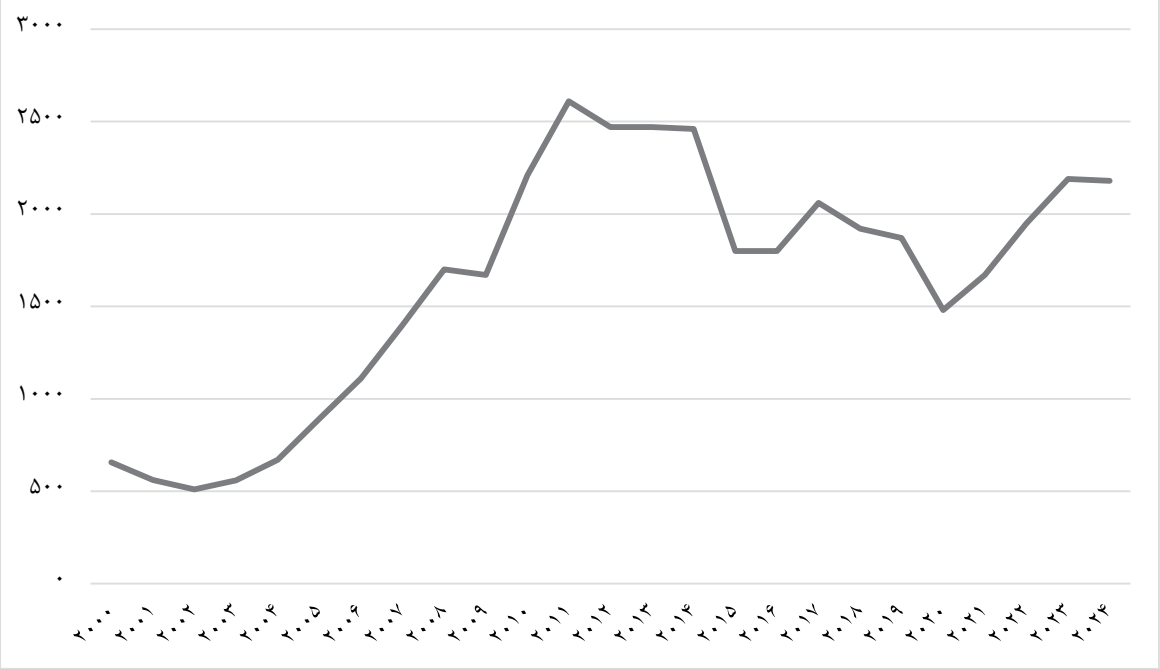
۴. اقتصاد برزیل

برزیل کشوری است که هم از منظر کشاورزی سرزمین‌های وسیع برای کشت دارد و از منظر منابع معدنی نیز غنی به حساب می‌آید؛ بنابراین این کشور را می‌توان در رسته کشورهای منبع‌محور طبقه‌بندی کرد. کشور برزیل از منظر ذخایر نفت و گاز چندان غنی نیست (لیکن درحال‌توسعه در بخش استخراج یا اصطلاحاً در بخش بالادست این زنجیره است) و از منظر صنعت نیز به چند فعالیت خاص محدود است. برای شناخت اقتصاد برزیل در این بخش، ابتدا شمایی از شاخص‌های مهم اقتصادی این کشور (به‌صورت سری زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳) ارائه و سپس مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی این کشور اعم از بخش‌های کشاورزی، معدن، صنعت، انرژی و تجارت بررسی می‌شوند.

۴-۱. شاخص‌های اقتصادی

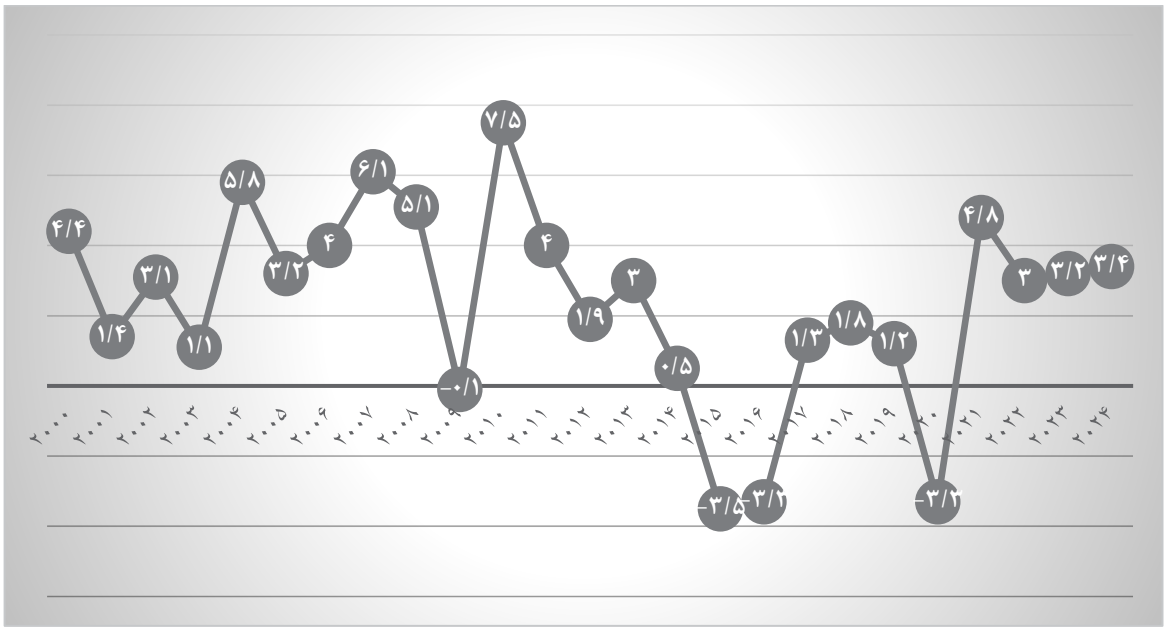
مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی، ازجمله میزان تولید ناخالص، نرخ تورم، نرخ بیکاری، سرمایه‌گذاری خارجی، نرخ فقر، میزان مهاجرت، می‌توانند در شناخت اقتصاد یک کشور کمک‌کننده باشند.

شکل ۶. نمودار سری زمانی تولید ناخالص داخلی برزیل (قیمت جاری – میلیارد دلار) ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ [۱۷]



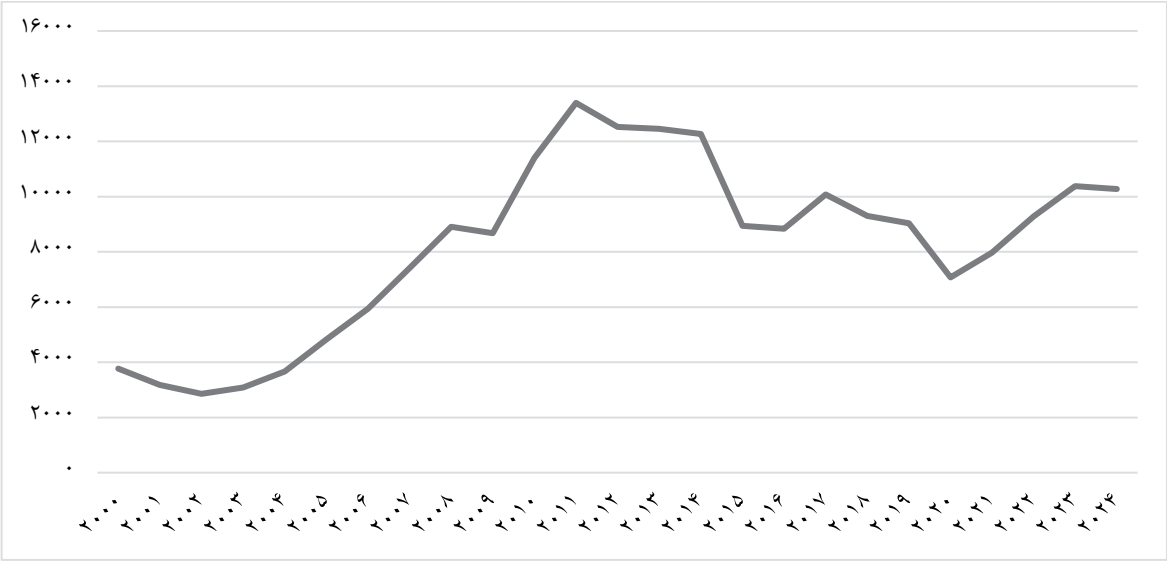
طبق شکل ۶، تولید ناخالص داخلی برزیل از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ با شیب نسبتاً چشمگیری درحال‌افزایش بوده، لیکن از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰ با افت‌وخیزهایی، این شاخص با روندی نزولی همراه بوده است. درحالی‌که در سال‌های اخیر مجدداً تولید ناخالص داخلی برزیل روندی مثبت از خود نشان داده است.

شکل ۷. نمودار سری زمانی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (درصد) ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ [۱۷]



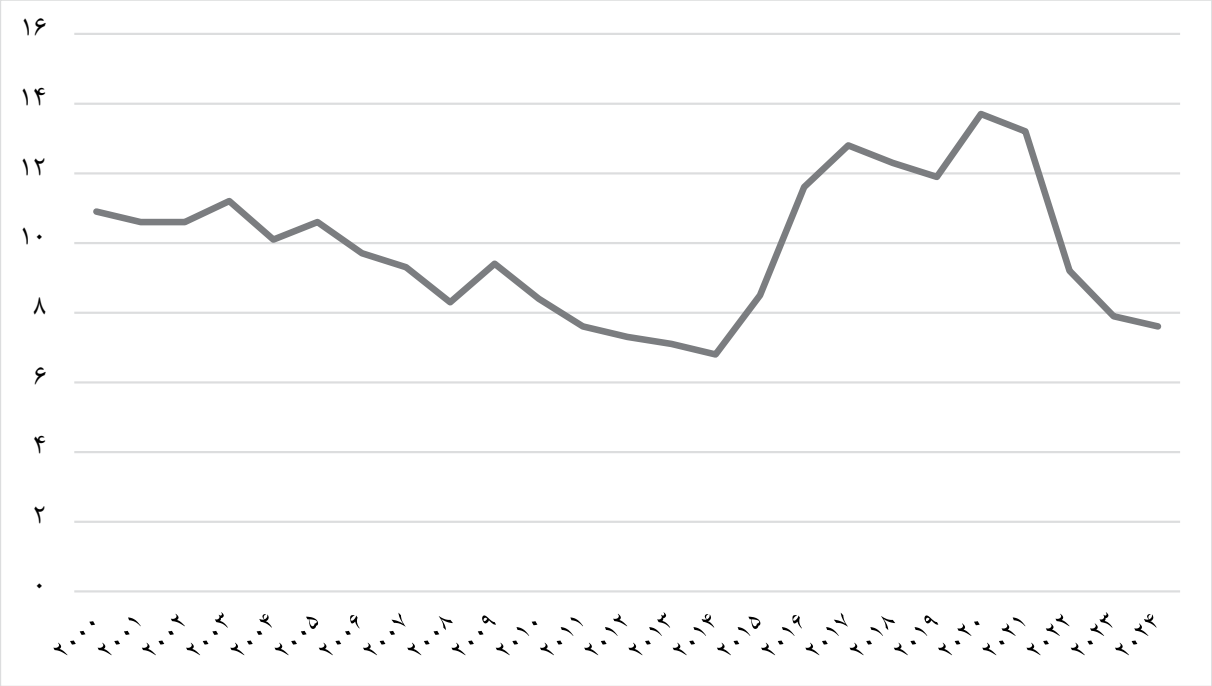
نوسان در نرخ رشد اقتصادی برزیل در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰، ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴ و ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱ پرشدت بوده است.

شکل ۸. نمودار سری زمانی سرانه تولید ناخالص ملی از ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ (دلار) [۱۷]



شاخص سری زمانی سرانه تولید ناخالص ملی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ روندی صعودی داشته، لیکن از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۴ با روند نزولی مواجه شده است. در کل این شاخص از ۴۰۰۰ دلار در سال ۲۰۰۰ به حدود ۱۰۰۰۰ دلار در سال ۲۰۲۴ افزایش یافته است.

شکل ۹. نمودار سری زمانی نرخ بیکاری در برزیل (درصد) ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ [۱۷]

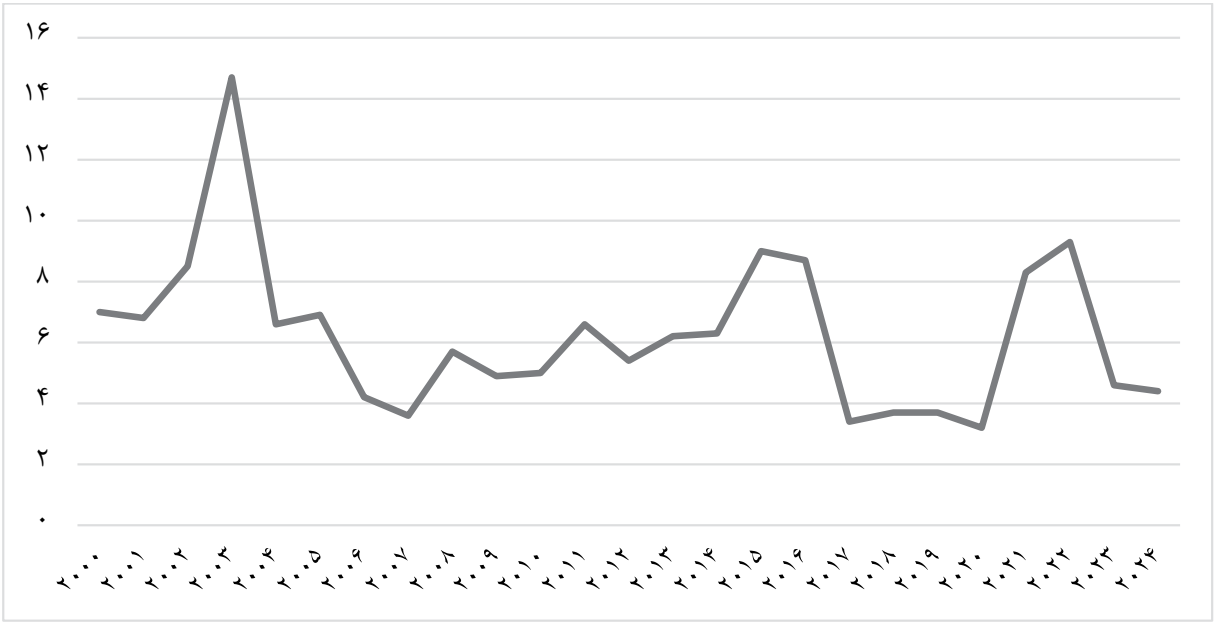


نرخ بیکاری در برزیل از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ روندی نزولی داشته، اما بعد از همین سال با جهش سریعی، نرخ بیکاری از حدود ۵ درصد، به حدود ۱۳ درصد در سال ۲۰۱۷ رسیده است.[۱] از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ نیز با کمی افزایش به حدود ۱۴ درصد رسیده،[۲] لیکن مجدداً با یک کاهش شدید، این نرخ در سال ۲۰۲۳، حدود ۸ درصد بوده است.

۱. برزیل در این دوره وارد رکود عمیقی شد که این رکود ناشی از ترکیبی از کاهش قیمت کالاها، نبود تعادل مالی و بی‌ثباتی سیاسی بود. درنتیجه، نرخ بیکاری از ۵ درصد در سال ۲۰۱۴ به ۱۳ درصد در پایان سال ۲۰۱۷ افزایش یافت و بیش از ۱۲ میلیون نفر بیکار شدند.

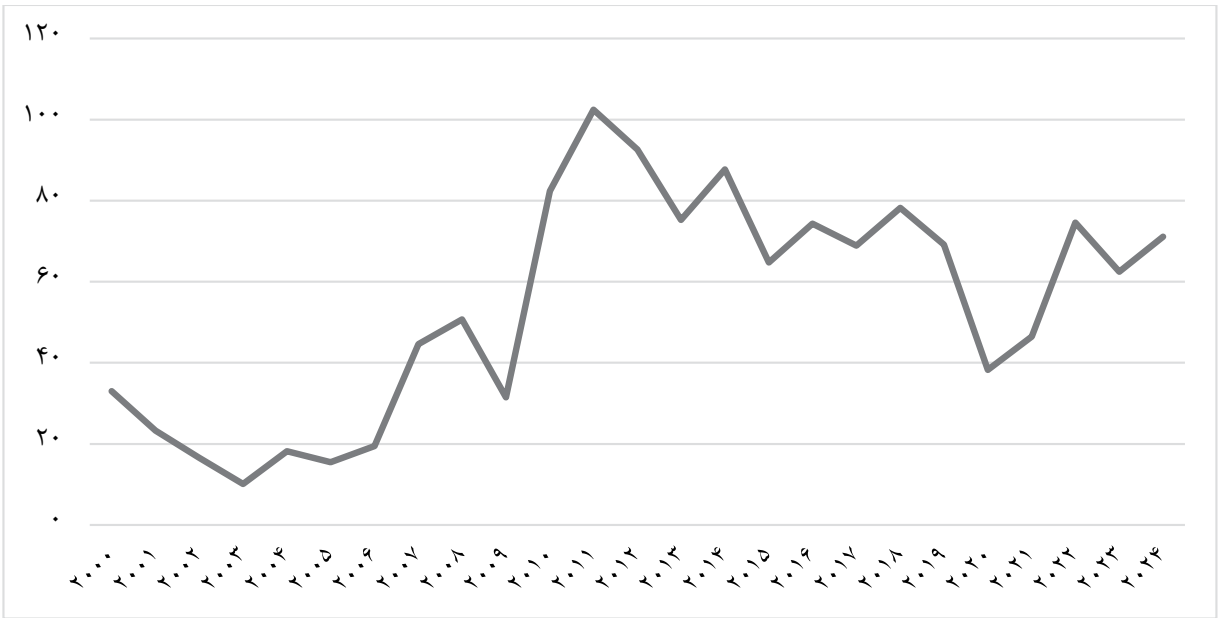
۲. علت افزایش بیکاری در این دوران مربوط به بیماری کووید ۱۹ بود. این بیماری همه‌گیر به‌شدت بر اقتصاد برزیل تأثیر گذاشت و به انقباض ۴.۱ درصدی تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۰ منجر شد. قرنطینه‌ها و کاهش فعالیت اقتصادی باعث شد بیکاری در سپتامبر ۲۰۲۰ به ۱۴ درصد برسد که بالاترین سطح از زمان شروع ثبت آمار در سال ۲۰۱۲ است.

شکل ۱۰. نمودار سری زمانی نرخ تورم (CPI) در برزیل (درصد) ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ [۱۷]



نرخ تورم هم مانند سایر نرخ‌ها، طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳، نوسان قابل توجهی داشته است. بزرگ‌ترین جهش نرخ تورم، در سال ۲۰۰۲ بوده که از ۷ درصد به حدود ۱۵ درصد رسید. لیکن در سال‌های بعد کاهش یافت و به‌طور میانگین به حدود ۶ درصد رسید. جهش‌های بعدی تورم در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲ بوده است که نرخ تورم را تا ۱۰ درصد افزایش داد و مجدداً در سال ۲۰۲۳ به حدود ۵ درصد کاهش یافت.

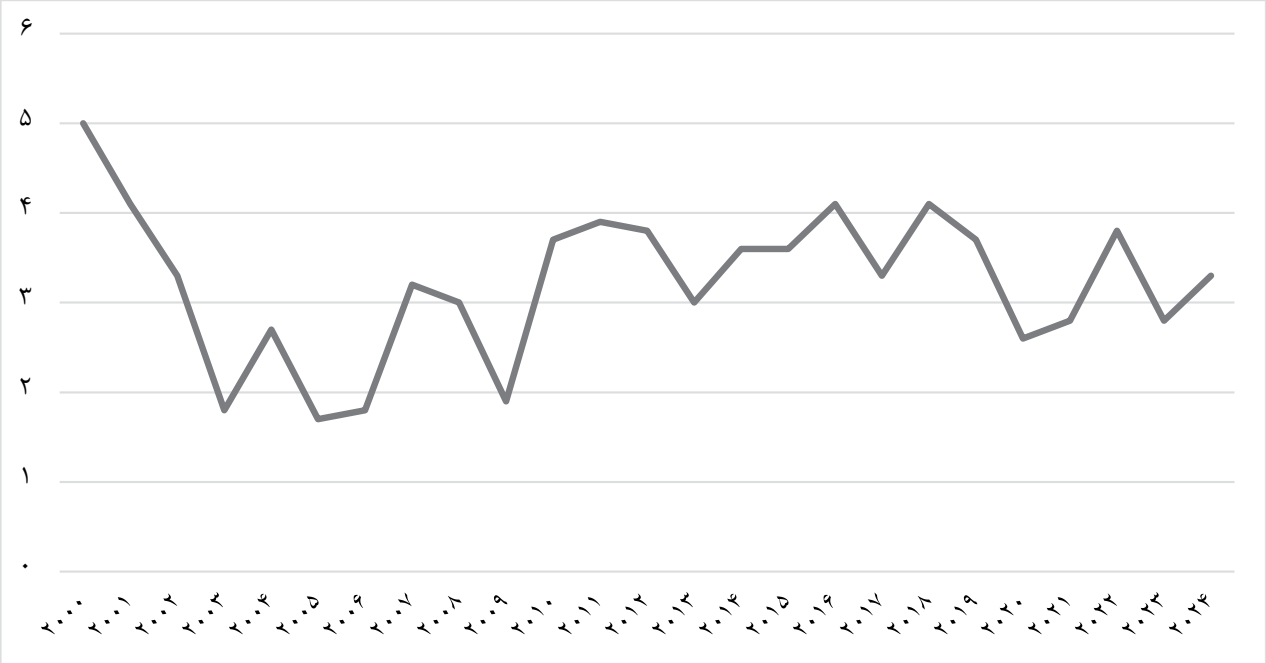
شکل ۱۱. نمودار سری زمانی سرمایه‌گذاری خارجی در برزیل ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ (میلیارد دلار) [۱۷]



سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در برزیل از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ صعودی بوده و بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ جهش چشمگیری داشت، اما پس از آن از سال ۲۰۱۲ تاکنون با نوسانات فراوانی همراه بوده و سرعت آن کُندتر شده است. بااین‌حال، جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۲۲، به ۸۶ میلیارد دلار افزایش یافت و در سال ۲۰۲۳ با اندکی کاهش به حدود ۶۴ میلیارد دلار رسید.

همچنین اهتمام حاکمیت در موضوع سرمایه‌گذاری مجدد[1] در برزیل، باعث شده است این کشور، ۴۱ درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم در آمریکای لاتین را در سال ۲۰۲۲ جذب کند که در همان سال، کل موجودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ۸۱۵٫۶ میلیارد دلار رسید که حدود ۴۲٫۴ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور است. براساس آخرین آمار موجود از بانک مرکزی برزیل، کشورهای اصلی سرمایه‌گذاری در برزیل هلند، ایالات متحده، فرانسه، اسپانیا و کانادا هستند. سرمایه‌گذاری‌ها نیز عمدتاً در تجارت، محصولات معدنی غیرفلزی، محصولات شیمیایی، خدمات مالی و وسایل نقلیه موتوری است. در هشت‌ماهه اول سال ۲۰۲۳، ورودی FDI به ۳۷٫۹ میلیارد دلار رسید که نسبت به مدت مشابه یک سال قبل ۳۶ درصد کاهش داشته است.

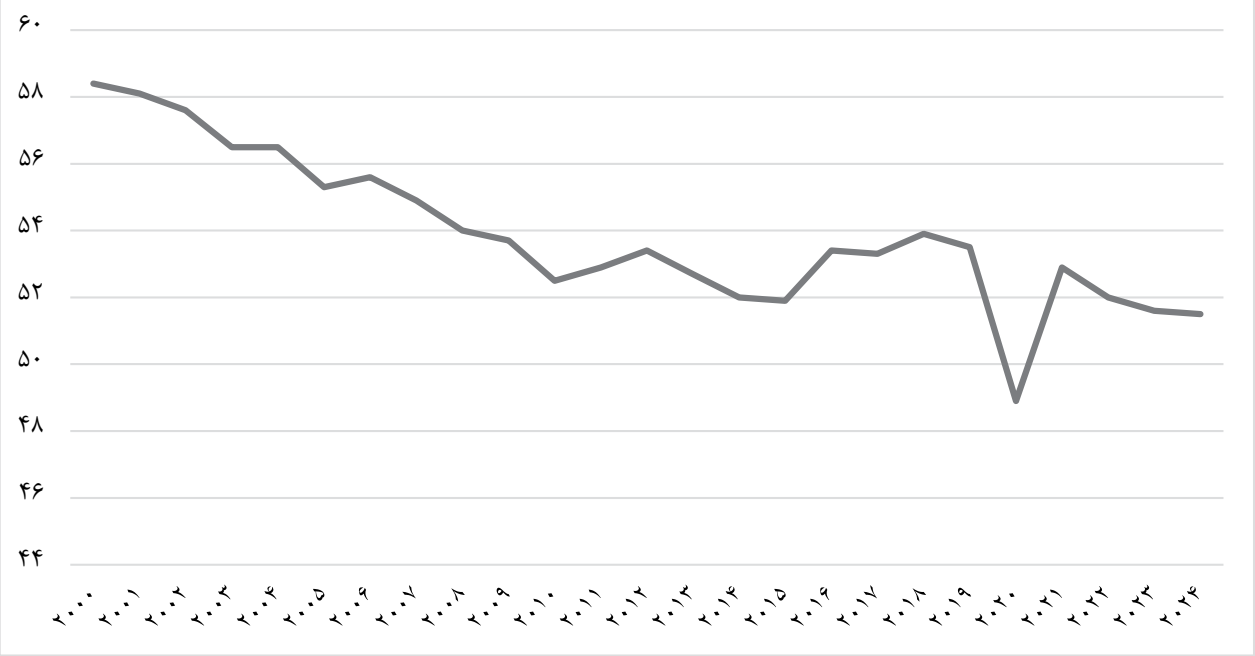
شکل ۱۲. نمودار سری زمانی نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی در برزیل (درصد) ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ [۱۷]



همان‌طور که از شکل ۱۲ مشخص است، از سال ۲۰۰۹، شاخص سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی در برزیل، باوجود نوسان، حدود ۴ درصد بوده و به‌عبارت‌دیگر، می‌توان گفت که ۴ درصد از تولید ناخالص داخلی در برزیل ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی است.

۱. سرمایه‌گذاری مجدد به‌این معناست که سود یا درآمدی که از یک سرمایه‌گذاری به‌دست آمده (یا پولی که از آن خارج شده) دوباره وارد چرخه سرمایه‌گذاری شود.

شکل ۱۳.نمودار سری زمانی ضریب جینی در برزیل ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ [۱۷]



سری زمانی ضریب جینی در شکل ۱۳، بیان می‌کند که برزیل توانسته است در طول بیش از دو دهه گام‌هایی در جهت کاهش نابرابری درآمدی بردارد؛ هرچند این مسیر با نوسانات و افت‌وخیزهای قابل توجهی همراه بوده است. در ابتدای دوره، شاخص در سطحی نزدیک به ۵۸ قرار داشت که حاکی از نابرابری شدید درآمدی بود. طی سال‌های ۲۰۰۰ تا حدود ۲۰۱۴، این شاخص به‌طور پیوسته کاهش یافته و به حدود ۵۲ رسیده است. این کاهش عمدتاً حاصل سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی دولت‌های وقت برزیل بود که برنامه‌های گسترده‌ای مانند یارانه‌های نقدی، افزایش حداقل دستمزدها و سرمایه‌گذاری در بخش‌های آموزش و بهداشت را دنبال می‌کردند.

پس از سال ۲۰۱۴، با ورود اقتصاد برزیل به رکود، کاهش قیمت کالاهای صادراتی و بحران‌های سیاسی داخلی، روند نزولی شاخص کُند شد و ضریب جینی در سطحی نزدیک به ۵۲ تثبیت گردید. نقطه عطف مهم در این روند در سال ۲۰۲۰ و هم‌زمان با بحران همه‌گیری کرونا رخ داد؛ جایی که به‌واسطه اجرای سیاست‌های حمایتی اضطراری و توزیع گسترده کمک‌های نقدی، نابرابری درآمدی به‌طور موقت کاهش یافت و ضریب جینی به سطحی نزدیک به ۴۹ کاهش پیدا کرد. بااین‌حال، این کاهش پایدار نماند و با پایان برنامه‌های حمایتی، شاخص دوباره به سطحی بالاتر بازگشت و طی سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۴ در محدوده‌ای کمی بالاتر از ۵۱ نوسان کرد. بنابراین می‌توان گفت مسیر بلندمدت برزیل نشان‌دهنده کاهش تدریجی نابرابری در مقایسه با ابتدای دهه ۲۰۰۰ است، اما این کاهش هرگز به سطحی نرسیده که بتوان آن را رضایت‌بخش دانست و همچنان نابرابری در این کشور بالا باقی مانده است.

همچنین باتوجه به شکل ۱۴، کشور برزیل یکی از کشورهای مهاجرفرست جهان است. ارتباط بسیار نزدیک و مستقیمی بین وضعیت اقتصادی نامناسب و میزان مهاجرت برزیلی‌ها وجود دارد و ایالات متحده، پرتغال، پاراگوئه، انگلیس، ژاپن و کشورهای اروپایی عمده مقاصد مهاجران برزیلی هستند. سال ۲۰۱۶ رکورددار بیشترین مهاجرت در طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ بوده است که حدود ۸۰ هزار نفر را شامل می‌شود. این دوران با رکود تورمی در زمان ریاست‌جمهوری دیلما روسوف مصادف است.

شکل ۱۴. نمودار سری زمانی میزان مهاجرت از برزیل (هزار نفر) ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ [۱۷]



۲-۴. بخش کشاورزی

۱-۲-۴. اهمیت استراتژیک بخش کشاورزی

اهمیت استراتژیک بخش کشاورزی برای رشد اقتصادی برزیل از زمان آغاز استعمار اقتصادی در اوایل قرن شانزدهم آشکار بوده است. تا دهه ۱۹۳۰، اقتصاد برزیل به‌شدت بر تولید و صادرات محصولات کشاورزی متکی بود؛ به‌طوری‌که دو گروه عمده از محصولات (قهوه و دیگر کالاهای کشاورزی همچون لاستیک گیاهی، کاکائو و پنبه) بیش از ۵۵ درصد از صادرات این کشور را تا دهه ۱۹۶۰ تشکیل می‌دادند. این گسترش‌های برون‌گرا که بر تعداد محدودی محصول متمرکز بود، به نوسانات شدید رشد اقتصادی (در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته) و آسیب‌پذیری بالای اقتصاد در برابر نوسانات خارجی انجامید. تا پایان دهه ۱۹۹۰، اگرچه کالاهای کشاورزی همچنان بخش مهمی از اقتصاد برزیل بودند، دو محصول اصلی دهه ۱۹۹۰ را سویا و سنگ‌آهن تشکیل می‌دادند.

به‌رغم نقش مهم کشاورزی در اقتصاد برزیل، این کشور تا دهه ۱۹۶۰ به‌طور منظم از کمک‌های غذایی خارجی بهره می‌برد و حتی تا دهه ۱۹۸۰ نیز واردکننده عمده مواد غذایی بود. کشاورزی سنتی تا دهه ۱۹۷۰ در برزیل غالب، و عمدتاً بر گسترش زمین‌های کشاورزی استوار بود. اما بعد از آن بخش زیادی از تحولات بخش کشاورزی در پاسخ به تقاضای قوی ناشی از فرایند صنعتی‌سازی دولتی که از دهه ۱۹۶۰ تا اوایل دهه ۱۹۸۰ در برزیل دنبال می‌شد، صورت گرفت. این دوره صنعتی‌سازی با رشد سریع جمعیت، افزایش درآمد و روند شتابان شهرنشینی همراه بود. همچنین افزایش هزینه فرصت نیروی کار در بخش کشاورزی و مهاجرت گسترده از مناطق روستایی به شهرها، محیطی مساعد برای رشد و نوسازی کشاورزی ایجاد کرد.

سیاست صنعتی‌سازی بلندپروازانه دولت، که با هدف کاهش واردات طراحی شده بود، شامل کنترل‌های ارزی، سیستم‌های نرخ ارز چندگانه (برای تسهیل واردات کالاهای سرمایه‌ای) و نرخ بهره‌های یارانه‌ای برای تأمین مالی صنایع کالاهای سرمایه‌ای بود. به‌موازات این تحول ساختاری در بخش کشاورزی، صنایع و خدمات مرتبط با کشاورزی- به‌دلیل پیوندهای قوی پیشین و پسین- به یکی از بزرگ‌ترین و رقابتی‌ترین صنایع جهان تبدیل شدند. سیاست‌های اقتصادی همچنین واردات کالاهای مصرفی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی و حمل‌ونقل را ترویج کردند. سرمایه‌گذاری در سامانه‌های جاده‌ای فدرال و ایالتی نقش کلیدی در گسترش کشاورزی ابتدا از نظر گسترش سطح زمین‌های کشاورزی (دهه های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰) و سپس از منظر افزایش بهره‌وری (از طریق حمل نهاده‌های مدرن و انتقال محصولات کشاورزی به بازارهای شهری) ایفا کرد.

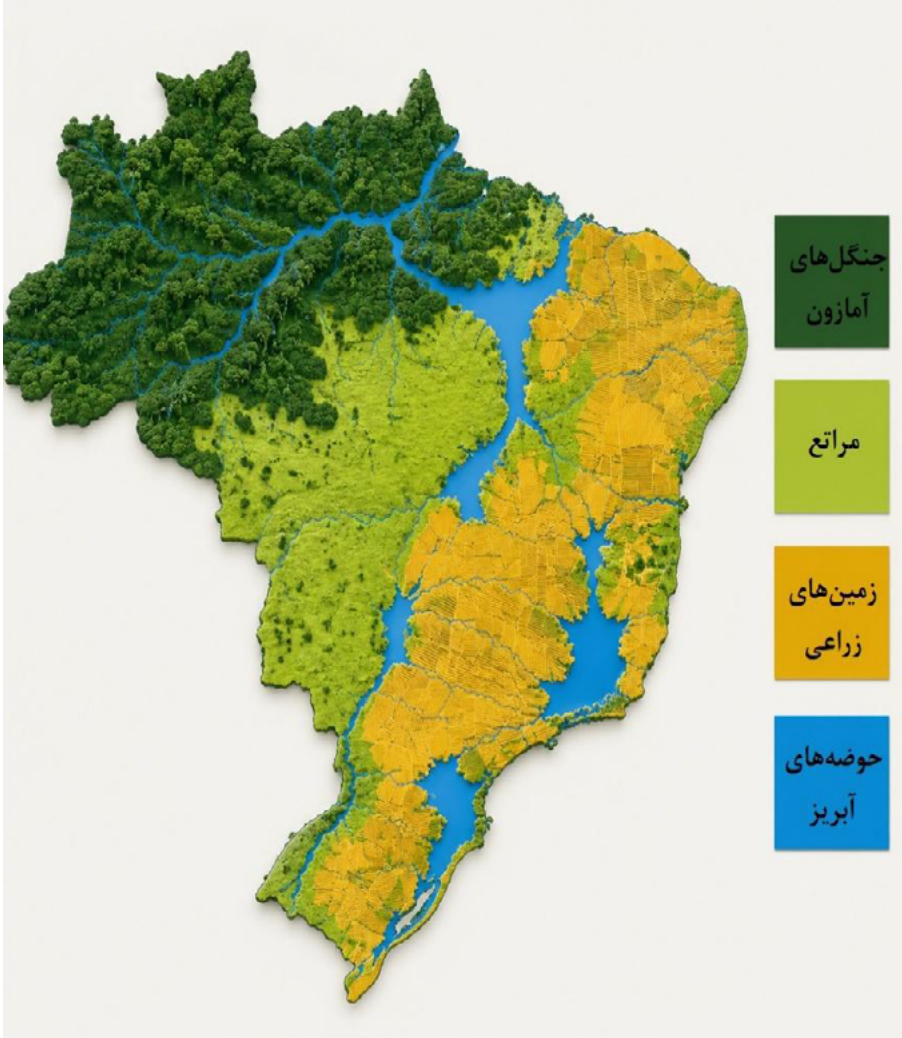
در آن زمان، سیاست‌های کشاورزی تحت‌الشعاع هدف اصلی صنعتی‌سازی قرار داشتند و اولویت‌های دولت به شهرها معطوف بود. فرایند سریع صنعتی‌سازی برزیل در فاصله دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ موجب تحولات مهمی در آن کشور شد که فشارهای زیادی به کشاورزی وارد کرد. بااین‌حال، فرصت‌های صادرات کشاورزی به‌عنوان راهی برای تأمین مالی واردات فناوری و کالاهای سرمایه‌ای برای بخش صنعتی نوظهور شناسایی شد. علی‌رغم این فشارها، مشخص شد که ظرفیت توسعه کشاورزی در مناطق سنتی محدود است. بنابراین، راهبردی برای تبدیل کشاورزی سنتی به بخشی مدرن و پویا، مبتنی‌بر پیشرفت‌های علمی، ضرورت پیدا کرد. این ضرورت نه‌تنها افزایش بهره‌وری در زمین‌های موجود را مطرح می‌کرد، بلکه تبدیل اراضی کم‌بازده به زمین‌های حاصلخیز را نیز برای تضمین امنیت غذایی شهرهای روبه‌رشد در دستور کار قرار می داد[۱۸]،[۱۹]،[۲۰].

عمده اقلام اساسی صادراتی برزیل شامل دانه سویا، نفت خام، سنگ‌آهن، ذرت، شکر، کنجاله سویا، گوشت گاو، قهوه، مرکبات، نیشکر، برنج، کاکائو، موز، پنبه و تنباکو هستند که در ادامه مهم‌ترین مقاصد صادراتی این اقلام ذکر شده است:

- دانه سویا (HS 120100): چین، آرژانتین، اسپانیا، تایلند، ترکیه،
- نفت خام (HS 270900): چین، ایالات متحده، هلند، اسپانیا، شیلی،
- سنگ‌آهن (HS 260111): چین، مالزی، بحرین، ژاپن، عمان،
- ذرت (به‌جز بذر) (HS 100590): چین، ژاپن، ویتنام، کره جنوبی، ایران،
- شکر خام نیشکر (HS ۱۷۰۱۱۱): چین، هند، الجزایر، عربستان سعودی، مراکش،
- کنجاله / تفاله سویا (HS 230400) (Soybean meal): اندونزی، تایلند، آلمان، لهستان، هلند،
- فراورده‌های نفتی (غیرِخام) در کد تجمیعی (HS 271000): سنگاپور، ایالات متحده، هلند، پاناما،
- گوشت گاوی بدون استخوانِ منجمد (HS 020230): چین، ایالات متحده، امارات، مصر، فیلیپین،
- قهوه سبز (HS ۰۹۰۱۱۱): ایالات متحده، آلمان، ایتالیا، بلژیک، ژاپن.

شرق برزیل مهم‌ترین نواحی تولید محصولات کشاورزی است. کیفیت شرایط رشد محصولات کشاورزی بسته به الگوهای آب‌وهوایی، کیفیت زمین و موقعیت جغرافیایی متفاوت است. هر منطقه از برزیل شرایط رشد مشخصی دارد که در نهایت بر عرضه مواد غذایی تأثیر می‌گذارد. برزیل دارای دو نوع محیط کشاورزی با منابع گسترده است. نیمه جنوبی برزیل دارای آب‌وهوای نیمه معتدل، بارندگی زیاد، خاک خوب، زیرساخت‌های کافی و کشاورزان باتجربه است. این بخش، بیشترِ غلات، دانه‌های روغنی و محصولات صادراتی برزیل را تولید می‌کند. منطقه شمال شرق و حوضه آمازون دارای خاک، زیرساخت و سرمایه توسعه‌ای ضعیف است و کشاورزی را عمدتاً در سطح معیشتی نگاه می‌دارد. البته جنگل آمازون برای صادرکنندگان محصولات جنگلی، کاکائو و میوه‌های استوایی اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است[۲۱].

شکل ۱۵. نقشه پوشش گیاهی برزیل[۱]



منطقه بزرگ مرکزی دارای آب‌وهوای تقریباً عالی با باران فراوان در تابستان و آب‌وهوای معمولاً گرم و خشک در زمستان است. میزان بارندگی در نواحی مختلف متفاوت است و بخش شمال شرقی عمدتاً از خشک‌سالی‌های مکرر رنج می‌برد؛ جنوب این کشور نیز مستعد سیل و یخبندان است[۲۲]. بسیاری از زمین‌های برزیل نیاز به کوددهی دارند. این به برخی از مشکلات جنگل‌زدایی در جنگل‌های بارانی آمازون منجر شده است. زمین‌های برزیل نیز توسط بسیاری از مالکان خصوصی کنترل می‌شود. توزیع نابرابر زمین به برخی مشکلات منجر شده است. کشاورزان کوچک درحال ریشه‌کن شدن هستند؛ زیرا بهای بالای تولید موجب کاهش سود و زیان‌ده شدن آنان شده است؛ به‌طوری‌که انقلاب سبز و اصلاحات اراضی در برزیل مشکلات فراوانی را به دنبال داشته است. آفت‌کش‌ها و کودها بر میکروارگانیسم‌های موجود در خاک تأثیر گذاشته‌اند و سبب تضعیف و کاهش توانایی زمین برای تلاش برای تنوع‌سازی کشاورزی و امنیت غذایی در برزیل شده است. ازسوی‌دیگر، علف‌کش‌ها کارایی خود را در کنترل علف‌های هرز از دست داده‌اند. کاربرد مداوم این محصولات و سایر محصولات شیمیایی به کاهش حاصلخیزی خاک منجر شده است[۲۳]،[۲۴].

یکی از راه‌حل‌های مقابله با کاهش حاصلخیزی خاک، سوزاندن جنگل‌ها و تغییر کاربری جنگل‌هاست؛ بااین‌حال گفتنی است،

کشاورزانی که زمین را با سوزاندن جنگل‌های بارانی پاک‌سازی کردند، دریافتند که خاک در مقیاس بزرگ و به مدت‌زمان طولانی، تولید محصولات کشاورزی را پشتیبانی نمی‌کند و بعد از مدتی (گاهی بعد از مدت‌زمانی کوتاه) زمین قابلیت باروری خود را از دست می‌دهد. ازاین‌رو اکنون با وضع قانون جرائم زیست‌محیطی، آتش زدن مناطق جنگلی در مقیاس بزرگ ممنوع است و مجازات‌های جدی برای متخلفان در نظر گرفته شده است؛ چراکه نابودی جنگل‌های برزیل مشکلات اساسی در سطح جهانی ایجاد می‌کند[۲۵].

دولت ملی در حال حاضر در تلاش است تا زمین را به‌طور مساوی بین افراد بی‌زمین کشور توزیع کند. تلاش‌های گذشته بسیاری از زمین‌ها را برای مالکیت خصوصی باز گذاشته است. دولت برزیل در تلاش است تا از مزارع بزرگ سازمانی حمایت کند. این مزارع اغلب تنها مزارعی‌اند که اعتبار یارانه‌ای، معافیت‌های مالیاتی و حمایت قیمت دریافت می‌کنند. این طرح مشکلی را حل نمی‌کند. کشاورز کوچک همچنان به کمک نیاز دارد. تعرفه‌های بالا در صادرات محصولات کشاورزی از طرف شرکای تجاری و هزینه‌های حمل‌ونقل کشاورزان خرده‌پا را با مشکل مواجه کرده است[۲۶].

۲-۲-۴. نظام تولیدی چندلایه بخش کشاورزی در برزیل

زنجیره تولید و عرضه محصولات کشاورزی (به‌ویژه غلات) در برزیل «چندلایه» است و تولید داخلی عمدتاً ناشی از فعالیت تولیدی سه گروه از تولیدکنندگان است:

الف) تولیدکنندگان بزرگ‌مقیاس

در بررسی نقش شرکت‌های بزرگ خارجی باید به نقش شرکت‌های غربی و آسیایی اشاره کرد. در بررسی جایگاه شرکت‌های بزرگ غربی (اعم از آمریکایی و اروپایی) و نیز بازیگران آسیایی در زنجیره اقلام اساسی برزیل، لازم است میان «تولید مزرعه‌ای» و «کنترل زنجیره ارزش پس از مزرعه» تفکیک روشنی برقرار شود. همان‌طورکه بیان شد، تولید ذرت و سویا در برزیل عمدتاً توسط تولیدکنندگان داخلی انجام می‌شود؛ شامل مزرعه‌داران بزرگ، شبکه‌های اتحادیه‌ای و کشاورزان خرد. بااین‌حال، **بخش تعیین‌کننده‌ای از سازمان‌دهی بازار (یعنی خرید محصول از مزرعه، تجمیع و استانداردسازی، ذخیره‌سازی، حمل‌ونقل، فراوری و در نهایت صادرات) به‌صورت متمرکز در اختیار شرکت‌های بزرگ چندملیتی و شبکه‌های بازرگانی جهانی قرار دارد.** به همین دلیل، اثرگذاری این شرکت‌ها بر جریان عرضه، هزینه‌های لجستیکی و نهایتاً قیمت‌های عملیاتی، معمولاً بسیار فراتر از سهم مستقیم آنها در مالکیت یا مدیریت مزارع است.

در عمل، صادرات غلات و دانه‌های روغنی برزیل در بسیاری از سال‌ها **به‌شدت متکی به چند شرکت بزرگ بین‌المللی** بوده است. شرکت‌هایی مانند **کارگیل**[1] و **بونگه**[2] (در کنار سایر شرکت‌های بزرگ تجارت کشاورزی) از بازیگران اصلی در خرید، مدیریت محموله، حمل و صادرات محسوب می‌شوند و در کنار آنها برخی شرکت‌های اروپایی و نیز گروهی از صادرکنندگان برزیلی و واسطه‌های منطقه‌ای فعال‌اند. این الگو به این معناست که «ظرفیت تولید» برزیل شرط لازم برای دسترسی به کالاست، اما شرط کافی نیست؛ دسترسی پایدار و رقابتی به محصول، تا حد زیادی به دسترسی به شبکه‌های صادراتی و مدیریتی همین شرکت‌ها وابسته است.

قدرت این شرکت‌ها صرفاً از «معامله‌گری» ناشی نمی‌شود، بلکه از کنترل گلوگاه‌های زنجیره ارزش تثبیت می‌شود. سرمایه‌گذاری در سیلوها و مراکز ذخیره‌سازی، شبکه خرید و تجمیع در مناطق تولید، مدیریت حمل‌ونقل جاده‌ای / ریلی / رودخانه‌ای، و حضور در پایانه‌های صادراتی و بنادر، به این شرکت‌ها امکان می‌دهد جریان فیزیکی کالا را هدایت و هزینه و ریسک لجستیک را به مزیت رقابتی تبدیل کنند. از منظر اقتصادی، هرچه یک شرکت در لایه‌های بیشتری از زنجیره حضور داشته باشد، قابلیت مدیریت

1.Cargill
2.Bunge

ریسک‌های هم‌زمان (ریسک قیمت، ریسک حمل، ریسک کیفیت، ریسک زمان‌بندی تحویل و ریسک‌های مقرراتی) بیشتری نیز خواهد داشت. همین امر به تقویت قدرت چانه‌زنی آن شرکت در برابر فروشندگان خرد یا حتی برخی خریداران بزرگ منجر می‌شود. در سطح حکمرانی صنفی و هماهنگی بازاری نیز، نقش انجمن‌ها و تشکل‌های تخصصی قابل توجه است. چنین نهادهایی معمولاً در استانداردسازی، هماهنگی میان اعضا، تعامل با نهادهای دولتی و اطلاع‌رسانی درباره وضعیت لجستیک و صادرات نقش دارند.

در سوی آسیایی، ورود بازیگران بزرگ به زنجیره جهانی غلات و دانه‌های روغنی عمدتاً ماهیتی راهبردی دارد. شرکت‌هایی مانند کافکو[1] در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند با توسعه شبکه منشأیابی و تجارت بین‌المللی ازجمله از طریق تملک یا ادغام با شرکت‌های بازرگانی و دارایی‌های لجستیکی، کنترل بیشتری بر مسیر «منشأ تا مقصد» به دست آورند. این روند را می‌توان بخشی از راهبرد کشورهای واردکننده بزرگ برای کاهش ریسک تأمین و افزایش اطمینان از دسترسی پایدار به کالاهای اساسی تفسیر کرد.

ب) اتحادیه‌ها (تعاونی‌ها)

اتحادیه‌ها (تعاونی‌ها) نقش پشتیبان و سازمان‌دهنده دارند و به کشاورزان در لجستیک، ذخیره‌سازی و دسترسی به بازار کمک می‌کنند؛ یعنی بخشی از کارهایی را که یک کشاورز خُرد به‌تنهایی نمی‌تواند انجام دهد (مانند انبارداری، تجمیع محصول، هماهنگی حمل‌ونقل و یافتن خریدار) به‌صورت جمعی سامان می‌دهند. این درحالی است که شرکت‌های بزرگ خارجی (عموماً شرکت‌های غربی آمریکایی و اروپایی) نقش مهمی در زنجیره ارزش محصولات کشاورزی ایفا می‌کنند[۲۷].

ج) کشاورزان کوچک مقیاس

۳-۲-۴. کشت فراسرزمینی

کشت فراسرزمینی نیز یکی از مباحثی است که در حوزه کشاورزی برزیل همواره مطرح بوده است و به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین قطب‌های کشاورزی جهان، برای شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران بین‌المللی گزینه‌ای راهبردی به شمار می‌آید. گستره وسیع اراضی قابل کشت، تنوع اقلیمی، زنجیره‌های تأمین توسعه‌یافته و دسترسی به بازارهای صادراتی، موجب شده است برزیل در تولید کالاهایی مانند سویا، ذرت، پنبه، نیشکر، قهوه و گوشت نقش پررنگی داشته باشد. بااین‌حال، ورود به این بازار صرفاً یک تصمیم تولیدی نیست و نیازمند ارزیابی دقیق حقوقی، محیط‌زیستی، عملیاتی و مالی است.

از منظر مزایا، نخستین نکته ظرفیت بالای تولید و مقیاس‌پذیری است. بسیاری از مناطق کشاورزی برزیل امکان اجرای پروژه‌های بزرگ‌مقیاس را فراهم می‌کنند و همین موضوع می‌تواند هزینه تمام‌شده تولید را کاهش و بهره‌وری را افزایش دهد. مزیت دوم، تنوع جغرافیایی و اقلیمی است که اجازه می‌دهد بسته به محصول هدف، منطقه مناسب انتخاب و ریسک‌های وابسته به فصل یا اقلیم تا حدی مدیریت شود. همچنین، تجربه فنی و زیرساخت‌های کشاورزی در بسیاری از ایالت‌های تولیدکننده، ازجمله شبکه ماشین‌آلات، خدمات فنی، انبارداری و مسیرهای صادراتی، برای سرمایه‌گذاران خارجی جذابیت ایجاد می‌کند. در کنار این موارد، امکان استفاده از مدل‌های متنوع همکاری مانند اجاره بلندمدت، مشارکت با اپراتورهای محلی، یا کشت قراردادی نیز انعطاف‌پذیری قابل توجهی برای طراحی پروژه فراهم می‌سازد.

محدودیت‌ها در کشت فراسرزمینی در برزیل را می‌توان به سه محور اصلی تقسیم کرد:

- محدودیت‌های مرتبط با زمین،
- محدودیت‌های محیط‌زیستی،
- محدودیت‌های عملیاتی / اجرایی.

1.COFCO

در محور زمین، قوانین برزیل برای تملک و نیز اجاره املاک روستایی توسط بازیگران خارجی چارچوب‌های مشخصی دارد و معمولاً سقف‌هایی بر اساس واحدهای محلی (مانند ماژول‌های تعریف شده برای هر منطقه) و نیز محدودیت‌هایی در سطح قلمروهای اداری (Município) اعمال می‌شود. علاوه‌بر این، در مناطق خاص مانند نوار مرزی و محدوده‌های حساس امنیتی، فرایندها و کنترل‌های سخت‌گیرانه‌تری برقرار است و ممکن است نیاز به مجوزها یا بررسی‌های اضافی وجود داشته باشد. در محور محیط زیست، تعهدات مربوط به حفظ پوشش گیاهی، ثبت‌های محیط زیستی و رعایت حریم‌های حفاظتی، بخشی جدایی‌ناپذیر از هر پروژه کشاورزی محسوب می‌شود و می‌تواند بر انتخاب ملک، سطح قابل کشت و هزینه‌های توسعه اثر مستقیم بگذارد. در محور عملیاتی و اجرایی نیز عواملی مانند فاصله تا زیرساخت‌های حمل‌ونقل و بنادر، هزینه لجستیک داخلی، دسترسی به نهاده‌ها، کیفیت خدمات محلی، قوانین کار و تعهدات کارفرمایی، نوسانات ارزی و ساختار مالیاتی، بر سودآوری پروژه اثرگذارند و باید پیش از سرمایه‌گذاری مدل‌سازی شوند[۲۸].

در ادبیات عملی «کشت فراسرزمینی» در برزیل، معمولاً دو نوع حضور خارجی دیده می‌شود: حضور مبتنی‌بر زمین[۱] و حضور مبتنی‌بر امنیت غذایی و زنجیره ارزش.[۲] لازم است تأکید شود که برزیل عموماً آمار رسمیِ «کشت عملیاتی کشور به کشور» را منتشر نمی‌کند و شفاف‌ترین شاخص عمومی، داده‌های مربوط به مالکیت / اجاره املاک روستایی و نیز سرمایه‌گذاری‌ها و جریان‌های تجاری است[۲۸].

در دسته اول گزارش‌های مبتنی‌بر داده‌هایی که در رسانه‌های تخصصی بازتاب یافته است، نشان می‌دهد در «مالکیت ثبت شده» زمین‌های روستایی به نام خارجی‌ها، ملیت‌هایی مانند پرتغال، ژاپن، لبنان و ایتالیا از بازیگران برجسته‌تر بوده‌اند[۲۹]. همچنین، بخشی از حضور در این دسته از طریق ساختارهای سرمایه‌گذاری (به‌ویژه صندوق‌ها) انجام می‌شود؛ به‌عنوان نمونه، گزارش‌ها و مطالب تحلیلی درباره نقش سرمایه‌گذاران / صندوق‌های مرتبط با ایالات متحده، کانادا و سوئد در تملک یا منافع زمین‌های کشاورزی در برزیل منتشر شده است[۳۰]. علاوه‌بر این، حضور بازیگران منطقه‌ای نیز مطرح است؛ برای مثال گروه Cresud (آرژانتین) به‌صورت رسمی به سرمایه‌گذاری در برزیل اشاره می‌کند و گزارش‌های تجاری نیز از ارتباط این گروه با اپراتورهای کشاورزی در برزیل (ازجمله از مسیر BrasilAgro) سخن گفته‌اند که می‌تواند در عمل به‌معنای درگیری در دارایی‌ها یا عملیات کشاورزی در برزیل باشد[۳۱].

در دسته دوم (کشورهایی که عمدتاً در امنیت غذایی و زنجیره‌های ارزش کشاورزی برزیل فعال‌اند)، تمرکز بیشتر بر سرمایه‌گذاری در شرکت‌های غذایی / دامی، خریدهای بلندمدت، قراردادهای تأمین، و توسعه بازار صادراتی است. نمونه روشن، عربستان سعودی است که از طریق شرکت SALIC به‌طور رسمی اعلام کرده ۱۰.۷ درصد از سهام شرکت BRF (یکی از غول‌های جهانی پروتئین / مرغ) را خریداری کرده است؛ این نوع اقدام معمولاً با هدف تقویت امنیت غذایی و دسترسی پایدار به عرضه انجام می‌شود، بدون آنکه لزوماً به‌معنای تملک مستقیم زمین باشد[۳۲]. نمونه دیگر ترکیه است که طبق صفحه رسمی وزارت کشاورزی و دام‌پروری برزیل (MAPA)، در سال ۲۰۲۴ در میان مهم‌ترین مقاصد صادرات محصولات کشاورزی برزیل قرار گرفته و اقلامی مانند «مجموعه سویا»، قهوه، پنبه و دام زنده از محورهای مهم این تجارت عنوان شده‌اند؛ به این فهرست می‌توان کشورهای چین، امارات متحده عربی، قطر، ژاپن، کره جنوبی و برخی کشورهای آسیای غربی و شمال آفریقا (ازجمله مصر) را نیز افزود[۳۳].

البته گفتنی است که بخش کشاورزی برزیل صرفاً به بخش زراعت محدود نیست و بخش جنگل‌داری و ماهیگیری برزیل نیز درحال‌رشد است. در سال ۲۰۲۴، بخش کشاورزی، جنگل‌داری و ماهیگیری برزیل حدود ۷ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور را تشکیل داد. ازسوی‌دیگر، برزیل همچنان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان چوب و محصولات جنگلی در جهان است. در این کشور، حدود ۱۳,۷۱۲ نفر در صنعت جنگل‌داری در واحدهای تولیدی با اندازه متوسط مشغول به کارند؛

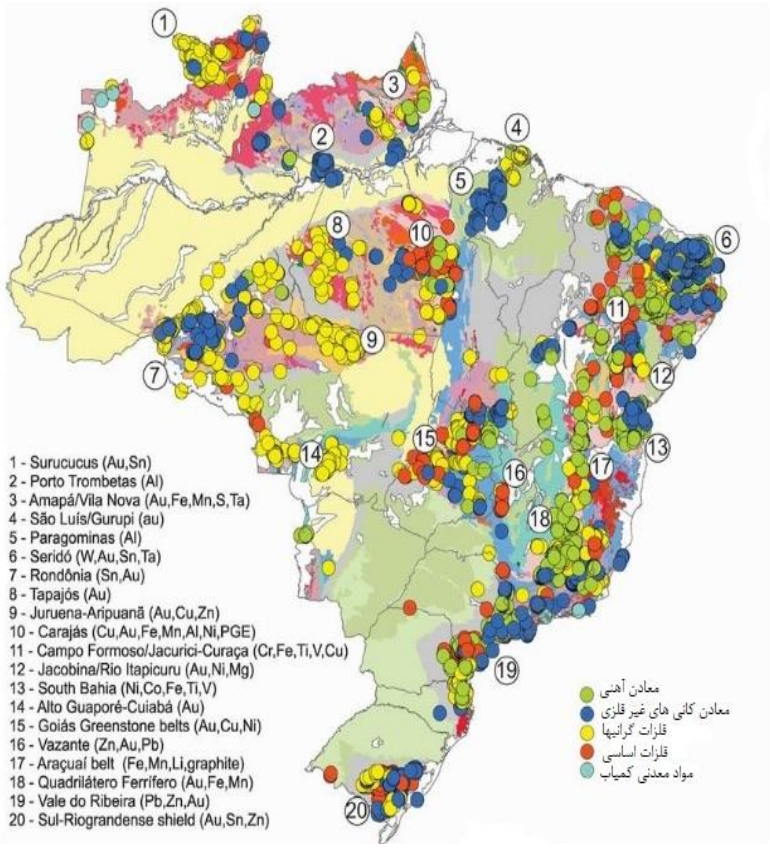
۱. تملک یا اجاره / کنترل مستقیم یا غیرمستقیم املاک روستایی.
۲. سرمایه‌گذاری یا قراردادهای تجاری / صنعتی برای تضمین عرضه، بدون آنکه الزاماً زمین مستقیماً به نام آن بازیگر باشد.

همچنین، در ایالت‌های پارا و روندونیا، بیش از هفت‌هزار شغل مستقیم و غیرمستقیم در صنعت جنگل‌داری فعال است[۳۴]. همچنین می‌توان اضافه کرد که برزیل در دهه‌های اخیر رشد قابل توجهی در صنعت آبزی‌پروری داشته است. به‌طوری‌که استان‌هایی مانند پارانا، سائوپائولو و میناس گرایس قطب‌های اصلی این صنعت به شمار می‌روند. دلایل رشد این صنعت عبارت‌اند از: منابع آبی غنی، سیاست‌های حمایتی، تقاضای بالای داخلی و توسعه بازارهای صادراتی. برزیل به‌دلیل داشتن خط ساحلی وسیع (بیش از هفت‌هزار کیلومتر) و همچنین رودخانه‌های بزرگ (به‌ویژه آمازون) ظرفیت‌های زیادی در ماهیگیری دارد. ماهیگیری در برزیل شامل ماهیگیری ساحلی، دریایی و داخلی است. مناطق شمال و شمال‌شرق کشور به‌ویژه در ماهیگیری سنتی و تجاری فعال‌اند. همچنین در این بخش، برزیل تلاش کرده است تا سیستم‌های آبزی‌پروری کم‌کربن و شیوه‌های مدیریت پایدار صید را ارتقا دهد[۳۵].

۳-۴. بخش معدن

برزیل دارای ثروت معدنی گسترده‌ای است. این کشور سنگ‌آهن، کوارتز، کروم، منگنز، الماس‌های صنعتی، سنگ‌های قیمتی، طلا، نیکل، قلع، بوکسیت، اورانیوم، پلاتین و نیوبیوم[۱] را استخراج می‌کند. همان‌طورکه از شکل ۱۶ مشخص است، معادن برزیل غالباً در شرق، مرکز و شمال این کشور قرار دارند. معادن آهنی، فلزات گران‌بها و معادن کانی‌های غیرفلزی عمده این معادن را شامل می‌شود. محصولات تولیدی در بخش معدن، حدوداً ۳,۵ درصد از تولید ناخالص داخلی برزیل را شامل می‌شود[۳۶].

شکل ۱۶. نقشه معادن برزیل [۳۶]



۱. فلز استراتژیک به‌کاررفته در صنایع هوافضا.

۴-۴. بخش صنعت و تولید

محصولات تولیدی بخش صنعت حدود ۱۴ درصد از تولید ناخالص داخلی برزیل را شامل می‌شود. مهم‌ترین فعالیت‌های تولید ساخت‌محور برزیل شامل صنعت خودرو، صنعت محصولات شیمیایی، صنایع غذایی و صنعت تولید فلزات اساسی به‌ویژه آهن و فولاد هستند.

۴-۴-۱. صنعت خودرو

صنعت خودروی برزیل ریشه‌ای فراملی دارد و ستون فقرات آن را شرکت‌های چندملیتی تشکیل می‌دهند. امروز بخش بزرگی از خودروسازان جهانی در این کشور حضور تولیدی یا برنامه تولید علنی شده دارند؛ ازجمله: BMW، BYD (با سایت در دست راه‌اندازی کاماساری)، CAOA-Chery، جنرال‌موتورز (Chevrolet)، هوندا، هیوندای، جگوار - لندرور، نیسان، رنو، گروه استلانتیس (فیات / جیپ / پژو / سیتروئن)، تویوتا، فولکس‌واگن، مرسدس‌بنزِ کامیون و اتوبوس و نیز ولوو (کامیون و شاسی اتوبوس). در کنار آنها، برخی برندها عمدتاً وارداتی‌اند و تولید فعالی در برزیل ندارند، مثل کیا، لکسوس و سوبارو، و بعضی نام‌ها مانند «لیفان» عملاً از بازار خارج شده‌اند. «فورد» نیز از سال ۲۰۲۱ تولید را در برزیل متوقف کرده است.

در کنار بازیگران خارجی، شرکت‌های ملی نیز حضور مؤثر دارند: Agrale (کامیون / تراکتور)، Marcopolo (بدنه و سیستم‌های اتوبوس)، Randon (تریلر و قطعه) و... . در گذشته هم برندهای ملی چون DKW-Vemag، FNM، Gurgel و Troller فعال بودند که امروز دیگر تولید ندارند. ساختار صنعتی کشور، ترکیبی از مونتاژ و تولید اجزای کلیدی است: تولید موتور و قوای محرکه توسط برخی خودروسازان، بدنه‌سازی اتوبوس در مقیاس جهانی، و شبکه گسترده قطعه‌سازان داخلی. بااین‌همه، در بخش‌های بالادستیِ مبتنی‌بر فناوری (مانند الکترونیک پیشرفته و به‌ویژه سلول‌های باتری برای برقی‌سازی) هنوز وابستگی وارداتی قابل توجه وجود دارد؛ بنابراین اتکا به زنجیره‌های تأمین خارجی ریسک مهمی برای صنعت باقی می‌ماند، هرچند نمی‌توان آن را به‌طور مطلق «بزرگ‌ترین» ریسک دانست؛ زیرا وزن آن با سیاست صنعتی، شرایط ارزی و تاب‌آوری زنجیره تأمین تغییر می‌کند[۳۷].

در حال حاضر، برزیل به‌سمت برقی‌سازی و گذار از سوخت‌های فسیلی حرکت می‌کند که این مهم در صنعت خودرو با تولید خودروهای برقی خود را نشان می‌دهد. بااینکه تولید خودروهای برقی اشتغال در این صنعت را کاهش خواهد داد، اما افزایش صادرات این محصولات در پاسخ به افزایش تقاضای روزافزون در جهان برای خودروهای برقی، می‌تواند در کوتاه‌مدت جبران‌کننده کاهش اشتغال باشد و برای میان‌مدت هم برنامه تربیت نیروی کار ماهر و به‌کارگیری نیروی کار مازاد در فعالیت‌های دیگر به مرور زمان، در نظر گرفته می‌شود. شرکت‌های BYD، GWM، فولکس‌واگن، استلانتیس و تویوتا تولید خودروهای برقی و هیبریدی را با برنامه و سرمایه‌گذاری‌های مشخص در برزیل، اعلام عمومی کرده‌اند. بررسی‌ها حاکی از این است که فعلاً تولید بسته باتری با سلول وارداتی و استخراج لیتیوم در برزیل انجام می‌شود، اما چند ابتکار داخلی برای توسعه فناوری باتری در این کشور در جریان است[۳۸].

۴-۴-۲. صنعت محصولات شیمیایی

صنعت محصولات شیمیایی در اقتصاد برزیل جایگاهی کلیدی دارد؛ به‌طور تقریبی این فعالیت حدود ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی و نزدیک به ۱۱تا۱۲ درصد از تولید صنعتی برزیل را تشکیل می‌دهد. ترکیب تولید داخلی در رده نخست بر پایه مواد شیمیایی آلی و سپس غیرآلی است. با وجود ظرفیت‌های قابل توجه، تراز تجاری محصولات شیمیایی در برزیل منفی است و واردات عمدتاً شامل محصولات شیمیایی کشاورزی (کود و نهاده‌ها)، دارویی، مواد آلی، پلاستیک‌ها و رزین‌ها و... می‌شود. از نظر جغرافیایی، بیشترین تمرکز تولید و مصرف در جنوب شرق و به‌ویژه ایالت سائوپائولو است؛ هرچند مجتمع‌های بزرگ پتروشیمی در کاماساری (باهیا) و تریونفو (ریوگرانده دو سول) نیز نقش مهمی دارند.

رشد این صنعت از دهه ۱۹۶۰ با حمایت‌های دولتی و سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی آغاز شد؛ سپس بخش خصوصی داخلی

گسترش یافت و در ادامه سرمایه‌گذاران خارجی، ازجمله شرکت‌های ژاپنی، در توسعه و انتقال فناوری مشارکت کردند. مسیر توسعه صنعت عمدتاً پتروشیمی‌محور و مبتنی‌بر خوراک نفتا / گاز بوده است: ابتدا تولید اولفین‌ها (اتیلن، پروپیلن) و آروماتیک‌ها، پس از آن پلیمرها و رزین‌های واسطه‌ای، و در گام‌های بعد پلاستیک‌ها و الیاف اکریلیک توسعه یافته‌اند. در این میان، متانول تولید داخلی ناچیز است و بیشتر نیاز کشور از واردات تأمین می‌شود. از نقاط ضعف ساختاری می‌توان به مقیاس تولید پایین در بسیاری از رده‌ها نسبت به تقاضای داخلی اشاره کرد که به اتکای بالاتر به واردات، به‌ویژه در زنجیره‌های پایین‌دست منجر شده است.

اتانول در برزیل مصرف بالایی دارد؛ هم به‌عنوان سوخت پاک، هم خوراک و حلال برای صنایع و نیز در برخی مصارف دیگر. برزیل یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان اتانول جهان (عمدتاً مبتنی‌بر نیشکر) است؛ این تولید داخلی در مجموع نیاز داخلی را تا حد زیادی پوشش می‌دهد و مازاد صادراتی دارد؛ هرچند در برخی سال‌ها واردات محدود نیز رخ می‌دهد. افزون‌بر این، از دهه‌های اخیر اتانول نیشکری به‌عنوان خوراک سبز در زنجیره «اتیلن سبز / پلی‌اتیلن سبز» نیز به‌کار گرفته شده است[۳۹].

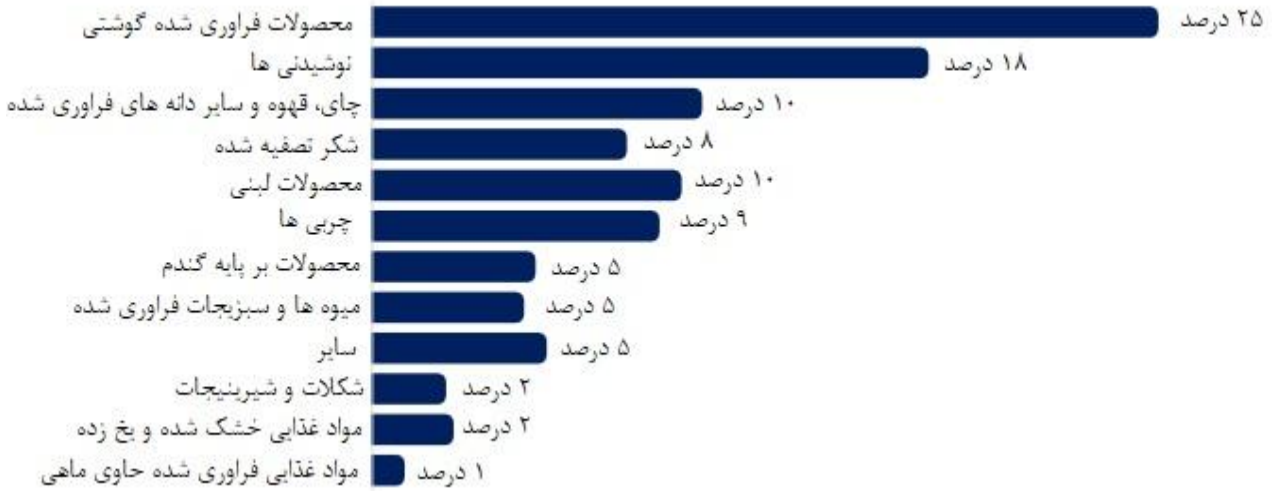
۳-۴-۴. صنایع غذایی

فعالیت تولید محصولات غذایی در برزیل جزو فعالیت‌های مهم و اشتغال‌آفرین این کشور محسوب می‌شود. بیشتر واحدهای فعال در این صنعت واحدهایی با مقیاس کوچک و متوسط هستند. عمده محصولات این فعالیت (۸۰ درصد) به مصرف داخلی برزیل می‌رسد و مهم‌ترین آنها شامل محصولات فراوری شده گوشتی، نوشیدنی‌ها، چای و قهوه است. درآمد این صنعت در سال ۲۰۲۴ به ۲۳۳ میلیارد دلار رسیده و نسبت به سال قبل ۹/۹ درصد رشد کرده است؛ رقمی که معادل ۱۰/۸ درصد تولید ناخالص داخلی کشور برآورد می‌شود. هم‌زمان، اقتصاد کلان برزیل در ۲۰۲۴ رشد ۳/۴درصدی را تجربه کرده است. در سوی تقاضای برون‌مرزی، واردات برزیل از محصولات «مصرف‌محورِ غذایی» در همین سال ۱۵/۵۲ درصد افزایش یافته و به ۶/۷ میلیارد دلار رسیده و صادرات ایالات متحده به برزیل در این گروه به ۳۳۳ میلیون دلار رسیده است. این شاخص‌ها بر اتکای روبه‌رشد صنعت به زنجیره‌های تأمین جهانیِ مواد و افزودنی‌های غذایی و نیز بر فرصت‌های ورودِ عرضه‌کنندگان خارجی دلالت دارد.

از منظر سازمان‌یابی بازار داخلی، شبکه خرده‌فروشی برزیل یکی از بزرگ‌ترین بازارهای منطقه را شکل می‌دهد: درآمد سوپرمارکت‌ها در سال ۲۰۲۲ حدود ۱۳۵ میلیارد دلار گزارش شده است؛ با ۹۵ هزار واحد فروشگاهی که روزانه بیش از ۲۸ میلیون مصرف‌کننده را پوشش می‌دهند و ۵۱ درصد بازار در منطقه جنوب‌شرقی کشور متمرکز است. نسبت «جذب داخلی» به «صادرات» نیز ترکیب واقعی‌تری از گردش کالا را نشان می‌دهد: از خروجی ۲۳۳ میلیارد دلاری صنعت محصولات غذایی در ۲۰۲۳، حدود ۱۷۰ میلیارد دلار در بازار داخلی جذب شده که خود شامل ۱۲۳ میلیارد دلار در بخش خرده‌فروشی و ۴۸ میلیارد دلار در بخش خدمات غذایی است و مابقی، یعنی ۶۳ میلیارد دلار، به‌عنوان صادرات به ثبت رسیده است.

در کنار این تصویر کلان، داده‌های بخشیِ انجمن تولیدکنندگان غذای برزیل (ABIA) ابعاد اشتغال و پیوندهای پسین و پیشین را شفاف‌تر می‌کند: در سال ۲۰۲۴، صنعت فراوری غذا ۳۶۰ هزار شغل (مستقیم و غیرمستقیم) ایجاد کرده، ۶۲ درصد از خروجی کشاورزی کشور را فراوری، و ۶۸ درصد از مواد اولیه خود را از کشاورزی خانوادگی تأمین کرده است؛ همچنین صادرات غذای فراوری شده به رکورد ۶۶/۳ میلیارد دلار رسیده که ۶/۶ درصد بیش از ۲۰۲۳ است. در سطح بازیگران بازار خرده‌فروشی، کارفور، آسایی آتاکادیستا، گروپو ماتیوس، گروپو پائو دِ آسوکار، سوپرمرکادوس بی‌اچ، ایرمانوس موفاتو، گروپو پریرا، سنکوسود برزیل، ماتمیناس و دوم، و گروپو کوخ به‌عنوان ۱۰ بازیگر بزرگ شناسایی می‌شوند که نقش آنها در شکل‌دهی به سبد تقاضای مواد اولیه و افزودنی‌ها تعیین‌کننده است[۴۰].

شکل ۱۷. نمودار سهم تولیدات مواد غذایی مختلف در صنایع غذایی برزیل [۴۰]



۴-۴-۴. صنعت تولید فلزات اساسی (آهن و فولاد)

برزیل از تولیدکنندگان مهم فولاد در جهان است و زنجیره ارزش آن بر سه مسیر / منبع انرژیِ اصلی تکیه دارد: مسیر یکپارچه کوره‌بلند – کنورتور با اتکا به زغال‌سنگ ککشو، مسیر نیمه‌یکپارچه کوره‌قوسیِ الکتریکی[1] با اتکا به برق شبکه، و مسیر یکپارچه مبتنی‌بر زغال‌چوب یا زیست‌توده که ویژگی منحصربه‌فرد برزیل است. شدت انتشارِ این مسیرها به‌طور معناداری متفاوت است.

هم‌زمان، در دنیا فشار برای تولید فولاد کم‌کربن بیشتر شده است. اتحادیه اروپا دو اقدام مهم انجام داده است: اول، «مکانیسم تعدیل کربن در مرزها» که از اکتبر سال ۲۰۲۳ به‌صورت آزمایشی / انتقالی اجرا می‌شود و در مرحله اصلی، بخش بزرگی از انتشار کربنِ صنایع تحت نظام تجارت انتشار اتحادیه اروپا[2] را پوشش می‌دهد. دوم، از ماه مه ۲۰۲۴ با سخت‌تر شدن مقررات صادرات پسماند، اروپا تلاش می‌کند قراضه باکیفیت را بیشتر داخل خود نگاه دارد و صادرات آن را با محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌تر کنترل کند. این روندها ترجیح تجاری به نفع محصولات کم‌کربن ایجاد می‌کنند و تولیدکنندگان را به‌سمت تغییر راهبردهای تولیدی سوق می‌دهند.

برزیل برای هماهنگ شدن با این تغییرات، علاوه‌بر بهره‌مندی از برق نسبتاً کم‌کربن، روی توسعه زیرساخت و فناوری‌های پیشرفته زغال‌چوب نیز کار می‌کند؛ ازجمله رآکتورهای پیوسته Carboval که با کاهش / حذف انتشار متان و بهره‌وری بالاتر نسبت به روش‌های سنتی، تولید زغال‌چوب را بهینه‌تر می‌کنند. هم‌زمان، دولت و نهادهای مالی برزیل یک بسته سیاستی و تأمین مالی را به جریان انداخته‌اند: قانون «سوخت آینده» به‌عنوان چارچوب تنظیمگری سوخت‌های پاک و فناوری CCS، چارچوب حقوقی هیدروژن کم‌کربن با سقف ۱۸/۳ میلیارد رئال اعتبار مالیاتی تجمیعی برای دوره ۲۰۲۸ تا ۲۰۳۲، و همچنین برنامه‌های BNDES[3] برای حمایت از هیدروژن سبز و طرح «BNDES Charcoal» با هدف ارتقای زنجیره تولید زغال‌چوب.

فولاد در برزیل ماده‌ای راهبردی برای ساختمان، خودرو و فناوری‌های انتقال انرژی (از توربین بادی تا زیرساخت‌های مرتبط) است و چشم‌انداز سیاستی – بازاری جهان، تولیدکنندگان را به‌سمت کاهش کربن سوق می‌دهد. درصورت تعلل در سرمایه‌گذاری و

1 .Electric Arc Furnace (EAF)
2 .European Union Emissions Trading System (EU ETS)
3 .Banco Nacional de Desenvolvimento Econômico e Social: Brazilian Development Bank (BNDES)

سیاستگذاری، ریسکِ باقی ماندن در مسیرهای پُرکربن و فشار رقابتی – تجاری افزایش می‌یابد؛ اما با بهره‌گیری از مزیتِ برق پاک، ارتقای قراضه و زیست‌توده، و اجرای کامل چارچوب‌های جدید، امکان «جداسازی رشد از انتشار» برای صنعت فولاد برزیل تقویت می‌شود [۴۱]، [۴۲].

۵-۴. بخش انرژی

برزیل یکی از پرمصرف‌ترین کشورهای جهان در حوزه انرژی است؛ این کشور به‌تنهایی ۲ درصد از مصرف کل انرژی در جهان و ۵۳ درصد از کل مصرف انرژی آمریکای جنوبی را به خود اختصاص داده است. مصرف انرژی در برزیل متنوع است. به‌دلیل پرآب بودن این کشور، حدود ۲۲ درصد از مصرف انرژی در برزیل از طریق انرژی آبی پاسخ داده می‌شود. انرژی بادی و خورشیدی جزء سایر انرژی‌های تجدیدپذیری‌اند که در برزیل مورد توجه واقع شده‌اند؛ لیکن همچنان بیش از نیمی از مصرف انرژی در برزیل از طریق نفت‌وگاز پاسخ داده می‌شود. عمده تولید انرژی در برزیل، مبتنی‌بر سوخت‌های فسیلی است. اما سهم حدود ۳۰درصدی روبه‌رشدِ انرژی‌های تجدیدپذیر در برزیل نکته قابل توجهی است که نباید مغفول بماند. همچنین گفتنی است که در دهه اخیر، تولید انرژی در برزیل به‌طور متوسط سالانه ۱٫۵ درصد رشد داشته؛ درحالی‌که رشد متوسط سالانه مصرف انرژی در این کشور ۰٫۵ درصد بوده است. می‌توان گفت برزیل در تلاش برای کاهش وابستگی خود به واردات انرژی است [۴۳]، [۴۴].

جدول ۳. بررسی اجمالی تولید و مصرف انرژی در برزیل در سال ۲۰۲۳ [۴۳]

درصد	نفت خام	گاز طبیعی	زغال‌سنگ	هسته‌ای	آبی	سایر انرژی‌های تجدیدپذیر	مجموع
مصرف انرژی	٪ ۴۴٫۲	٪ ۱۱٫۶	٪ ۵٫۵	٪ ۱٫۳	٪ ۲۲٫۲	٪ ۱۵٫۳	٪ ۱۰۰
تولید انرژی	٪ ۵۴	٪ ۶٫۷	٪ ۱	٪ ۱٫۳	٪ ۹	٪ ۲۸	٪ ۱۰۰
تولید برق	٪ ۳٫۵	٪ ۱۴٫۵	٪ ۴	٪ ۲٫۲	٪ ۵۵	٪ ۲۱	٪ ۱۰۰

برزیل پس از چین و کانادا سومین تولیدکننده بزرگ انرژی آبی در جهان است. برزیل در سال ۲۰۲۳، با تولید ۳۶۳ تراوات ساعت برق، ۹ درصد از تولید برق آبی جهان را به خود اختصاص داد. در سال ۲۰۲۲، ۲۰ درصد از کل سوخت‌های زیستی[1] جهانی، در برزیل تولید شده و ۲۱ درصد از کل سوخت‌های زیستی جهانی در این کشور مصرف شده است. برای سال ۲۰۲۳، دولت برزیل طی یک دستور ملی، افزایش تولید سوخت‌های پاک را صادر کرد. این تغییر به‌معنای افزایش تقاضای داخلی برای بیودیزل و محصولات بالادستی، به‌ویژه برای روغن سویاست که حدود ۷۰ درصد مواد اولیه مورد استفاده برای تولید بیودیزل در برزیل را تشکیل می‌دهد. در سال ۲۰۲۲، دولت برزیل حکمی برای قانونی کردن سیستم ملی کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و توسعه برنامه‌های بخشی برای کاهش تغییرات آب‌وهوا را منتشر کرد. پیش از این هیچ قانونی در برزیل برای ممنوعیت تولید کربن دی‌اکسید وضع نشده بود [۴۳]، [۴۴].

1. Biofuels

۱-۵-۴. نفت خام

برزیل دومین ذخایر نفت خام در آمریکای مرکزی و آمریکای جنوبی را براساس آمار سال ۲۰۲۲ پس از ونزوئلا با حدود ۱۳,۲۴ میلیارد بشکه در اختیار دارد. از سال ۲۰۰۶، ذخایر نفتی فراساحلی وسیعی در اعماق لایه‌ای از نمک به نام لایه پیش‌نمک[1] در سواحل برزیل کشف شده است که تولید نفت خام این کشور را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد. این ذخایر نفتی شامل میادین پیش‌نمک Tupi، Buzios و Sapinhoá در حوضه سانتوس، و همچنین سایر ذخایر در حوضه Campos در جنوب اقیانوس اطلس، جنوب ریودوژانیرو است که حفاری اکتشاف و توسعه در آن بخش ادامه دارد. تعداد دکل‌های بین‌المللی بیکر هیوز[2] در پایان ژوئیه سال ۲۰۲۳، ۱۸ دکل فعال را نشان داد که نسبت به سال قبل ۱۱ دکل بیشتر بود.

تولید نفت خام برزیل به‌دلیل توسعه ذخایر پیش نمک، به‌صورت کلی درحال‌افزایش است. در سال ۲۰۲۲، برزیل تقریباً ۳,۲ میلیون بشکه در روز (b/d) نفت و سایر میعانات تولید کرد (شکل ۲۰). از میدان‌های «پیش‌نمک» برزیل، از سال ۲۰۱۸ برای اولین بار نفت بیشتری نسبت به سایر میدان‌های این کشور تولید شد. در سال ۲۰۲۰، تولید نفتِ پیش‌نمک به حدود ۲.۸ میلیون بشکه در روز رسید و گفته می‌شود حدود ۷۰ درصد از کل تولید نفت برزیل را تشکیل می‌داد. از سال ۲۰۲۳ هم برزیل در بین ۱۰ کشور اول تولیدکننده نفت جهان قرار گرفته است. به همین دلیل، برزیل دوباره برنامه مزایده / فروش سالانه مجوزهای اکتشاف و تولید را فعال کرده است. در قراردادهای مشارکت در تولید (PSA)،[3] شرکت‌های بین‌المللی بزرگ و باتجربه در عملیات آب‌های عمیق مثل شل، بریتیش پترولیوم، توتال‌انرژی، رپسول، شورون، گالپ، اکینور، سینوپک و سینوک حضور دارند. شرکت‌های داخلی مانند پتروبراس و پترو ریو و چند شرکت دیگر هم در این قراردادها شریک‌اند. هدف از بازتر کردن بازار این است که کارایی بالاتر برود، نوآوری بیشتر شود و تولید نفت خام افزایش پیدا کند. تا ژوئیه سال ۲۰۲۳، پتروبراس حدود ۶۳ درصد از نفت خام برزیل را تولید کرده است.

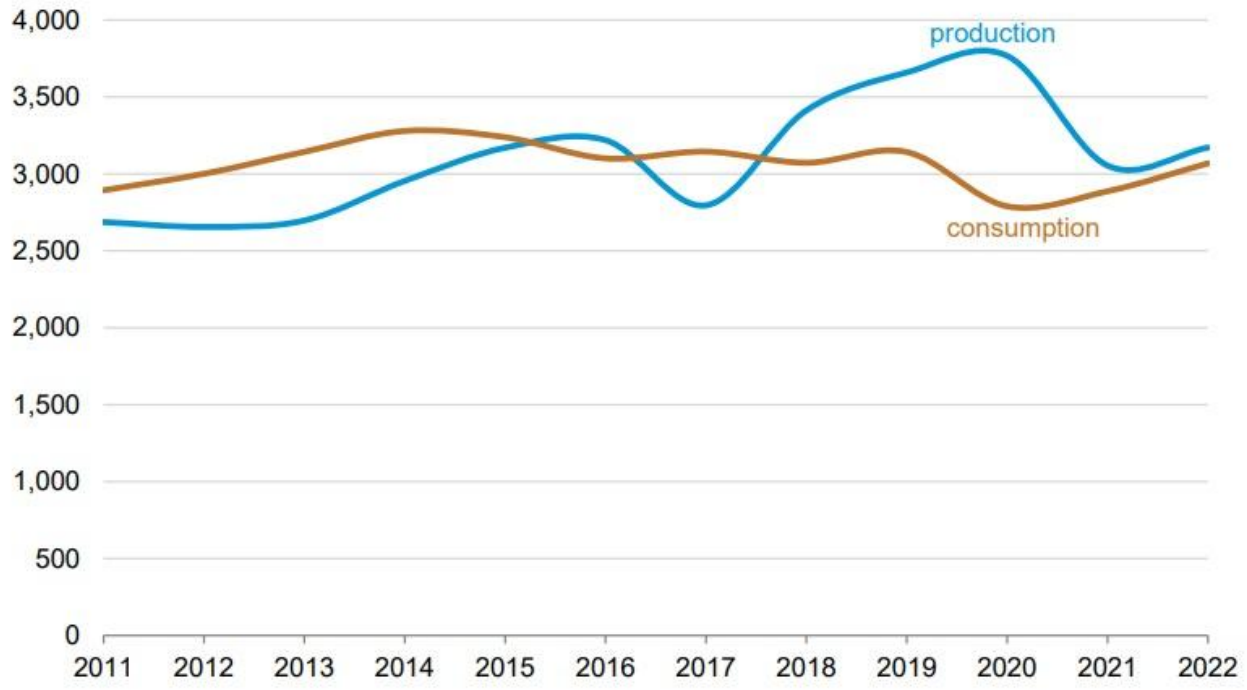
پتروبراس که بیش از ۹۰ درصد از بازار داخلی را در اختیار دارد، از سال ۲۰۱۰ بهره‌وری چاه‌های قبل از نمک را ۳۰ درصد افزایش داده، درحالی‌که هم تعداد چاه‌های مورد نیاز برای رسیدن به ظرفیت و هم‌زمان لازم برای ساخت آنها را کاهش داده است. قیمت پیش از نمک از ۷۰ دلار در هر بشکه در سال ۲۰۱۴ به کمتر از ۳۵ دلار در سال ۲۰۲۲ کاهش یافته و مشارکت بیشتر بخش خصوصی را به خود جلب کرده است. اصلاحات نظارتی و مالیاتی مطلوب، تخصص پتروبراس و شرکای سرمایه‌گذاری مشترک، و پیشرفت‌های تکنولوژیکی در زیرساخت‌های زیردریایی و سطح بالا به کاهش شدید هزینه‌ها منجر شده است [۴۳]، [۴۴].

۱. «پیش‌نمک» یعنی لایه‌های مخزنی که از نظر زمانی و زمین‌شناسی قبل از رسوب‌گذاری نمک تشکیل شده‌اند و نفت و گاز در آنها گیر افتاده است.

2. Baker Hughes

3. Production Sharing Agreement (PSA)

شکل ۱۸. نمودار سری زمانی تولید و مصرف نفت خام در برزیل در دهه اخیر (هزار بشکه در روز) [۴۳]



۲-۵-۴. گاز طبیعی

برزیل تا ژانویه سال ۲۰۲۳ حدود ۱۳.۴تریلیون فوت مکعب (Tcf) ذخایر گاز طبیعی داشت و از این نظر در میان کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی در رتبه چهارم قرار می‌گرفت. بخش عمده ذخایر اثبات شده گاز طبیعی این کشور، گاز همراهِ تولید شده از میادین نفتی است؛ به‌ویژه در مناطق پیش‌نمک، حدود ۷۶ درصد از این ذخایر در مناطق فراساحلی قرار دارند و بیشتر آنها در حوضه سانتوس متمرکزند. ۲۴ درصد باقی‌مانده گاز طبیعی اثبات شده در خشکی، عمدتاً در حوضه سولیموس[1] و حوضه پارانایبا[2] واقع شده است. تأمین گاز طبیعی برزیل از تولید داخلی، واردات بولیوی و محموله‌های گاز مایع تشکیل شده است. تولید گاز طبیعی برزیل در سال ۲۰۲۱ به ۸۳۹ میلیارد فوت مکعب رسید که ۱ درصد نسبت به سال ۲۰۲۰ افزایش یافته است. بیشتر تولید گاز طبیعی برزیل به‌جای فروش در بازار داخلی، دوباره تزریق می‌شود. تزریق مجدد برای بهبود بازیافت روغن استفاده می‌شود. پتروبراس بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز طبیعی برزیل است. براساس گزارش تنظیم‌کننده انرژی برزیل به نام آژانس ملی نفت، گاز طبیعی و سوخت‌های زیستی تا ژوئیه سال ۲۰۲۳، پتروبراس ۶۴,۸ درصد از گاز طبیعی برزیل را تولید می‌کرد. از دیگر تولیدکنندگان گاز طبیعی می‌توان به شرکت داخلی اِنوا[3] و سه شرکت بزرگ بین‌المللی شِل[4]، گالپ[5] و رِپسول[6] اشاره کرد.

مسیرهای ۱ و ۲ دو مسیر اصلی دریایی برای خطوط لوله گاز طبیعی در برزیل هستند. مسیر ۱ عمدتاً گاز طبیعی را از میدان‌های

1. Solimões
2. Paranaíba
3. Eneva
4. Shell
5. Galp
6. Repsol

توپی[1]، ساپینهوا[2] و مکسیلو[3] به واحد پردازش پتروبراس کاراگواتاتوبا[4] در ایالت سائوپائولو منتقل می‌کند. مسیر ۲ گاز طبیعی را از میدان‌های بوزیوس، تاپی، آتاپو، سورورو و سایر میدان‌ها به پایانه تصفیه گاز کابیوناس[5] در ماکاه، ایالت ریودوژانیرو منتقل می‌کند. خط لوله مسیر ۳ در حال حاضر در دست ساخت است و قرار است در سال ۲۰۲۴ به بهره‌برداری برسد. این خط لوله گاز طبیعی را به مجتمع گس‌لاب[6] در ایالت ریودوژانیرو تأمین می‌کند.

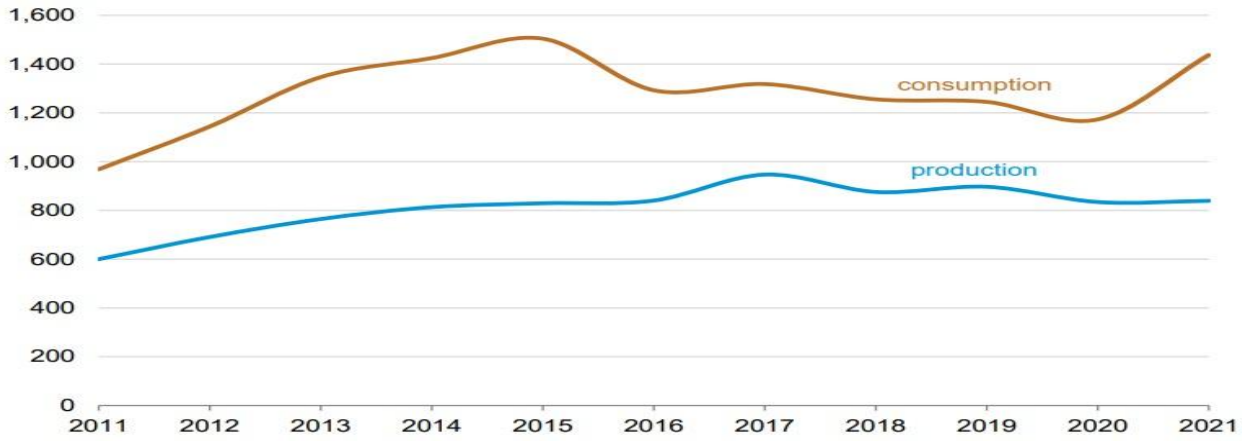
صنایع برزیل، نیروگاه‌های حرارتی، پالایشگاه‌ها و کارخانه‌های کود شیمیایی بیشترین تقاضای گاز طبیعی را تشکیل می‌دهند. از سال ۲۰۲۰، بخش صنعتی بیشترین گاز طبیعی برزیل (۶۷ درصد از کل مصرف گاز طبیعی) را مصرف می‌کرد. گاز طبیعی در صنایعی مانند پتروشیمی، کود، فولاد، سرامیک و فراوری مواد غذایی برای گرمایش فرایند، تولید برق و به‌عنوان خوراک استفاده می‌شود. منطقه جنوب شرق بیشترین تقاضا را دارد و پس از آن منطقه شمال شرق قرار دارد. بخش بزرگی از خاک برزیل هنوز به شبکه خط لوله گاز دسترسی ندارد.

بازار گاز طبیعی و گاز طبیعی مایع (LNG) برزیل به‌دلیل افزایش مصرف داخلی، توسعه زیرساخت‌ها و اصلاحات بازار درحال‌گسترش است. در سال ۲۰۲۱، برزیل اصلاحاتی را در قوانین مرتبط با بخش تولید گاز طبیعی برای افزایش رقابت به مجلس پیشنهاد داد که در سال ۲۰۲۰ تصویب شد. هدف از این اصلاحات رقابتی‌تر کردن بازار، ارتقای دسترسی شخص ثالث به زیرساخت‌ها و جذب سرمایه‌گذاری خصوصی در این بخش عنوان شده است. برزیل تعداد نیروگاه‌های گاز طبیعی را در سال‌های اخیر افزایش داده است. آنها راندمان بالا دارند و تأسیسات کم‌انتشار هستند. وابستگی شدید برزیل به برق آبی به این معناست که برای زمانی که سطح آب پایین است، نیاز به منبع انرژی پشتیبان گاز طبیعی دارد. گاز طبیعی به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان سوخت حمل‌ونقل در برزیل استفاده می‌شود و از سهم ۱۷درصدی مصرف در سال ۲۰۱۰ به ۲۶ درصد در سال ۲۰۲۰ افزایش یافته است. تقاضای مسکونی و تجاری بخش کوچکی از کل تقاضا را تشکیل می‌دهد که نشان‌دهنده سهم ۵درصدی مصرف گاز طبیعی در سال ۲۰۲۰ است. بیشتر تقاضا در منطقه جنوب شرقی کشور متمرکز است؛ جایی که سیستم توزیع خط لوله توسعه‌یافته‌تر است.

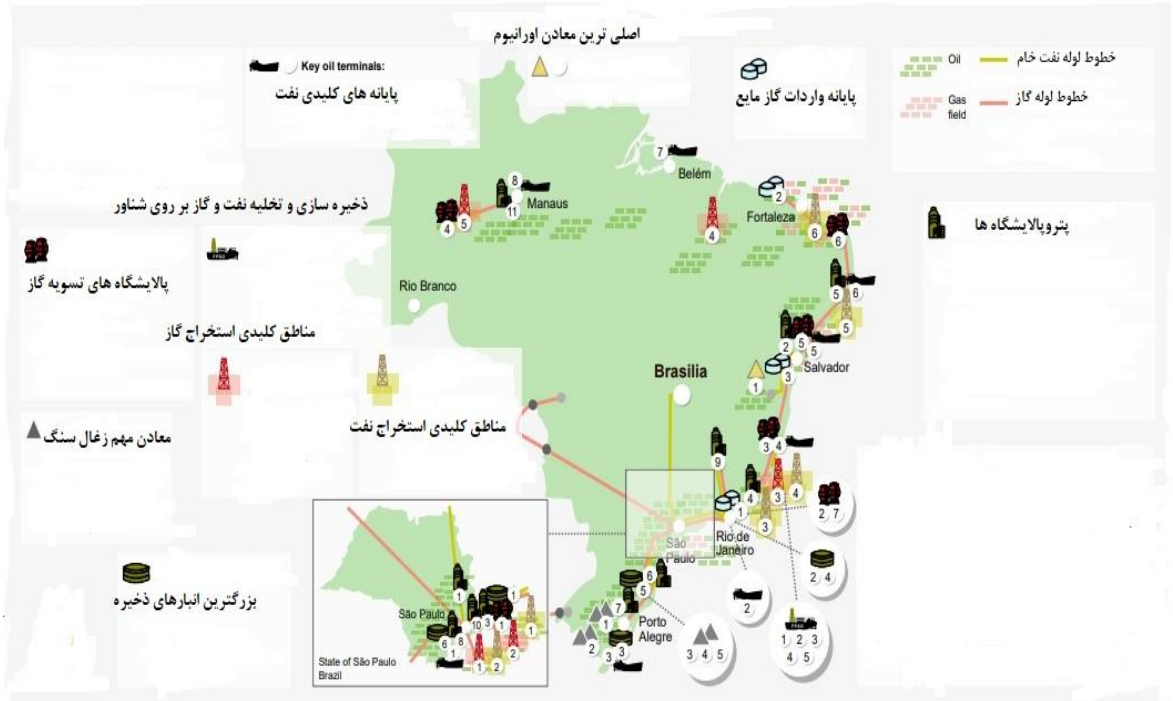
نکته جالب مرتبط با این حوزه این است که منابع گازی‌ای که اخیراً در آب‌های برزیل کشف شده، هم در تأمین هزینه بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل برزیل نقش مهمی دارد و هم وابستگی واردات انرژی این کشور را (از بولیوی و ونزوئلا) کاهش داده است [۴۳]، [۴۴].

1.Tupi
2.Sapinhoá
3.Mexilho
4.Caraguatatuba
5.Cabiúnas
6.GasLub

شکل ۱۹. نمودار سری زمانی تولید و مصرف گاز طبیعی در برزیل در دهه اخیر (میلیارد متر مکعب) [۴۳]



شکل ۲۰. موقعیت مکانی نفت و گاز و پالایشگاه‌های برزیل روی نقشه [۴۵]



با توجه به شکل ۲۰، می‌توان گفت که تجمع موقعیت مکانی نفت و گاز و پالایشگاه‌های برزیل در شرق این کشور واقع است و شکل ۲۱، موقعیت مکانی خطوط لوله نفت و گاز این کشور را با تمرکز بر شرق کشور نشان می‌دهد.

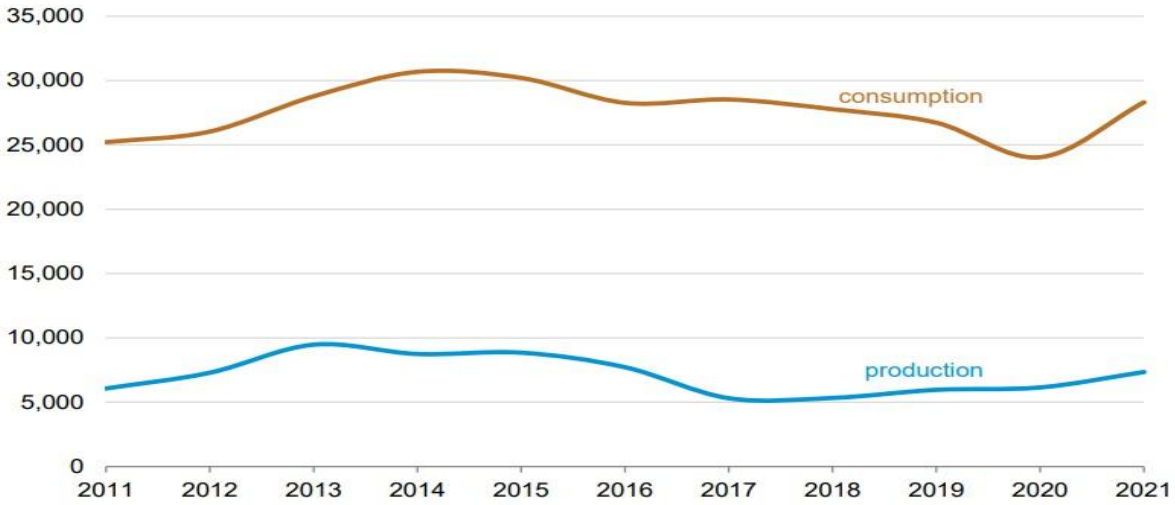
شکل ۲۱. خطوط لوله نفت و گاز برزیل سال ۲۰۲۳ [۴۶]



۳-۵-۴. زغال‌سنگ

برزیل بعد از کلمبیا بیشترین ذخایر زغال‌سنگ را در آمریکای جنوبی دارد. کمتر از ۲۰ درصد از مصرف زغال‌سنگ از طریق تولیدات داخلی تأمین می‌شود. محصولات این بخش، توسط تولیدکنندگان خُرد با مقیاس کوچک انجام می‌شود؛ بنابراین درصد کمی از تولید انرژی در برزیل از زغال‌سنگ است [۴۳]، [۴۴].

شکل ۲۲. نمودار سری زمانی تولید و مصرف زغال‌سنگ در برزیل در دهه اخیر (هزار تن) [۴۳]



۴-۵-۴. سوخت‌های زیستی

برزیل دومین تولیدکننده سوخت‌های زیستی در جهان پس از ایالات متحده است که سهم جهانی ۲۰ درصد در سال ۲۰۲۱، با نرخ رشد متوسط سالانه ۴ درصد را به خود اختصاص داده است. بااین‌حال، تولید فصلی سوخت‌های زیستی در برزیل به مصرف فصلی سوخت‌های زیستی منجر می‌شود که نیاز به واردات از خارج از کشور در خارج از فصل را ضروری می‌سازد. در سال ۲۰۲۱، برزیل ۵۶۹۰۰۰ بشکه در روز سوخت زیستی مصرف کرد که ۷۹ درصد آن اتانول زیستی و ۲۱ درصد بیودیزل بود.

سوخت زیستی اولیه برزیل اتانول سوختی است که عمدتاً از نیشکر (حدود ۹۶ درصد کلِ تولید اتانول) به دست می‌آید. برزیل بزرگ‌ترین تولیدکننده نیشکر در جهان است. همچنین تولید بیودیزل برزیل در دهه گذشته به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. برزیل در سال ۲۰۲۱ روزانه ۱۱۸۰۰۰ بشکه بیودیزل تولید کرد که نسبت به سال قبل ۶ درصد افزایش داشت. تا سال ۲۰۲۲، تقریباً ۷۹ درصد بیودیزل تولید شده از روغن سویا و ۱۵ درصد از چربی حیوانی ساخته شده است.

سوخت‌های زیستی ۲۵ درصد از سوخت‌های حمل‌ونقل برزیل را تشکیل می‌دهند که درصدی بالاتر از سایر کشورهاست. برزیل دارای بزرگ‌ترین ناوگان خودروهای سوخت انعطاف‌پذیر در جهان است که می‌توانند با هر ترکیبی از بنزین و اتانول یا تا ۱۰۰ درصد اتانول کار کنند. وسایل نقلیه Flexfuel، ۸۵ درصد از کل خودروهای موجود در جاده‌ها در برزیل و ۸۳ درصد از کل فروش خودروهای سبک جدید را تشکیل می‌دهند. از سال ۱۹۷۷، برزیل دستور اجباری استفاده از اتانول را دارد که به درصد معینی از اتانول نیاز دارد تا با بنزین مخلوط شود. دستور ملی فعلی ترکیب ۲۷ درصد اتانول (E۲۷) در بنزین معمولی و ۱۲ درصد اتانول (E۱۲) در بنزین درجه‌یک است. گفتنی است که برزیل تا حد بالایی در تولید اتانول خودکفاست و صرفاً درصورت نوسان تولید، این محصول را صادر می‌کند [۴۳]، [۴۴].

۵-۵-۴. برق

مهم‌ترین منابع تولید برق در برزیل انرژی آبی (۵۵ درصد)، گاز طبیعی (۱۵ درصد) و باد (۱۱ درصد) بوده است. مصرف‌کنندگان صنعتی (۳۹ درصد از کل برق مصرفی)، مسکونی (۲۹ درصد) و خدمات تجاری و عمومی (۲۵ درصد) بیشتر برق برزیل را مصرف می‌کنند. برزیل تعداد کمی نیروگاه نفتی دارد که به انعطاف‌پذیری و پایدار نگهداشتن شبکه برق کمک می‌کند و ۳,۴ درصد از کل

تولید برق را تشکیل می‌دهد. بااین‌حال، به‌دلیل هزینه‌های بالاتر و نگرانی‌های زیست‌محیطی، استفاده از نفت برای تولید برق محدود است. نیروی بادی سومین منبع تولید برق برزیل پس از نیروگاه آبی و گاز طبیعی است. تولید برق بادی در برزیل در سال‌های اخیر رشد کرده است. این گسترش نتیجه مشارکت دولت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بوده است.

سهم انرژی خورشیدی از کل تولید برق در برزیل از صفر درصد به ۳ درصد بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۲۱ و حدود ۹ درصد در سال ۲۰۲۴ افزایش یافته است. تا سال ۲۰۲۲، برزیل ۱۶۸ پروژه خورشیدی درحال بهره‌برداری داشت که همگی با سیستم‌های فتوولتائیک (PV) عمدتاً در مناطق مرکزی و شمال شرقی بودند. برای تشویق توسعه انرژی خورشیدی، دولت برزیل قوانین معافیت‌های مالیاتی و برنامه‌های تأمین مالی برای توسعه استفاده از انرژی خورشیدی را اجرا کرده است. مابقی برق تولیدی برزیل از سوخت‌های زیستی است [۴۳]، [۴۴].

۶-۴. زیرساخت حمل‌ونقلی برزیل

مهم‌ترین خطوط حمل‌ونقلی کشور برزیل به‌ترتیب خطوط جاده‌ای (۶۱ درصد)، ریلی (۲۱ درصد) و هوایی (حدود ۱۸ درصد)اند. سهم بالای حمل‌ونقل جاده‌ای در برزیل برای این کشور دردسرساز شده است که یکی از نمودهای آن بحران ناشی از اعتصاب کامیون‌داران در ماه مه ۲۰۱۸ بود که به‌دلیل افزایش قیمت گازوئیل، جاده‌های کشور به‌طور کامل مسدود شد و پیامدهایی چون کمبود مواد غذایی، سوخت، دارو و سایر کالاهای اساسی را در سطح ملی به همراه داشت. این بحران به‌روشنی آسیب‌پذیری اقتصاد برزیل را در اثر وابستگی شدید به حمل‌ونقل جاده‌ای نمایان ساخت.

شکل ۲۳. نقشه جاده‌ای برزیل [۴۷]



این درحالی است که هزینه حمل‌ونقل ریلی به‌ازای هر کیلومتر به‌طور متوسط ۶برابر کمتر از حمل‌ونقل جاده‌ای است. با وجود برخورداری از شبکه‌ای به طول حدود ۳۸۷۰۰ کیلومتر، که برزیل را در رتبه هفتم جهانی از نظر طول شبکه ریلی قرار می‌دهد، پراکندگی سرزمینی وسیع کشور سبب شده است که تراکم خطوط ریلی بسیار پایین‌تر باشد.

ساختار حمل‌ونقل ریلی برزیل با مشکلات متعددی ازجمله نبود استانداردسازی عرض خطوط ریلی مواجه است. استفاده از سه نوع سیستم مختلف (متریک، استاندارد و ایرلندی) موجب شده است که بهره‌برداری و اتصال شبکه‌ها به یکدیگر دشوار و پرهزینه باشد. همچنین، گرچه فرایند خصوصی‌سازی در دهه ۱۹۹۰ آغاز شده، تاکنون سرمایه‌گذاری کافی در بخش ریلی صورت نگرفته و سیاست‌های کلان حمل‌ونقل همچنان متمایل به توسعه زیرساخت‌های جاده‌ای است. از نظر محتوای بارهای جابه‌جا شده، حمل مواد خام به‌ویژه سنگ‌آهن، سویا و محصولات کشاورزی بیشترین سهم را در حمل‌ونقل ریلی دارد. این وابستگی به حمل مواد خام، در کنار نبود اتصال مؤثر با بنادر و مراکز شهری، بهره‌برداری از راه‌آهن را محدود کرده است [۴۷]، [۴۸].

شکل ۲۴. نقشه ریلی برزیل [۴۷]



صنعت حمل‌ونقل هوایی در برزیل به‌عنوان یکی از ارکان اصلی رشد اقتصادی کشور محسوب می‌شود. این صنعت نه‌فقط به تسهیل جابه‌جایی افراد و کالاها کمک می‌کند، بلکه در یکپارچگی سرزمینی کشوری با وسعت قاره‌ای همچون برزیل، به‌ویژه در مناطق صعب‌العبوری مانند آمازون، نقشی حیاتی دارد. طی دهه‌های گذشته، به‌خصوص از دهه ۱۹۹۰ به بعد، برزیل شاهد تغییرات بنیادینی در ساختار بازار حمل‌ونقل هوایی خود بوده است. افزایش رقابت به پویایی بیشتر بازار و بهبود کیفیت خدمات منجر شد و شرکت‌های هوایی برای جذب مشتریان، به کاهش قیمت‌ها، افزایش تعداد پروازها و بهبود تجربه سفر روی آوردند. نتیجه طبیعی این فرایند، رشد چشمگیر در تعداد مسافران حمل‌ونقل هوایی داخلی و بین‌المللی بود، به‌طوری‌که میزان تقاضا برای سفرهای هوایی رشدی بسیار بالاتر از نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشور را تجربه کرد. به‌این‌ترتیب، حمل‌ونقل هوایی نه‌فقط به‌عنوان بخش اقتصادی مستقل، بلکه به‌مثابه عاملی کلیدی در تسهیل رشد اقتصادی ملی و افزایش پیوستگی جغرافیایی کشور تثبیت شد. طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰، رشد بازار حمل‌ونقل هوایی به‌مراتب سریع‌تر از پیش‌بینی‌های رسمی و مطالعات برنامه‌ریزی دولتی بود. به‌عنوان نمونه، در برنامه چهارم توسعه سیستم هوانوردی غیرنظامی (PDSAC) پیش‌بینی شده بود که برزیل تا سال ۲۰۱۰ به حجم خاصی از مسافر - کیلومتر برسد؛ اما این هدف در سال ۲۰۰۷، یعنی سه سال زودتر، تحقق یافت. در نیمه اول دهه ۲۰۱۰، صنعت هوانوردی برزیل شاهد رشد پایداری بود. از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱، صنعت هوانوردی برزیل به‌دلایل مختلفی با رکود اقتصادی مواجه شده بود، اما انتظار می‌رود در سال‌های پیش‌رو، رونق مجدداً به این بازار برگردد.

شکل ۲۵. فرودگاه‌ها و بنادر برزیل روی نقشه [۴۷]



۷-۴. مشارکت ایالت‌های برزیل در اقتصاد این کشور

ایالت‌های برزیل با درجات مختلفی از مشارکت، در اقتصاد ملی نقش دارند که عمدتاً ناشی از مواهب منابع منحصربه‌فرد و فعالیت‌های اقتصادی آنهاست. منطقه جنوب شرقی،[۱] از نظر تاریخی قلب اقتصادی بوده است و همچنین ایالت‌هایی مانند سائوپائولو، میناس گرایس و ریودوژانیرو (در جنوب شرقی)، در تولید صنعتی، امور مالی و خدمات پیشرو است. سائوپائولو، با وجود کاهش سهم خود در تولید ناخالص داخلی ملی، همچنان قدرت اقتصادی بزرگی است. اما سایر مناطق نیز درحال‌رشد و توسعه‌اند. عواملی مانند جغرافیا، منابع طبیعی و مسیرهای توسعه تاریخی بر خروجی اقتصادی و نقش هر ایالت در اقتصاد ملی تأثیر می‌گذارند. جنوب برزیل تولیدکننده عمده کشاورزی است که به‌طور قابل توجهی در تولید و صادرات مواد غذایی برزیل نقش دارد. شمال شرقی این کشور اگرچه به‌صورت تاریخی عقب مانده، در دهه‌های اخیر رشد بیشتری را تجربه کرده است که ناشی از سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و تنوع‌بخشی به اقتصاد است. شمال و غرب مرکزی سرشار از منابع طبیعی، ازجمله مواد معدنی و زمین‌های کشاورزی‌اند و نقش مهمی در اقتصاد مبتنی‌بر منابع برزیل ایفا می‌کنند.

مهم‌ترین ایالت‌های کشاورزی برزیل در مناطق جنوب، جنوب شرقی و مرکز - غرب متمرکز شده‌اند. این مناطق به‌دلیل تولید طیف وسیعی از محصولات کشاورزی و دامی، ازجمله سویا، نیشکر، قهوه، گوشت گاو و مرغ شناخته می‌شوند. برخی از ایالت‌های کلیدی که تولید کشاورزی را هدایت می‌کنند عبارت‌اند از: ماتو گروسو، پارانا، سائوپائولو و میناس گرایس.

۱ **منطقه جنوبی:** پارانا (تولیدکننده اصلی سویا، ذرت و گندم) و سایر ایالت‌ها ازجمله سانتا کاتارینا و ریوگرانده دو سول نیز سهم قابل توجهی در تولید کشاورزی دارند.

۲ **منطقه جنوب شرقی:** سائوپائولو (در تولید نیشکر و پرتقال فعال است و حضور پررنگی در تجارت حوزه کشاورزی و کشاورزی خانوادگی دارد)، میناس گرایس (تولیدکننده عمده قهوه، شیر و سایر محصولات کشاورزی) و سایر ایالت‌ها ازجمله ریودوژانیرو و اسپیریتو سانتو نیز در کشاورزی منطقه نقش دارند.

۳ **منطقه مرکزی - غربی:** ماتو گروسو (بر تولید سویا و گوشت گاو تمرکز دارد و شاهد گسترش سریع کشاورزی است) و سایر ایالت‌ها ازجمله ماتو گروسو دو سول، گویاس و ناحیه فدرال در تولید کشاورزی این منطقه نقش دارند.

۴ **منطقه شمال شرقی:** از نظر تاریخی به‌دلیل تولید نیشکر شناخته شده است و توسعه مداوم در بخش‌های مختلف کشاورزی ادامه دارد.

۵ **منطقه شمالی:** شامل ایالت‌هایی مانند پارا است که گله‌های گاو زیادی دارد و نگرانی‌هایی درمورد جنگل‌زدایی وجود دارد.

در برزیل، ایالت‌های سائوپائولو، میناس گرایس و ریودوژانیرو در منطقه جنوب شرقی، از نظر صنعتی مهم‌ترین مناطق محسوب می‌شوند. سائوپائولو علاوه‌بر کشاورزی، قطب مالی و صنعتی (خودرو، هوافضا و فناوری) برزیل نیز است؛ درحالی‌که میناس گرایس علاوه‌بر کشاورزی بازیگر اصلی در معدن (سنگ آهن) است و ریودوژانیرو و اسپیریتو سانتو، با تولید فراساحلی سهم قابل توجهی در بخش‌های انرژی (نفت و گاز) و تولید ازجمله فراوری مواد غذایی و کشتی‌سازی دارد.

همچنین جنوب، به‌ویژه پارانا و سانتا کاتارینا، شاهد رشد در صنایعی مانند کالاهای سرمایه‌ای، کالاهای بادوام (خودرو) و فراوری مواد غذایی بوده است. مناطق شمال و شمال شرقی به‌طور سنتی در توسعه صنعتی عقب مانده‌اند، اما شاهد افزایش سرمایه‌گذاری و رشد در بخش‌هایی مانند معدن، کشاورزی و انرژی‌های تجدیدپذیرند [۴۹].

---

۱. به‌ویژه ایالت سائوپائولو.

۸-۴. وضعیت تجارت در برزیل

اکنون در این بخش به بررسی وضعیت تجارت در کشور برزیل پرداخته می‌شود که این بررسی در دو بخش مجزای تجارت کالا – خدمات و انرژی ارائه می‌شود.

۸-۴-۱. تجارت کالاها و خدمات

مهم‌ترین صادرات کالایی برزیل بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ شامل کالاهای صنعتی مونتاژی از قبیل خودرو و وسایل حمل‌ونقل، ماشین‌آلات و تجهیزات و برخی محصولات خام و نیمه‌خام ازجمله آهن و فولاد، سوخت‌ها و مواد معدنی، گوشت، دانه‌های روغنی، محصولات کشاورزی[1] و محصولات ابتدایی شیمیایی بود. اما از سال ۲۰۰۵ به بعد وزن صادرات محصولات خام و نیمه‌خام، نسبت به محصولات صنعتی مونتاژی افزایش یافت و اکنون کشور برزیل با توسعه مزارع بزرگ و امکان فراوری آنها، یکی از مهم‌ترین صادرکنندگان محصولات کشاورزی (دانه‌های روغنی، گوشت، غلات و چوب) است. مهم‌ترین شرکای تجاری برزیل در صادرات به‌ترتیب چین (۳۱ درصد)، ایالات متحده آمریکا (۱۱ درصد)، آرژانتین، هلند، مکزیک، شیلی، اسپانیا و... هستند.

لیکن ترکیب واردات برزیل پایدارتر از صادرات آن بوده است که عمده این واردات شامل سوخت‌های فسیلی (۱۵ درصد)، ماشین‌آلات و تجهیزات (۱۴ درصد)، وسایل الکترونیکی (۱۲ درصد)، وسایل حمل‌ونقل (۸ درصد)، کودها (۶ درصد)، مواد شیمیایی (۶ درصد)، مواد دارویی (۵ درصد)و لاستیک و پلاستیک (۴ درصد) است. عمده شرکای تجاری برزیل در واردات چین (۲۲ درصد)، ایالات متحده آمریکا (۱۶ درصد)، آلمان، آرژانتین، روسیه، هند و... هستند.

شکل ۲۵ سری زمانی تجارت در کالاها را نشان می‌دهد. روند صادرات، واردات و تراز تجاری صعودی و تراز تجاری در اغلب سال‌ها مثبت است. در شکل ۲۶ نشان داده شده است که تجارت خدمات به‌خصوص در زمینه واردات نوسان دارد. تراز تجاری برزیل در تجارت خدمات عموماً منفی است.

بررسی کدهای HS بیانگر این است که عمده صادرات محصولات خام و نیمه‌خام برزیل به کشور چین و سایر کشورهای آسیایی و آفریقایی است؛ به‌طور مثال، چین مهم‌ترین واردکننده محصولات کشاورزی (ازجمله دانه‌های روغنی، گوشت، چوب و غلات)، مواد معدنی و سوخت‌های معدنی (ازجمله نفت) از برزیل است.

درحالی‌که عمده تولیدات در محصولات صنعتی را به ایالات متحده آمریکا و اروپا صادر می‌کند. به بیان دیگر، برزیل به‌عنوان کشور نیمه‌صنعتی در بخش مونتاژ در زنجیره‌های تولید محصولات صنعتی کشورهای غربی قرار دارد.

از ۲ آوریل سال ۲۰۲۵ با فرمان اجرایی EO ۱۴۲۵۷ تحت اختیارات اضطراری (IEEPA) روابط تجاری میان ایالات متحده آمریکا و برزیل در چارچوب مجموعه‌ای از اقدامات تعرفه‌ای و واکنش‌های حقوقی و سیاستی وارد مرحله‌ای تنش‌آلود و درعین‌حال قابل مدیریت شده است. سیاست تعرفه‌ای آمریکا نسبت به برزیل عمدتاً در قالب اختیارات اضطراری اجرایی شکل گرفته و به اعمال تعرفه‌های اضافی بر برخی واردات از برزیل انجامیده است. این اقدامات در مقاطعی گسترش یافته و در مقاطعی نیز با هدف کاهش فشارهای داخلی و تسهیل روند مذاکرات، تعدیل شده است.

در این چارچوب، آمریکا پس از معرفی رژیم تعرفه‌ای عمومی‌تر، در ادامه تعرفه‌ای اضافی و سنگین‌تر را بر طیفی از کالاهای دارای منشأ برزیل اعمال کرد. نتیجه این رویکرد برای بخشی از کالاها افزایش قابل توجه هزینه واردات و در برخی موارد شکل‌گیری نرخ‌های بسیار بالا در مجموع تعرفه‌های قابل اعمال بوده است. بااین‌حال، در ادامه و در واکنش به ملاحظات اقتصادی و سیاسی،

---

۱. محصولات تجاری عمده برزیل در بخش کشاورزی، شامل قهوه، مرکبات، نیشکر، برنج، ذرت، کاکائو، سویا، موز، پنبه و تنباکو است و پرورش گاو، خوک و گوسفند بیشترین سهم را دام‌پروری به‌خود اختصاص می‌دهند.

بخشی از محصولات کشاورزی از شمول تعرفه اضافی معاف شدند. این اقدام را می‌توان نشانه‌ای از تلاش برای کاهش آثار تورمی و نیز ایجاد فضای تنفسی برای گفت‌وگوهای دوجانبه تلقی کرد.

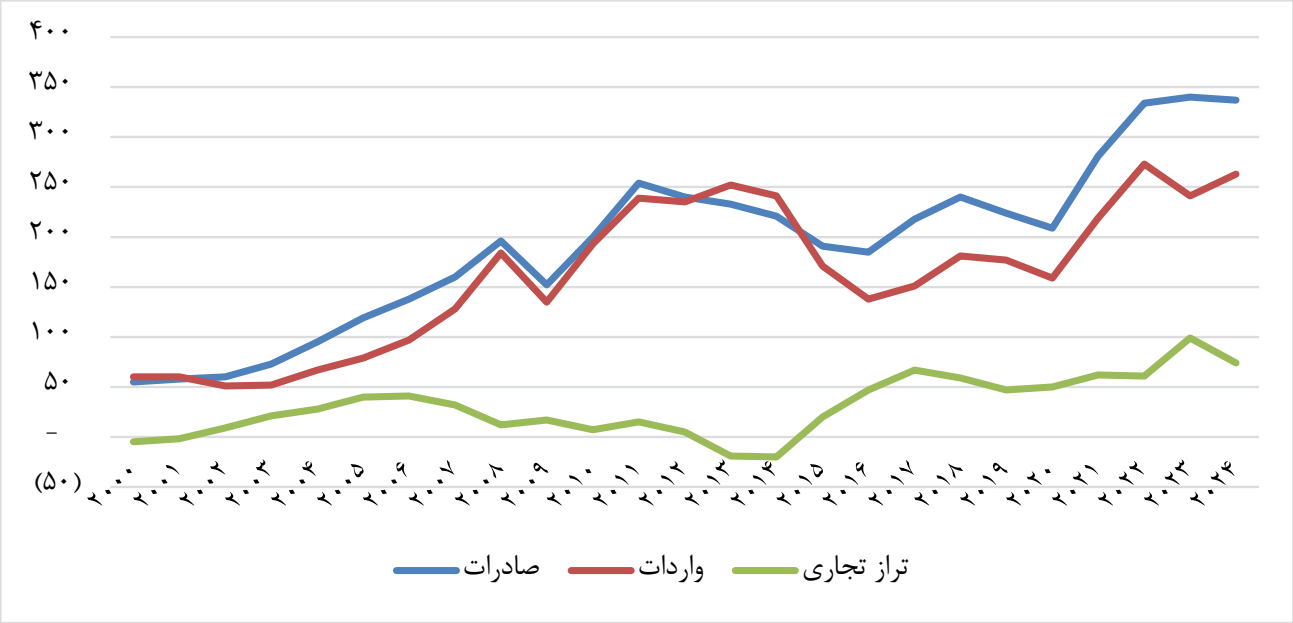
در مقابل، برزیل نیز سیاستی دوگانه را دنبال کرده است: ازیک‌سو، ابزار حقوقی داخلی برای اقدام متقابل را تقویت کرده و امکان به‌کارگیری اقدامات پاسخ‌گویانه را درصورت تداوم یا تشدید فشارهای تعرفه‌ای فراهم ساخته است؛ ازسوی‌دیگر، مسیرهای رسمی حل‌وفصل اختلافات تجاری را نیز فعال کرده و پیگیری موضوع را از طریق سازوکارهای چندجانبه و حقوقی در سطح بین‌المللی در دستور کار قرار داده است. این ترکیب، به برزیل اجازه می‌دهد هم اهرم مذاکره و بازدارندگی داشته باشد و هم از مسیرهای متعارف و قانونی برای رسیدن به راه‌حل استفاده کند.

افزون‌بر این، وجود روند تحقیقاتی جداگانه در نظام تجاری آمریکا درباره برخی سیاست‌ها و اقدامات اقتصادی و تنظیمگری برزیل می‌تواند بر آینده روابط تجاری دو کشور اثرگذار باشد. چنین روندهایی معمولاً یا به اقدامات تجاری تکمیلی می‌انجامند یا به‌عنوان اهرم فشار برای رسیدن به توافق‌های محدودتر و پرونده‌محور مورد استفاده قرار می‌گیرند.

محتمل است ایالات متحده در کوتاه‌مدت اصل چارچوب تعرفه‌ای را حفظ کند؛ زیرا این چارچوب علاوه‌بر کارکرد اقتصادی، نقش ابزار چانه‌زنی در مذاکرات را نیز ایفا می‌کند. درعین‌حال، احتمال زیادی وجود دارد که دامنه و شدت اعمال تعرفه‌ها به‌صورت موردی و بخش‌محور تنظیم شود؛ به‌ویژه در حوزه‌هایی که فشار قیمت برای مصرف‌کننده داخلی آمریکا اهمیت دارد یا از منظر سیاسی حساس‌تر تلقی می‌شود. بنابراین، به‌جای حذف یکباره تعرفه‌ها یا تشدید فراگیر، روابط تعرفه‌ای آمریکا و برزیل احتمالاً ترکیبی از تداوم سیاست کلی همراه با معافیت‌ها، استثناها یا تعدیل‌های هدفمند خواهد بود.

درخصوص چشم‌انداز روابط تجاری آمریکا و برزیل، سناریوی محتمل‌تر آن است که روابط وارد مرحله‌ای «معامله‌ای و پرونده‌محور» شود؛ یعنی تجارت دوجانبه ادامه یابد، اما با سطحی بالاتر از عدم قطعیت، مذاکره مستمر و تصمیم‌های مقطعی. در چنین شرایطی، امکان شکل‌گیری توافق جامع و پایدار در کوتاه‌مدت کمتر است و به‌جای آن، توافق‌های محدودتر در حوزه‌های مشخص یا معافیت‌های کالامحور محتمل‌تر به‌نظر می‌رسد. هم‌زمان، برزیل نیز با حفظ آمادگی برای اقدام متقابل و پیگیری حقوقی موضوع، تلاش خواهد کرد هزینه‌های تشدید تنش را برای طرف مقابل افزایش و در نهایت مسیر را به‌سمت تعدیل و مدیریت اختلاف سوق دهد.

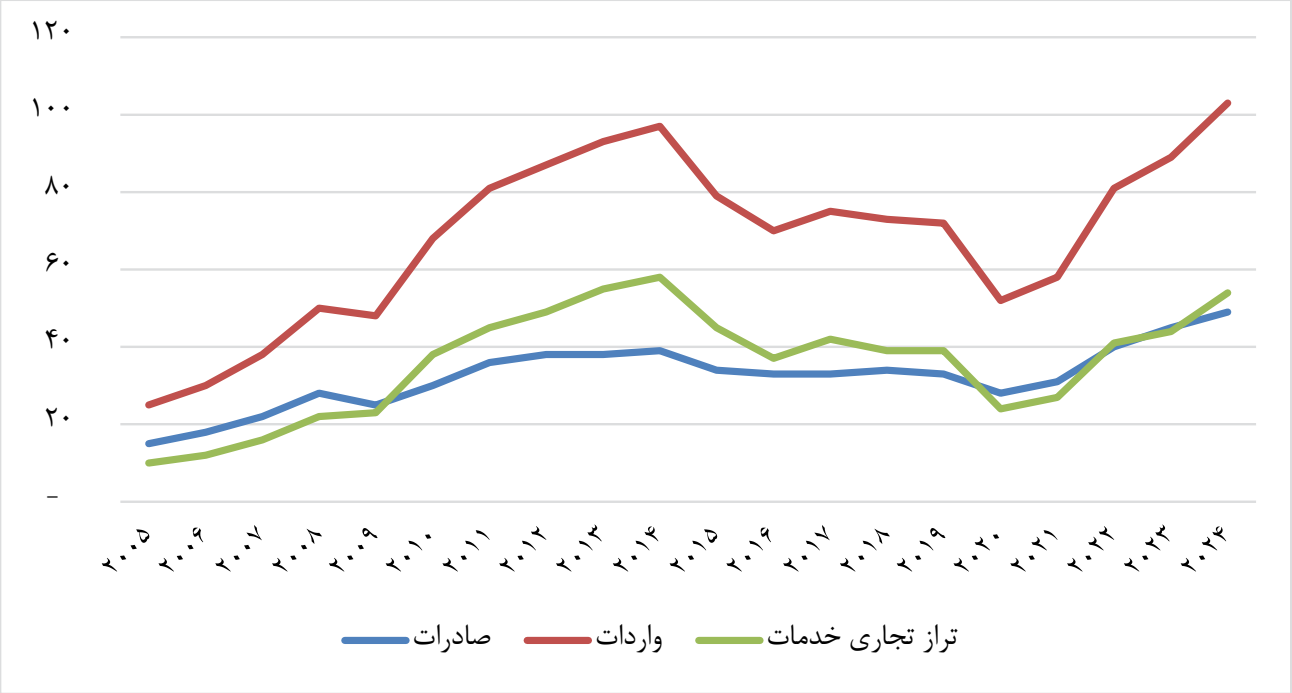
شکل ۲۶. نمودار سری زمانی تجارت برزیل در کالاها ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ (میلیارد دلار) [۵۰]



جدول ۴. مقایسه اقلام صادراتی برزیل در کالاها قبل و بعد از سال ۲۰۰۴ [۵۰]

کد HS	شرح کد	۲۰۰۰ – ۲۰۰۴	۲۰۰۴ – ۲۰۲۴
۸۷	وسایل نقلیه (خودرو)	۹ درصد	۴ درصد
۸۴	ماشین‌آلات و تجهیزات	۸ درصد	۴ درصد
۷۲	آهن و استیل	۷ درصد	۴ درصد
۲۷	سوخت‌های معدنی	۶ درصد	۱۶ درصد
۱۲	دانه‌های روغنی	۶ درصد	۱۶ درصد
۲۶	سنگ‌های معدنی	۶ درصد	۱۰ درصد
۰۲	گوشت و محصولات گوشتی	۶ درصد	۶ درصد
۱۷	قند و شکر و شیرینی	۳ درصد	۵ درصد
۱۰	غلات	۱ درصد	۴ درصد

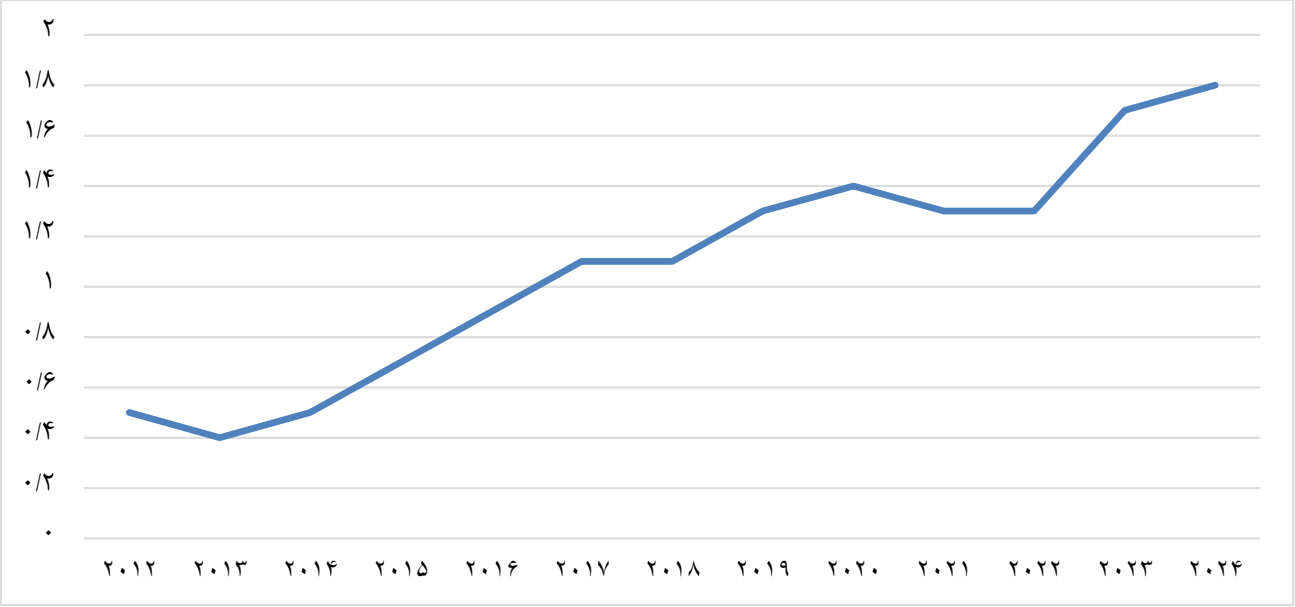
شکل ۲۷. نمودار سری زمانی تجارت خدمات در برزیل ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۴ (میلیارد دلار) [۵۰]



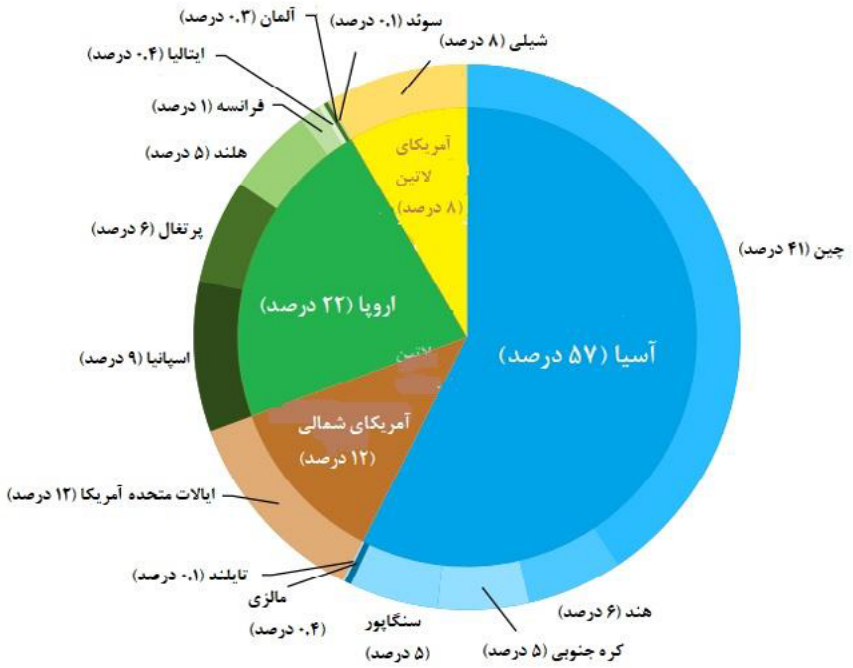
۲-۸-۴. تجارت انرژی

برزیل از سال ۲۰۰۶ صادرکننده خالص نفت خام بوده است. در حدود یک دهه اخیر صادرات نفت برزیل از حدود ۰٫۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۲ به حدود ۱٫۸ میلیون بشکه در سال ۲۰۲۳ افزایش یافته است. سهم صادرات نفت خام از ۵ درصد کل حجم صادرات در سال ۲۰۱۲ به ۹ درصد در سال ۲۰۲۳ افزایش یافته و در سبد کالایی برزیل رتبه سوم را به خود اختصاص داده است. نفت خام برزیل عمدتاً به کشورهای آسیایی (۵۷ درصد)، به‌ویژه چین (۴۱ درصد)، و همچنین اروپا (۲۲ درصد) و ایالات متحده (۱۲ درصد) صادر می‌شود [۵۱].

شکل ۲۸. نمودار سری زمانی صادرات نفت برزیل در دهه اخیر (میلیون بشکه در روز) [۵۱]

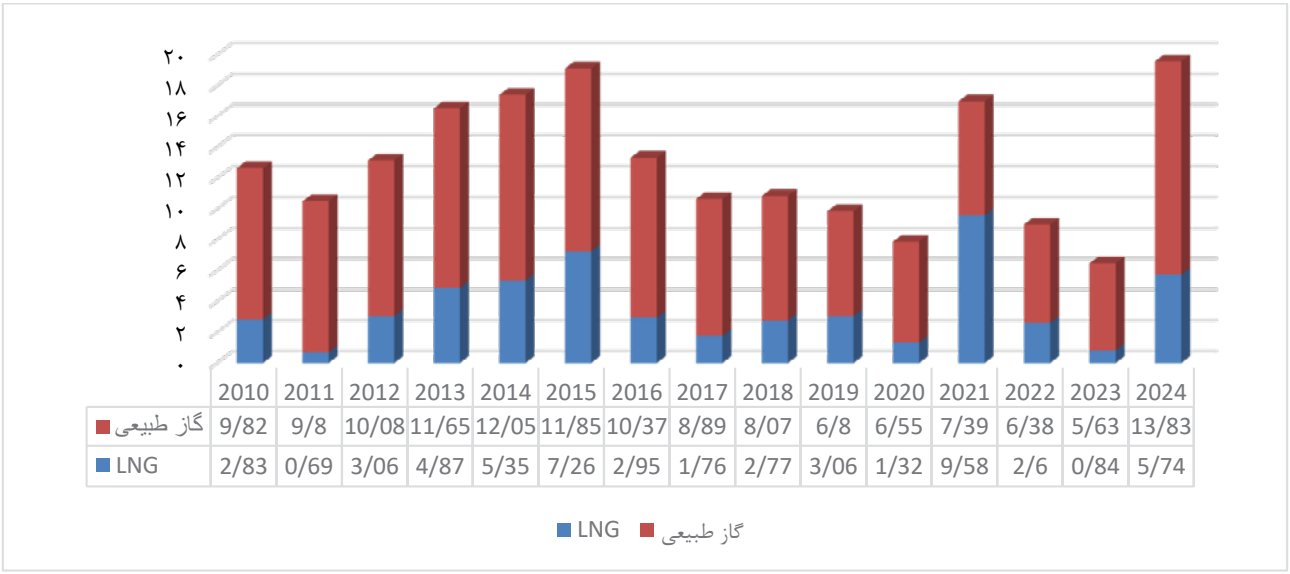


شکل ۲۹. سهم صادرات نفت برزیل به مهم‌ترین شرکای تجاری در سال ۲۰۲۳ [۴۳]



برای پاسخ‌گویی به تقاضای داخلی، این کشور مقدار قابل توجهی فراورده‌های نفتی تصفیه شده را وارد می‌کند که ۱۴ درصد از کل واردات را در سال ۲۰۲۲ به خود اختصاص می‌دهد که بالاترین میزان در سبد محصولات برزیل است. نزدیک به ۵۳ درصد از این واردات از ایالات متحده، ۱۰ درصد از هند و ۹ درصد از امارات متحده عربی است. دولت برزیل برای کاهش وابستگی به واردات و افزایش خودکفایی کشور در تأمین نیازهای محصولات پالایش شده، قصد دارد ظرفیت پالایش خود را مدرن کند و گسترش دهد [۴۳].

شکل ۳۰. نمودار سری زمانی واردات گاز برزیل (میلیون بشکه در روز) [۵۲]



	2010	2011	2012	2013	2014	2015	2016	2017	2018	2019	2020	2021	2022	2023	2024
گاز طبیعی	9/82	9/8	10/08	11/65	12/05	11/85	10/37	8/89	8/07	6/8	6/55	7/39	6/38	5/63	13/83
LNG	2/83	0/69	3/06	4/87	5/35	7/26	2/95	1/76	2/77	3/06	1/32	9/58	2/6	0/84	5/74

برزیل واردکننده خالص گاز طبیعی و گاز طبیعی مایع (LNG) است. تقریباً تمام گاز طبیعی مورد نیاز برزیل به‌صورت خط لوله از بولیوی وارد می‌شود. برزیل واردات LNG خود را برای پاسخ‌گویی به تقاضای فزاینده گاز طبیعی افزایش داده است. در سال ۲۰۲۲، بیشتر واردات LNG این کشور از ایالات متحده (۷۶ درصد) و قطر (۱۴ درصد) انجام شد[۳۸].

برزیل به‌دلیل تولید محدود زغال‌سنگ داخلی، برای تأمین نیازهای زغال‌سنگ خود به واردات متکی است. در سال ۲۰۲۲، زغال‌سنگ دومین کالای وارداتی برزیل بود و ۱۱ درصد از کل واردات را به خود اختصاص داد. زغال‌سنگ وارداتی در درجه اول در فرایندهای صنعتی که نیاز به کیفیت زغال‌سنگ خاصی دارد استفاده می‌شود. بیشتر زغال‌سنگ داخلی در برزیل برای تولید برق استفاده می‌شود، اما زغال‌سنگ وارداتی در برزیل عمدتاً برای تولید فولاد استفاده می‌شود. در سال ۲۰۲۲، برزیل عمدتاً زغال‌سنگ را از استرالیا (۳۳ درصد)، ایالات متحده (۳۰ درصد) و کلمبیا (۱۷ درصد) وارد کرد [۴۳].

برزیل صادرکننده خالص سوخت‌های زیستی است. در سال ۲۰۲۲، برزیل ۲۴ درصد از اتانول مورد نیاز جهان را صادر کرد و در پی آن این کشور به بزرگ‌ترین صادرکننده اتانول در جهان تبدیل شد که فقط ۰٫۳ درصد از کل صادرات برزیل را به خود اختصاص داد. با افزایش قیمت بنزین در سال ۲۰۲۲، تقاضا در سطح بین‌المللی برای سوخت ارزان‌تر E۱۰ (بنزین حاوی ۱۰ درصد اتانول) در سطح بین‌المللی افزایش یافت. از کل صادرات اتانول در سال ۲۰۲۲، ۳۱ درصد به کره جنوبی، ۲۹ درصد به هلند و ۱۹ درصد به ایالات متحده رسید. صادرات اتانول برزیل از توافق‌نامه‌های تجاری سودمند، مانند موافقت‌نامه همکاری اتانول برزیل ایالات متحده، که تجارت اتانول بین دو کشور را تسهیل می‌کند، سود می‌برد. به‌دلیل رتبه‌بندی مطلوب شدت کربن که اتانول نیشکر برزیل تحت استاندارد سوخت کم‌کربن کالیفرنیا (LCFS) کرده است، این ایالت آمریکا اکثر اتانول ارسالی به ایالات متحده را دریافت می‌کند[۴۳].

برزیل دارای شبکه‌های انتقال به‌هم‌پیوسته است که امکان تجارت برق با کشورهای همسایه را فراهم می‌کند. اتصالات برق با آرژانتین، اوروگوئه، پاراگوئه و ونزوئلا ایجاد شده است که امکان واردات و صادرات برق براساس شرایط عرضه و تقاضا را فراهم می‌کند. برزیل بخش بزرگی از برق خود را از سد ایتایپو تأمین و مازاد برق را به کشورهای همسایه صادر می‌کند. آرژانتین بازار اصلی صادرات برق برزیل است. برزیل از اوروگوئه برق وارد می‌کند تا به اوج تقاضای برق پاسخ دهد [۴۳].

۵. عضویت برزیل در جوامع جهانی

کشور برزیل در جوامع مختلفی ازجمله بریکس، سازمان تجارت جهانی، سازمان G۲۰ و سازمان‌های منطقه‌ای ازجمله اتحادیه مرکوسور عضو است که به این شرح است:

۵-۱. عضویت برزیل در بریکس

واژه بریکس مخفف حروف ابتدایی اسامی کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی است. این گروه در سال ۲۰۰۹ تشکیل شد. این گروه سالانه همایش‌هایی برگزار می‌کند که نتیجه پانزدهمین اجلاس آن در سال ۲۰۲۴، موافقت با دعوت از ۶ کشور جدید آرژانتین، مصر، اتیوپی، ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عربی برای پیوستن به آن بود. با اضافه شدن اعضای جدید به این گروه، نام آن به بریکس پلاس[1] تغییر کرد. این گروه به‌لحاظ جمعیتی حدود ۳,۲۷ میلیارد نفر را شامل می‌شود که این میزان بیش از ۴۰ درصد کل جمعیت جهان است. با گسترش به بریکس پلاس، کل تولید ناخالص داخلی این گروه به ۳۵,۶ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی خواهد رسید. مهم‌ترین شریک تجاری برزیل در بریکس، چین است. کشور برزیل با عمده کشورهای عضو بریکس مشابهت اقتصادی دارد [۵۳].

۵-۲. عضویت برزیل در سازمان تجارت جهانی (WTO)

برزیل در ۱ ژانویه سال ۱۹۹۵ به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمد. این کشور همچنین شریک کلیدی سازمان OECD است. برزیل در مذاکرات مختلف سازمان تجارت جهانی، ازجمله دور دوحه، که در سال ۲۰۰۱ آغاز شد، نقش کلیدی داشته است. این کشور اغلب نقش رهبری را در گروه کشورهای درحال‌توسعه G۲۰ بر عهده داشته و از منافع کشورهای درحال‌توسعه حمایت کرده است.
روبرتو آزودو، دیپلمات برزیلی، از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ به‌عنوان مدیرکل سازمان تجارت جهانی خدمت کرد. انتصاب آزودو نقش مهم برزیل را در سیستم تجارت جهانی برجسته کرد. برزیل در توافق‌نامه‌های مختلف سازمان تجارت جهانی، ازجمله توافق‌نامه تسهیل تجارت و گسترش توافق‌نامه فناوری اطلاعات، مشارکت داشته است. این کشور همچنین از مسائلی مانند رفتار ویژه با کالاهای فاسدشدنی و همکاری گمرکی حمایت کرده است [۵۴].

۵-۳. عضویت برزیل در بازار مشترک کشورهای آمریکای جنوبی (اتحادیه مرکوسور)

تشکیل بازار مشترک جنوبی در اوایل دهه ۱۹۹۰ آغاز شد و با امضای معاهده آسونسیون در ۲۶ مارس ۱۹۹۱ توسط سران کشورهای آرژانتین، برزیل، پاراگوئه و اوروگوئه رسمیت یافت. در سال‌های بعد ونزوئلا[2] (در سال ۲۰۰۶) و بولیوی (در سال ۲۰۱۵) نیز به چهار اعضای اصلی سابق این اتحادیه اضافه شدند و در حال حاضر کشورهای شیلی، کلمبیا، اکوادور، پرو، سورینام و گویان اعضای ناظر این اتحادیه‌اند. اهداف اصلی از تشکیل این اتحادیه ایجاد بازار مشترک و ارتقای یکپارچگی اقتصادی بین کشورهای عضو است و هدف غایی آن رسیدن به مدل هم‌گرایی منطقه‌ای مشابه اتحادیه اروپاست. برزیل در این اتحادیه علاوه‌بر یکپارچگی تجارت، یکپارچگی انرژی را نیز در میان کشورهای عضو مرکوسور توسعه می‌دهد. این همکاری منطقه‌ای شامل ابتکاراتی مانند هماهنگ‌سازی سیاست انرژی، اتصال زیرساخت‌های انرژی و تسهیل تجارت انرژی در این بلوک منطقه‌ای است [۵۵].

1. BRICS+

۲. عضویت ونزوئلا از سال ۲۰۱۶ به دلایل سیاسی به حال تعلیق درآمده است.

۴-۵. عضویت برزیل در گروه G۲۰

گروه G۲۰ شامل ۱۹ کشور آرژانتین، استرالیا، برزیل، کانادا، چین، فرانسه، آلمان، هند، اندونزی، ایتالیا، ژاپن، جمهوری کره، مکزیک، روسیه، عربستان سعودی، آفریقای جنوبی، ترکیه، بریتانیا و ایالات‌متحده به‌علاوه اتحادیه اروپا و آفریقاست. برزیل میزبان اجلاس این گروه در سال ۲۰۲۴ بود. برزیل برای رهبری گروه G۲۰، با هدف ایجاد آینده‌ای که با دستاوردهای جمعی و همبستگی جهانی مشخص شده است، در تلاش برای تدوین استراتژی‌های نوآورانه و تقویت همکاری مولد با کشورهای عضو است و اخیراً با کشور امارات در قالب این گروه، درحال‌توسعه روابط تجاری، سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و تقویت روابط دوجانبه‌اند. هرچند که امارات فعلاً به‌عنوان مهمان در این گروه فعالیت می‌کند، از آنجایی که تمام اولویت‌های این گروه را پذیرفته و فعالانه در تمام جلسات این گروه از سال ۲۰۱۹ شرکت می‌کند، احتمال عضویت امارات در این گروه و تعمیق روابط با برزیل در آینده دور از انتظار نیست [۵۶].

۶. روابط ایران و برزیل از گذشته تاکنون

بعد از حصول اطلاعات کلی درمورد برزیل و شناخت این کشور از جنبه‌های مختلف، اکنون فرصت آن است که به بررسی روابط سیاسی تجاری ایران و برزیل پرداخته شود. در این بخش به بررسی نکات مهم روابط سیاسی، اقتصادی از منظر تجارت بین این دو کشور، پرداخته می‌شود.

۱-۶. روابط ایران و برزیل از منظر سیاسی

روابط سیاسی ایران و برزیل در دو دهه اخیر عموماً باثبات بوده، اما الگوی رأی‌دهی برزیل درباره ایران در نهادهای ملل متحد یکدست نیست و بسته به دستورکار و مقطع زمانی تغییر کرده است. در شورای امنیت، برزیل در ۹ ژوئن سال ۲۰۱۰ به قطعنامه ۱۹۲۹ (برقراری دور تازه تحریم‌ها علیه ایران) رأی منفی داد، حال آنکه همان شورا در ۹ ژوئن سال ۲۰۱۱ قطعنامه ۱۹۸۴ را با رأی موافق برزیل تصویب کرد؛ قطعنامه‌ای که مأموریت «گروه کارشناسان» ناظر بر اجرای تحریم‌ها را ذیل کمیته ۱۷۳۷ و براساس ماده (۴۱) منشور و ذیل فصل هفتم تا ۹ ژوئن سال ۲۰۱۲ تمدید می‌کرد و از دبیرکل و دولت‌های عضو خواستار همکاری اداری و اطلاعاتی با گروه بود. در شورای حقوق بشر نیز برزیل در ۲۴ مارس سال ۲۰۱۱ به قطعنامه A/HRC/RES/۱۶/۹ برای ایجاد «گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در ایران» رأی موافق داد.

در مجمع عمومی، قطعنامه سال ۲۰۱۹ درباره وضعیت حقوق بشر در ایران (A/RES/۷۴/۱۶۷) با ۸۱ موافق، ۳۰ مخالف و ۷۰ ممتنع به تصویب رسید؛ الگوی کلی سال‌های پیش و پس از آن نشان می‌دهد که برزیل در بسیاری از رأی‌گیری‌های مشابهِ مجمع عمومی یا شورای حقوق بشر ممتنع بوده است، هرچند نمونه‌هایی از رأی موافق به ابتکارات انتقادی علیه ایران (همچون ۲۰۱۱ در شورای حقوق بشر) نیز وجود دارد. بنابراین، برزیل گاه از مواضع انتقادی حمایت کرده، گاه مخالفت ورزیده (۱۹۲۹)، و در موارد متعددی نیز ممتنع بوده است؛ درعین‌حال، روابط دوجانبه، به‌ویژه در حوزه اقتصادی، علی‌رغم نوسان‌های ناشی از تغییر دولت‌ها در برزیلیا، معمولاً حفظ شده است [۵۷]، [۵۸]، [۵۹]، [۶۰].

۲-۶. روابط ایران و برزیل از منظر اقتصادی - تجاری

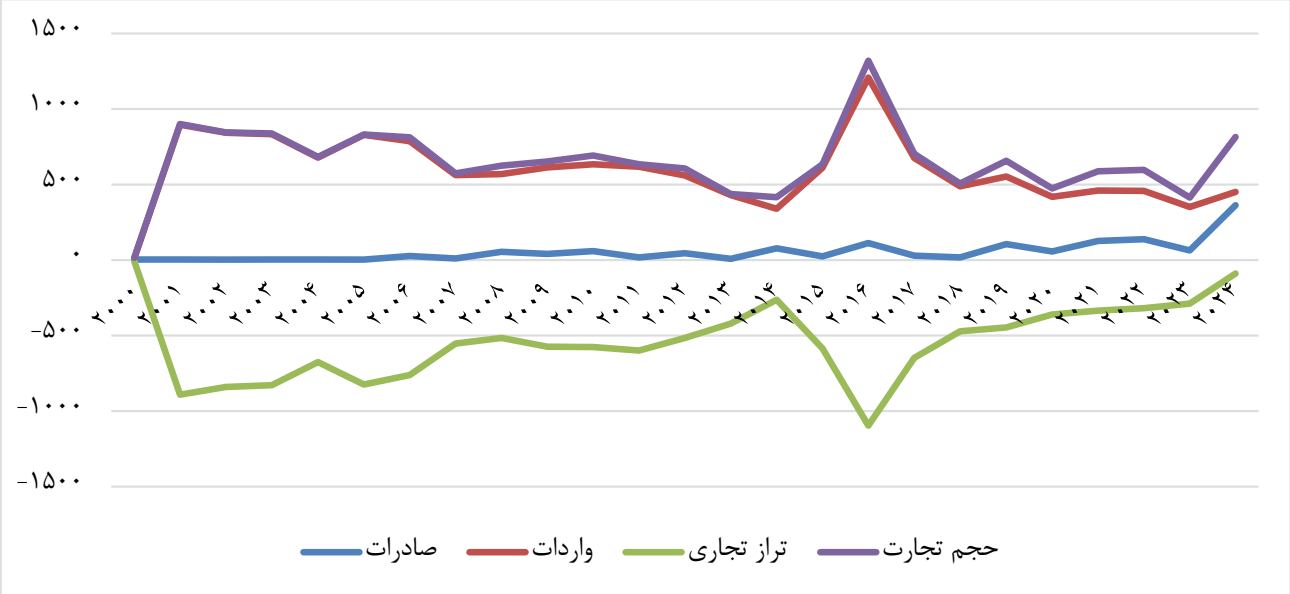
از آغاز دهه ۲۰۰۰ تاکنون، ساختار تجارت دوجانبه ایران و برزیل به‌طور پایدار نامتقارن و با مازاد بزرگ به‌نفع برزیل همراه بوده است. داده‌های رسمی تجارت نشان می‌دهد ارزش صادرات ایران به برزیل در کل چندان چشمگیر نیست، حال آنکه واردات ایران از برزیل

در همان سال‌ها به‌مراتب در سطوح بالاتری قرار دارد. ترکیب کالاییِ این جریان عمدتاً از محصولات کشاورزی و خوراکی در صادرات برزیل و کود اوره در صادرات ایران شکل گرفته است.

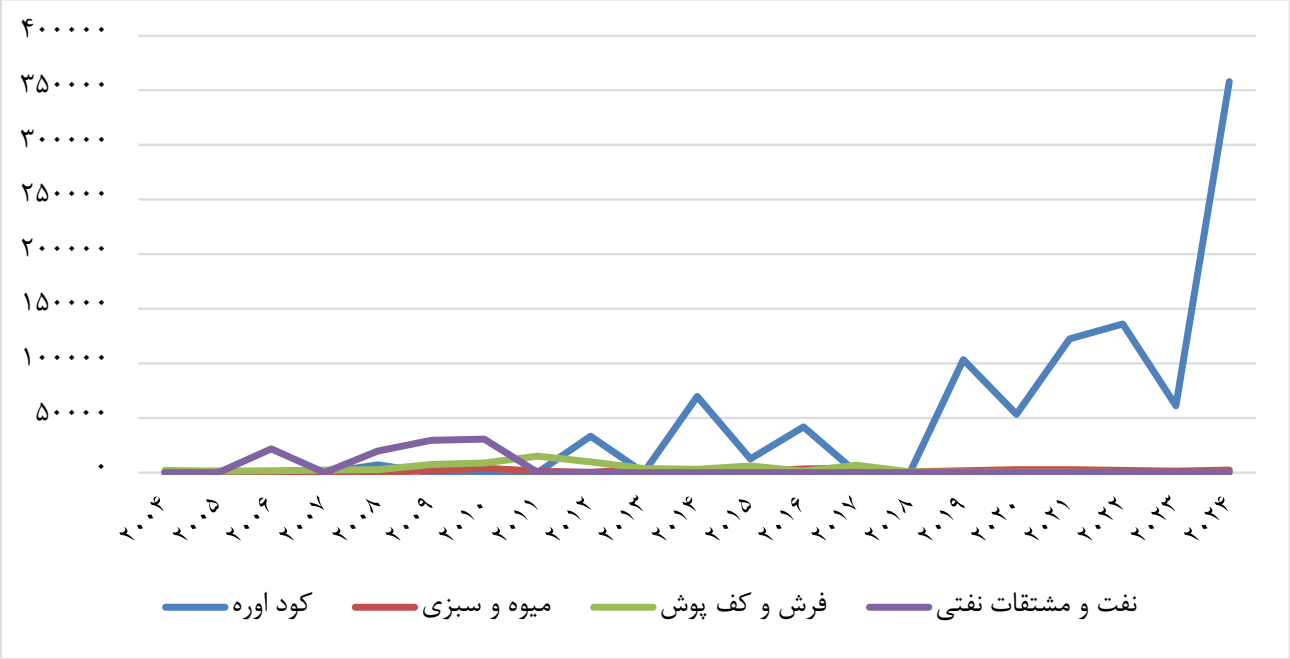
همچنین از منظر همکاری‌های صنعتی، پیش از دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ شرکت پتروبراسِ برزیل در ایران حضور و مذاکرات / پروژه‌های اکتشافی (از سال ۲۰۰۴ به بعد، ازجمله در خزر) داشته است. بااین‌حال، مطابق گزارش رسمی دولت برزیل، در دوره اجرای برجام (۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸) هیچ توافقِ مشخصی در صنعت نفت و گاز میان ایران و شرکت‌های برزیلی نهایی نشد. در صنایع خودروسازی و داروسازی نیز وضع به‌همین ترتیب بود: مذاکرات و رایزنی‌ها (ازجمله درباره واردات کیت‌های CKD) وجود داشت، اما به قرارداد اجرایی مبدل نشد.

به‌طور کلی، بیشتر تجارت بین دو طرف توسط SMEها انجام می‌شود. بااین‌حال، شرکت‌های بزرگ دولتی مانند شرکت بازرگانی دولتی (GTC) و شرکت پشتیبانی امور دام (SLAL) و شرکت‌های نیمه‌دولتی مانند شرکت مدلل، شرکت بازرگانی پتروشیمی (PCC) و مجتمع نیشکر خوزستان نیز در زمینه تجارت بین‌الملل با برزیل فعال‌اند. محرک‌های اصلی این تجارت، مواد غذایی، کشاورزی و کودهای شیمیایی هستند. شایان ذکر است بسیاری از شرکت‌ها بعد از تحریم‌ها، کالاهای خود را از طریق کشورهای ثالث مانند امارات، سوئیس و ترکیه به ایران صادر می‌کنند و برزیل نیز از این قاعده مستثنا نیست. در شکل ۳۱، سری زمانی تجارت ایران و برزیل از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ بررسی شده است. طبق این شکل، علی‌رغم نوسانی بودن روند صادرات در کل سال‌های مورد مطالعه، میزان صادرات ایران در بازه ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۴ نسبت به سال‌های قبل‌تر (در دهه ۲۰۰۰)، مقداری افزایش یافته، اما واردات از این کشور از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ روندی نزولی دارد. بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ با جهش قابل توجهی واردات افزایش یافته و از سال ۲۰۱۶ به بعد روند نزولی به‌خود گرفته است.

شکل ۳۱. نمودار سری زمانی تجارت ایران با برزیل ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ (میلیون دلار) [۵۰]، [۶۱]



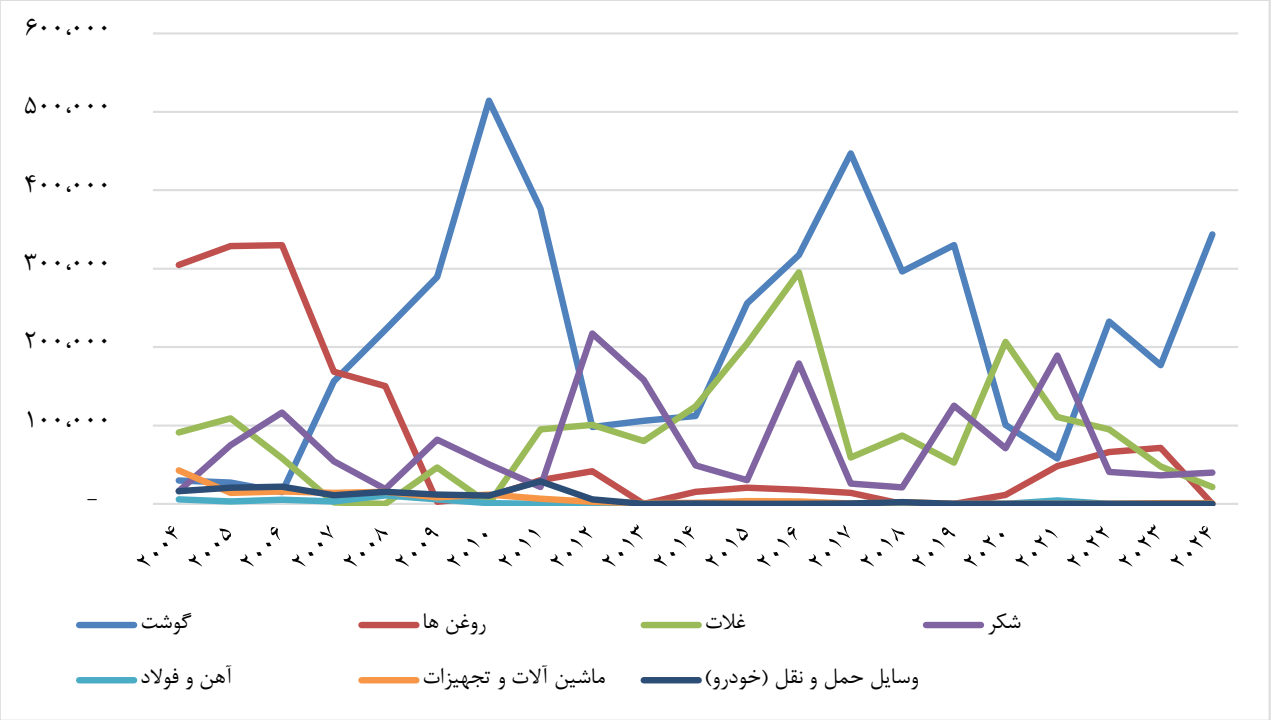
شکل ۳۲. نمودار بیشترین اثرپذیری صادرات کالایی ایران به برزیل از تحریم‌ها (هزار دلار) [۵۰]، [۶۱]



مطابق شکل ۳۲، بیشترین صادرات ایران به برزیل در بازه سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱، نفت، مشتقات نفتی و فرش بود؛ اما بعد از تحریم ایران در سال ۲۰۱۲، صادرات این اقلام بسیار کاهش یافت و از سال ۲۰۱۲ عمده صادرات ایران به کود اوره تغییر یافت. از آن زمان می‌توان این‌گونه بیان کرد که بخش اعظمی از صادرات ایران به برزیل، به کود اوره محدود شده است. صادرات انواع میوه و سبزی (ازجمله پسته، انگو و خرما و...) نیز تاحدی جزء صادرات مهم ایران به برزیل محسوب می‌شود که در بازه زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۳ چندان دستخوش تغییر نشده و روند نسبتاً ثابتی داشته است. یکی از نقاط ضعف صادرات ایران به برزیل، چه در سال‌های پیش از تحریم و چه در سال‌های پس از تحریم، تمرکز صادراتی است. به‌گونه‌ای‌که قبل از تحریم حدود ۹۶ درصد از صادرات ایران به برزیل متعلق به نفت، مشتقات نفتی، مواد شیمیایی معدنی، فرش، میوه و سبزیجات بود و بعد از تحریم‌ها این تمرکز صادراتی بیشتر شده است؛ به‌نحوی‌که حدود ۹۹ درصد صادرات ایران به کود اوره، میوه و سبزیجات اختصاص دارد. همچنین، بیشترین اثرپذیری منفی صادرات ایران از تحریم‌ها، مربوط به نفت و مشتقات نفتی، فرش و کف‌پوش است. البته بعد از تحریم‌ها صادرات کود اوره تا حدی چشمگیر است؛ هرچند که این صادرات نوسان بسیار زیادی در طول زمان از خود نشان داده است.

با اینکه طبق شکل ۳۲ روند واردات محصولات از برزیل در طول زمان نوسانی است، ترکیب سبد واردات از برزیل در طول زمان تقریباً ثابت است؛ به‌جز واردات خودرو که از سال ۲۰۱۱ به بعد و ماشین‌آلات و تجهیزات که از سال ۲۰۰۴ به بعد کلاً نزولی است و از سال ۲۰۱۳ تقریباً صفر شده است. در شکل ۳۳ نیز بیشترین اثرپذیری واردات از تحریم‌ها به تصویر کشیده شده است. روند نوسانی از بیشترین به کمترین متعلق به واردات وسایل حمل‌ونقل (خودرو)، غلات و شکر است؛ اما علاوه‌بر روند نوسانی در بازه زمانی مورد مطالعه، بررسی سری زمانی روند واردات، اثرپذیری چندانی از تحریم‌ها مشاهده نمی‌شود.

شکل ۳۳. نمودار بیشترین اثرپذیری واردات کالایی ایران (از تحریم‌ها) از برزیل (هزار دلار) [۵۰]، [۶۱]



۷. فرصت تعامل ایجابی ایران و برزیل

تجارت ایران و برزیل در حوزه اقلام اساسی عمدتاً حول واردات اقلام اساسی از برزیل صورت‌بندی می‌شود. لیکن بعد از تحریم‌ها، الگوی عملیاتی واردات ایران از این کشور غالباً «مستقیم» نیست. بخش مهمی از خرید، حمل و پرداخت، به‌واسطه حلقه‌های واسط منطقه‌ای و نیز شرکت‌های بزرگ بین‌المللی انجام می‌شود. این ساختار موجب می‌شود مسیر «تجارت فیزیکی کالا» الزاماً با مسیر «تسویه و پرداخت» بر هم منطبق نباشد و در عمل، هم شفافیت کاهش یابد و هم هزینه‌های معاملاتی و ریسک‌های اجرایی افزایش پیدا کند.

۷-۱. وابستگی به کانال‌های خرید غیرمستقیم و هزینه‌های آن

از منظر حکمرانی زنجیره تأمین، نکته تعیین‌کننده آن است که بخش قابل توجهی از صادرات غلات و دانه‌های روغنی برزیل در اختیار شرکت‌های بزرگ چندملیتی قرار دارد. بنابراین دسترسی پایدار و رقابتی به کالا، صرفاً تابع ظرفیت تولید برزیل نیست، بلکه به کیفیت دسترسی به شبکه‌های تجمیع، ذخیره‌سازی، لجستیک، فراوری و صادرات نیز وابسته است؛ شبکه‌ای که در بخش‌هایی از آن، قدرت بازار و توان چانه‌زنی شرکت‌های بزرگ نقش پررنگ دارد. در سوی دیگر، ساختار تولید داخل برزیل پراکنده و چندلایه است و ترکیبی از تولیدکنندگان بزرگ‌مقیاس، اتحادیه‌ها (تعاونی‌ها) و تولیدکنندگان خُرد را دربرمی‌گیرد؛ همین ویژگی باعث می‌شود خرید مستقیم از «مبدأ تولید» بدون طراحی نهادی و قراردادی مناسب، ساده و کم‌هزینه نباشد.

در الگوی موجود، جدا شدن مسیر خرید از مسیر پرداخت، خود را به شکل هزینه و اتلاف ارزی نشان می‌دهد. پرداخت واردات

کالاهای اساسی معمولاً ماهیت دومرحله‌ای دارد (پیش‌پرداخت و تسویه نهایی) و به‌دلیل محدودیت‌های کارگزاری بانکی و دشواری اتصال پایدار به شبکه پرداخت رسمی، فعال اقتصادی در عمل برای بخشی از پرداخت‌ها به مسیرهای غیررسمی و کانال‌های واسط متکی می‌شود. این وضعیت، علاوه‌بر افزایش هزینه تمام شده، ریسک اختلال و توقف پرداخت را نیز بالا می‌برد و به تقویت بازارهای واسطه‌ای ارزی دامن می‌زند. از منظر کارایی اقتصادی، چندمرحله‌ای شدن تسویه و استفاده از واسطه‌ها، به‌عنوان یکی از منشأهای اتلاف ارزی قابل توجه در کل چرخه واردات معرفی می‌شود.

۲-۷. ایده ایجابی: حرکت از خرید غیرمستقیم به خرید مستقیم و اصلاح نحوه تسویه

همان‌طورکه بیان شد، صادرات اوره به برزیل و واردات غلات از برزیل هر دو درحال انجام بوده‌اند و سابقه تهاتر موردی نیز وجود دارد، اما وجود هم‌زمان این دو جریان تجاری به‌معنای اجرای سازوکار منسجم واردات در مقابل صادرات با رفع بوروکراسی ارزی و اداری آن نیست. در وضع موجود، اوره ایران عمدتاً به‌صورت FOB به واسطه خارجی منطقه‌ای و از طریق شبکه تراستی پتروشیمی‌ها فروخته می‌شود و ارز آن در فرایند مستقل رفع تعهد صادراتی قرار می‌گیرد؛ در مقابل، غلات و دانه‌های روغنی عمدتاً با خرید CIF و از طریق واسطه‌های منطقه‌ای وارد و ارز آن از منابع دیگری، ازجمله عمدتاً منابع نفتی و گاهی منابع هالک و عراق، تأمین می‌شود. در نتیجه دو جریان عملاً از نظر قرارداد، تسویه، رفع تعهد ارزی و لجستیک از هم جدا هستند.

ایده ایجابی در گزارش برای حرکت از خرید غیرمستقیم به خرید مستقیم با اصلاح نحوه تسویه، این است که این دو جریان موجود به یکدیگر متصل شوند. یعنی صادرات اوره در برزیل به منشأ اعتبار برای خرید مستقیم غلات تبدیل شود، واردات کالای اساسی به‌عنوان ایفای تعهد صادراتی قابل شناسایی باشد و حتی‌المقدور از یک مسیر حمل رفت و برگشت استفاده شود که به‌شدت در هزینه‌ها صرفه‌جویی می‌کند. به‌گونه‌ای‌که واردات ذرت و سویا از برزیل به منطق پایدارتر و کم‌ریسک‌تری در پرداخت متصل شود.

اصل تهاتر اوره با غلات برزیل سابقه اجرایی دارد و اتفاقاً همین سابقه یکی از مبانی پیشنهاد حاضر است؛ اما این تجربه به رویه‌ای پایدار و مورد حمایت سیاستگذار تبدیل نشد. مسئله این است، تجربه‌ای که پیش از این به‌صورت موردی و بنگاهی انجام شده، با رفع اشکالات آن به سازوکاری قابل تکرار تبدیل شود. به‌طور مشخص هنوز نبود تطابق سازوکار رفع تعهد ارزی صادرات اوره با ارز ترجیحی واردات کالای اساسی، نبود کارگزار مشخص تهاتر، نبود تضمین برای ورود کالای معادل صادرات، ضعف هماهنگی میان بانک مرکزی، وزارت جهاد، پتروشیمی و بخش حمل و همچنین وابستگی به واسطه‌ها حل نشده است.

هرچند صادرات اوره به برزیل و واردات غلات از برزیل هر دو درحال انجام است و سابقه تهاتر موردی نیز وجود دارد، وجود هم‌زمان این دو جریان تجاری به‌معنای اجرای سازوکار منسجم واردات در مقابل صادرات با رفع بوروکراسی ارزی و اداری آن نیست. در وضع موجود، اوره ایران عمدتاً به‌صورت FOB به واسطه خارجی منطقه‌ای و از طریق شبکه تراستی پتروشیمی‌ها فروخته می‌شود و ارز آن در فرایند مستقل رفع تعهد صادراتی قرار می‌گیرد؛ در مقابل، غلات عمدتاً با خرید CIF و از طریق واسطه‌های منطقه‌ای وارد و ارز آن از منابع دیگری، ازجمله عمدتاً منابع نفتی و گاهی منابع هالک و عراق، تأمین می‌شود. در نتیجه دو جریان عملاً از نظر قرارداد، تسویه، رفع تعهد ارزی و لجستیک از هم جدا هستند.

بنابراین لازم است دو جریان موجود به یکدیگر متصل شوند؛ یعنی صادرات اوره در برزیل به منشأ اعتبار برای خرید مستقیم غلات تبدیل شود، واردات کالای اساسی به‌عنوان ایفای تعهد صادراتی قابل شناسایی باشد و حتی‌المقدور از یک مسیر حمل رفت و برگشت استفاده شود که به‌شدت در هزینه‌ها صرفه جویی می‌کند.

به‌صورت مشخص در بازه زمانی کوتاه‌مدت دو ایده را می‌توان پیشنهاد داد:

الف) تخصیص بخشی از منابع یوآنی چین به شرکت‌های معتبر برزیلی به‌منظور تأمین اقلام اساسی وارداتی برزیل از مسیر غیردرهمی، غیریورویی و غیرمجوزمحور[1] و همچنین استفاده از ظرفیت لجستیک ایرانی (شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران). منابع یوانی در برزیل به‌طور کلی خوب و قابل توجه است. این موضوع را می‌توان از دو زاویه «ذخایر ارزی» و «توافق‌نامه سوآپ» بررسی کرد:

- **ذخایر ارزی: برزیل سهم یوان را در ذخایر بین‌المللی خود به‌طور مداوم افزایش داده است. این سهم از ۴,۸ درصد در سال ۲۰۲۳ به حدود ۵,۳ درصد در سال ۲۰۲۴ رسیده که بیش از دو برابر میانگین جهانی (حدود ۲,۱ تا ۲,۳ درصد) است. این تصمیم استراتژیک، بازتابی از روابط تجاری مستحکم و رویکردی فعال برای تنوع‌بخشیدن به دارایی‌های ارزی کشور است.**
- **توافق‌نامه سوآپ:** بانک‌های مرکزی چین و برزیل اخیراً توافق‌نامه مبادله ارز محلی (سوآپ) را به ارزش ۱۹۰ میلیارد یوان (معادل ۱۵۷ میلیارد رئال) برای یک دوره پنج‌ساله تمدید کرده‌اند. این خط اعتباری عظیم، منبع قدرتمند نقدینگی برای تجارت دوطرفه محسوب می‌شود و به‌عنوان نماد بارز تعهد استراتژیک دو کشور به همکاری‌های مالی عمل می‌کند.

ب) پیوند دادن واردات غلات و دانه‌های روغنی به صادرات اقلامی است که برزیل به آنها نیاز دارد و ایران توان عرضه رقابت‌پذیر آنها را دارد. در این چارچوب، کود اوره به‌عنوان گزینه محوری مطرح می‌شود؛ زیرا ظرفیت صادراتی قابل توجهی برای ایران ایجاد می‌کند و درعین‌حال بازار برزیل به‌طور ساختاری مصرف‌کننده بزرگ نهاده‌های شیمیایی کشاورزی است. گفتنی است، همان کشتی که کود اوره را به برزیل می‌برد، بعد از تمیزکاری کشتی، می‌تواند از برزیل غلات وارد کند. همین نوع از تجارت هم‌اکنون بین برزیل و عربستان سعودی یا عمان برقرار است.

منطق این پیوند آن است که به‌جای آنکه تأمین ارز واردات ذرت و سویا صرفاً متکی به منابع جداگانه و انتقال‌های پرریسک و پرهزینه باشد، صادرات اوره به برزیل به «منبع ایجاد اعتبار / منابع مالی در مقصد» تبدیل شود و امکان خرید مستقیم غلات از محل همان منابع تقویت گردد. این ایده همچنین با یک ویژگی بازار کشاورزی برزیل همخوانی دارد: استفاده از سازوکارهای قراردادی مبتنی‌بر پایاپای و تهاتر در بخش کشاورزی برزیل رایج است و در برخی بخش‌ها، تأمین مالی نهاده‌های کشاورزی از مسیر قراردادهای مبتنی‌بر کالا و پیش‌فروش محصول انجام می‌شود.

به عبارت بهتر، منظور از این بخش، حضور شرکت‌های خارجی متعلق به بخش خصوصی واردکننده در حلقه‌های زنجیره ارزش برزیل است، نه مثلاً خرید بورسی یک شرکت برزیلی توسط یک شرکت ایرانی. به‌طور مثال برخی از اعضای اتاق بازرگانی مشترک ایران و برزیل، که سهم بالایی از واردات کالاهای کشاورزی از این کشور دارند، در حال حاضر در نقاط مختلف برزیل شرکت‌های مرتبط با زنجیره ارزش مواد غذایی ثبت و مشغول فعالیت‌اند که این الگو باید توسط دولت حمایت شود و توسعه پیدا کند. همچنین در قالب تولید قراردادی می‌توان بدون ورود مالکیتی به این حلقه‌ها از خرید مطمئن‌تری بهره‌مند شد.

بااین‌حال، عملیاتی شدن «اوره در برابر غلات» صرفاً توافق تجاری ساده نیست و دو لایه مکمل دارد:

- **لایه نخست، معماری بازرگانی و لجستیک است:** خرید مستقیم مستلزم قراردادهای قابل اتکا، دسترسی به زیرساخت‌های ذخیره‌سازی و بندری، و بهینه‌سازی حمل (ازجمله استفاده از منطق رفت‌وبرگشت در مسیر حمل) برای کاهش هزینه و ریسک است.

---

۱. منظور از «غیرمجوزمحور»، انجام تجارت بدون مجوزهای قانونی ایران یا برزیل نیست. مقصود، عدم اتکا به مجوزها و معافیت‌های موردی تحریمی صادر شده ازسوی آمریکا یا کانال‌های مالی طراحی شده در چارچوب تحریم است. در الگوی موجود، حتی واردات غذای اساسی، که اصولاً کالای بشردوستانه محسوب می‌شود، در مواردی از مسیرهایی انجام می‌شود که انتقال منابع در آنها تحت نظارت و مجوز نهادهای غربی قرار دارد. بنابراین عبارت بهتر است «از مسیر غیرمتکی به مجوزها و کانال‌های معافیت تحریمی کشورهای غربی» باشد.

- **لایه دوم، معماری تسویه و انطباق مقرراتی است**: بدون طراحی سازوکار پرداخت و تسویه که هم با قواعد داخلی ایران و هم با چارچوب‌های حقوقی و بانکی برزیل سازگار باشد، تهاتر در مقیاس بزرگ به بن‌بست‌های اجرایی می‌رسد.

در این چارچوب، یک ظرفیت حقوقی در برزیل وجود دارد که می‌تواند امکان طراحی تسویه‌های غیرمتکی به انتقال کلاسیک ارز را تقویت کند. براساس چارچوب جدید ارزی برزیل، امکان «جبران / تسویه خصوصی» میان مقیمان و غیرمقیمان در برخی فروض و در چارچوب مقررات بانک مرکزی قابل تعریف است.

در این مدل اجرایی، «کارگزار تهاتر» حلقه کلیدی عملیات است؛ نهادی که صادرات اوره را به واردات غلات متصل می‌کند، فرایند تطبیق ارزش‌ها و اسناد را پیش می‌برد، و تلاش می‌کند تا جای ممکن، انتقال ارز به حداقل برسد و تسویه داخلی عمدتاً به‌صورت ریالی انجام شود. هدف آن است که واردات کالاهای اساسی از فشار زمان‌بندی تخصیص ارز رسمی و از ریسک‌های بازار غیررسمی جدا شود و هم‌زمان، مسیر واردات به واسطه‌های پرهزینه و پرریسک کمتر وابسته بماند.

با وجود مزیت‌های این الگو، یک مانع کلیدی نیز برجسته می‌شود: نبود تطابق مبانی ارزی صادرات و واردات. اگر صادرات اوره در چارچوب تسعیر و رفع تعهد ارزی انجام شود و واردات کالای اساسی در چارچوب دیگری از نرخ و تخصیص ارز تعریف گردد، تهاتر از نظر اقتصادی نامتوازن می‌شود و انگیزه اجرا کاهش می‌یابد. ازاین‌رو، پیش‌شرط موفقیت، تعریف سازوکار جبرانی برای مابه‌التفاوت و طراحی مقرراتی است که هم انگیزه صادرکننده و کارگزار حفظ شود و هم دولت از کاهش فشار ارزی و کاهش اتلاف و نشت ارزی منتفع گردد. همچنین بر ضرورت تضمین‌ها و سازوکارهای نظارتی تأکید می‌شود تا تهاتر از یک ایده کلی به فرایندی قابل پایش و قابل کنترل تبدیل شود و ریسک‌های انحراف و شکست اجرایی کاهش یابد.

در همین راستا، ضروری است سازوکاری توسط نهادهای مربوطه (خصوصاً بانک مرکزی) طراحی شود که واردات اقلام اساسی از برزیل، به‌عنوان رویه رفع تعهد ارزی برای صادرکننده کود اوره در نظر گرفته شود. پیش‌تر این رویه به وسیله مصوبه شورای عالی امنیت ملی در تجارت با چین به کار گرفته شده است.[1]

ازسوی‌دیگر، الگوی تسویه این تجارت از مبدأ برزیل در عمل به‌صورت غالب بر «خرید غیرمستقیم» استوار شده است؛ به این معنا که بخش مهمی از خرید و تأمین، به‌جای آنکه مستقیماً از مسیر تولیدکنندگان یا فروشندگان برزیلی انجام شود، از طریق واسطه‌های منطقه‌ای (به‌ویژه در امارات متحده عربی و ترکیه) سازمان‌دهی و اجرا می‌شود. در چنین ساختاری، نقش واسطه‌ها فقط به بازرگانی محدود نمی‌ماند، بلکه عملاً بخشی از فرایند پرداخت و تسویه نیز در همین حلقه‌های میانی شکل می‌گیرد و همین امر، زنجیره تأمین را طولانی‌تر و پرهزینه‌تر می‌کند.

از منظر تسویه، سازوکار پرداخت در شرایط محدودیت‌های مالی و تحریمی، به‌سمت کانال‌هایی گرایش یافته که از حیث ریسک و هزینه، شکننده‌تر و سنگین‌ترند. در این چارچوب، اتکای ارزی به «کانال درهم» و نیز تکیه بر مبادلات غیررسمی و شبکه‌های واسط، به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مهم الگوی موجود مطرح می‌شود. نتیجه چنین وضعیتی، افزایش هزینه‌های مبادله و تقویت کانال‌های واسطه‌ای در بازار غیررسمی است؛ به‌گونه‌ای‌که حتی اگر تأمین کالا انجام شود، مسیر تسویه و انتقال ارزش، هزینه‌زا و در معرض اختلال باقی می‌ماند.

این درحالی است که با استناد به تغییر قانونی برزیل تحت عنوان «تحول قانونی» امکان تهاتر تولیدکنندگان مقیم با خریداران غیرمقیم سازوکاری اندیشیده شده است. تحول حقوقی‌ای که در برزیل به «تسویه تهاتری / تسویه بدون انتقال پول» عنوان شده،

۱. چنین مصوبه‌ای پیش‌تر طی بخشنامه‌ای به شماره ۴۸۶۲۱/۰۵ توسط شعام برای گره‌گشایی از مشکلات پرونده‌های ارزی تولیدکنندگان در موضوع واردات در مقابل صادرات، صادر شده است.

در چارچوب «قانون جدید ارز و سرمایه‌های بین‌المللی» (Law 14.286/2021) شکل گرفته است. این قانون در ماده (۱۲)، برای نخستین بار اصلِ امکانِ «تهاتر / تسویه خصوصیِ مطالبات یا وجوه» میان «مقیم» و «غیرمقیم» را به رسمیت می‌شناسد؛ با این قید مهم که این امکان فقط «در مواردی که بانک مرکزی برزیل در مقررات خود تعیین می‌کند» مجاز است. همچنین همان ماده تصریح می‌کند که بانک مرکزی می‌تواند از مقیمان درباره هر تهاتر خصوصی اطلاعات مطالبه کند و تخطی از حکم ماده و مقررات تکمیلی، مشمول ضمانت‌اجرا و جریمه‌های بانک مرکزی خواهد بود.

بنابراین «تحول» دقیقاً این است که برزیل از رژیمِ مبتنی‌بر منعِ کلیِ تهاتر خصوصیِ برون‌مرزی، به رژیمِ «اجازه مشروط و موردی» حرکت کرده است: تهاتر خصوصی فی‌نفسه به‌عنوان یک ابزارِ قابل‌تصور پذیرفته شده است.

از منظر فرصت برای ایران، در تجارت دوطرفه‌ای مانند واردات ذرت و سویا از برزیل و صادرات اوره از ایران به برزیل همزمان یا هم‌افق شود، «منطق اقتصادی» تهاتر این است که مطالبات و بدهی‌های دو طرف به‌جای گردش چندباره پول در شبکه بانکی بین‌المللی، تا حد ممکن به‌صورت خالص‌سازی[1] و تسویه متقابل مدیریت شود. ماده (۱۲) دقیقاً همین ایده را در سطح حقوقی قابل تصور می‌کند و از نظر تئوریک می‌تواند مبنای طراحی قراردادهایی باشد که در آن، ارزش صادرات (مثلاً اوره) به‌عنوان اعتبار / طلب در یک سمت و ارزش واردات (مثلاً نهاده‌های دامی) به‌عنوان بدهی در سمت دیگر، در یک سازوکار تسویه واحد دیده شود.

در گامی فراتر می‌توان در **بازه زمانی میان‌مدت**، علاوه‌بر فعالیت در بخش تأمین نهاده‌های اساسی از برزیل، با استفاده از تجارب کشورهایی چون عربستان و ترکیه، با خرید سهام شرکت‌های معتبر کوچک مقیاس و یا حتی میان‌رده توسط بخش خصوصی ایرانی در بخش‌هایی از زنجیره ارزش غذا در برزیل مشارکت کرد. بخش خصوصی ایرانی به‌دلیل منفک بودن از حاکمیت مصونیت بیشتری در برابر تحریم دارد و در چنین زمینه‌هایی امکان اثرگذاری بیشتری نیز خواهد داشت. بسته به مقیاس بخش‌خصوصی فعال و درصورت اوج‌گیری تجارت حتی می‌توان از ظرفیت‌های لجستیک ایرانی استفاده کرد. این مسئله به میزان ریسکی که افراد می‌پذیرند نیز بستگی دارد. در **بازه زمانی بلندمدت** نیز می‌توان روی گزینه کشت فراسرزمینی در برزیل تمرکز کرد.

دولت برزیل از سال ۲۰۲۳ یک برنامه رسمی برای احیا و تبدیل تا ۴۰ میلیون هکتار مرتع تخریب شده و کم‌بازده به اراضی تولیدی کشاورزی طی ۱۰ سال در دست اجرا دارد. این برنامه با فرمان ۲۰۲۳/۱۱،۸۱۵ به برنامه رسمی تبدیل شده است. بنابراین مسئله حضور ایران در برزیل نبود زمین قابل توسعه نیست، بلکه نحوه تأمین مالی، محدودیت‌های محیط زیستی و انتخاب مدل مناسب حضور خارجی است. البته پیشنهاد گزارش نیز الزاماً خرید زمین توسط ایران نیست و می‌تواند در قالب کشت قراردادی، اجاره بلندمدت یا مشارکت با اپراتورهای محلی تعریف شود. از قضا، توسعه ۴۰میلیون‌هکتاری نیاز برزیل به کود و ماشین‌آلات کشاورزی را بالا می‌برد و این خودش فرصتی برای صادرات مرتبط ایران ازجمله اوره و ماشین‌آلات است.

جدول ۵ به‌صورت مختصر مطالب مذکور را منعکس کرده است.

1. Netting

جدول ۵. فرصت‌های تعامل ایجابی ایران و برزیل

پروژه	منطق راهبردی	زمان‌بندی اجرا	الزامات اجرایی
طراحی رویه‌های تعاملاتی تاب‌آور بین ایران و برزیل	تعمیق روابط مستقیم ایران و برزیل (خارج کردن این رابطه از انحصار واسطه‌ها) در قالب خرید مستقیم، خرید یا اجاره سیلو، کشت فراسرزمینی، ایجاد موازنه تجاری	• کوتاه‌مدت: الف) تخصیص بخشی از منابع یوآنی چین به شرکت‌های معتبر برزیلی جهت تأمین اقلام اساسی وارداتی برزیل از مسیر غیردرهمی، غیریورویی و غیرمجوزمحور + استفاده از ظرفیت لجستیک ایرانی (شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران). ب) تجارت متقابل و پیوند دادن واردات غلات و دانه‌های روغنی به صادرات اقلام ایرانی (کود). • میان‌مدت: خرید یا اجاره ظرفیت‌های ذخیره‌سازی + استفاده از ظرفیت لجستیک ایرانی (شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران) + خرید سهام شرکت‌های معتبر برزیلی + سرمایه‌گذاری در ترمینال بندری برزیل با استفاده از ظرفیت نهادهای بزرگ مقیاس • بلندمدت: کشت فراسرزمینی در برزیل	• ضرورت کاهش سهم تراستی‌ها در نظام تسویه فروش نفت و افزایش تعامل با مؤسسات مالی وابسته به بانک‌های دولتی چین • استفاده از ظرفیت صنایع پتروشیمی و صادرات کودهای شیمیایی به‌منظور ایجاد توازن تجاری با کشور برزیل

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۳-۷. الزامات اجراییِ حرکت به‌سمت ایده‌های ایجابی

به‌دلیل وجود جایگاه مهم شرکت‌های غربی در زنجیره ارزش محصولات کشاورزی برزیل، «تبدیل شدن به طرف مستقیم معامله صادراتی» در برزیل نیازمند عبور از الزامات اداری و ارزی است. ازسویی، بسیاری از تولیدکنندگان و حتی اتحادیه‌های تولیدی کشاورزی منطقه‌ای عملاً امکان انعقاد قرارداد صادراتی با ارز خارجی را ندارند یا بخش بزرگی از محصول خود را پیش‌فروش کرده‌اند؛ بنابراین برای معامله مستقیمِ صادراتی، همیشه در دسترس نیستند. ازسوی‌دیگر، در نظام ارزی برزیل نیز قاعده این است که فعالان اقتصادی داخلی بدون اخذ مجوز مستقیم، مجاز به عقد قرارداد با ارزهای خارجی نیستند.

برای درک اینکه «مجوز و صلاحیت صادراتی» دقیقاً در برزیل چگونه تعریف می‌شود، باید با سازوکارهای رسمی تجارت خارجی این کشور آشنا بود. تجارت خارجی برزیل از طریق سامانه‌های یکپارچه مدیریت می‌شود و دسترسی فعالان اقتصادی به این سامانه‌ها از مسیر ثبت‌نام و احراز صلاحیت انجام می‌گیرد. فرایند احراز صلاحیت نیز صرفاً گمرکی نیست و هم‌زمان با مشارکت نهادهای مرتبط انجام می‌شود؛ به‌گونه‌ای‌که هم صلاحیت ثبت اظهارنامه‌های صادراتی و هم نظارت بر عملیات ارزی در یک چارچوب ادغام شده است.

نتیجه عملی این ساختار آن است که همه تولیدکنندگان یا اتحادیه‌های تولیدی کشاورزی منطقه‌ای، «صادرکننده رسمیِ دارای مجوز» محسوب نمی‌شوند. در مقابل، صادرکنندگان دارای مجوز فعالیت با ارز خارجی عمدتاً شامل شرکت‌های چندملیتی بزرگ و همچنین چند شرکت بزرگ یکپارچه و برخی تعاونی‌های بزرگ کشت‌وصنعت‌اند که زیرساخت خرید، ذخیره‌سازی و صادرات دارند و معامله را در قالب قراردادهای ارزی انجام می‌دهند. حتی نمونه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد برخی تعاونی‌های بزرگ با اتکا به مجوز خود توان مذاکره مستقیم با مشتریان بین‌المللی را دارند و صادرات قابل توجهی انجام داده‌اند.

این درحالی است که برای خرید مستقیم از برزیل راهکار دیگری نیز وجود دارد. در مسیر جایگزین مسیر رسمی، باید برای نزدیک شدن به لایه‌های تولید، ابزارهای حقوقی و مالی مکمل طراحی کرد تا موانع ارزی / قراردادی مدیریت شود. در همین

نقطه، «تحول حقوقی» برزیل اهمیت پیدا می‌کند. در قانون جدید ارزی و سرمایه بین‌المللی برزیل، امکان «تسویه از طریق تهاتر خصوصی» میان مقیمان و غیرمقیمان در برخی شرایط (در چارچوب مقررات بانک مرکزی برزیل) مجاز دانسته شده است؛ یعنی قانون به‌طور کلی اجازه می‌دهد در برخی وضعیت‌ها، بدهی‌ها و مطالبات طرف داخلی و طرف خارجی بدون جابه‌جایی واقعی پول و صرفاً با تسویه‌حساب، با هم تهاتر شود. این مفهوم با عنوان «**معامله جبرانی خصوصی**» به‌صورت توافق مستقیم طرفین (مثلاً یک طرف برزیلی و یک طرف خارجی) برای جبران بدهی‌ها و مطالبات مالی یکدیگر بدون دخالت بانک‌ها یا مراجع دولتی انجام می‌شود؛ به این معنا که به‌جای انتقال واقعی وجه از یک کشور به کشور دیگر، بدهی‌ها «به‌صورت دفتری» تسویه می‌شوند. در نتیجه نیاز به انتقال مستقیم ارز و عبور از مسیرهای پرریسک کاهش می‌یابد.

۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این گزارش با هدف شناخت همه‌جانبه برزیل، بزرگ‌ترین اقتصاد آمریکای جنوبی و یکی از بازیگران مؤثر در ترتیبات منطقه‌ای و جهانی، تصویری جامع از ابعاد جغرافیایی، جمعیتی، سیاسی و اقتصادی این کشور ارائه می‌دهد. برزیل با وسعتی معادل یک‌سوم آمریکای جنوبی و جمعیتی بیش از ۲۱۲ میلیون نفر، واجد جامعه‌ای عمدتاً شهری است که تمرکز اصلی فعالیت‌های اقتصادی آن در شرق و جنوب‌شرق کشور قرار دارد. جایگاه ژئوپلیتیکی ویژه برزیل، ناشی از مرز مشترک با تقریباً تمامی کشورهای آمریکای جنوبی و عضویت فعال در نهادهایی چون بریکس، گروه ۲۰ و مرکوسور، این کشور را به یک قدرت میان‌رده جهانی بدل ساخته است؛ هرچند چالش‌هایی نظیر مهاجرت‌های گسترده، ناامنی مرزی و بحران‌های زیست‌محیطی در آمازون همچنان بر سیاست داخلی و خارجی آن سایه افکنده است.

زیرساخت‌های حمل‌ونقل برزیل نشان می‌دهد که اقتصاد این کشور به‌شدت متکی بر جاده است و همین امر ضمن افزایش هزینه‌های لجستیک، آسیب‌پذیری قابل توجهی ایجاد کرده است؛ در مقابل، شبکه ریلی ناکارآمد و ناهمسان، توان پاسخ‌گویی کافی به نیازهای اقتصادی را ندارد. درحالی‌که بنادر و حمل‌ونقل هوایی در اتصال مناطق دورافتاده و تأمین پیوستگی سرزمینی نقش فزاینده‌ای یافته‌اند. در عرصه سیاسی، نظام حکمرانی برزیل بر پایه قانون اساسی ۱۹۸۸ بر سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه استوار است. قوه مجریه با محوریت رئیس‌جمهور از اختیارات گسترده‌ای برخوردار است و ساختار فدرالی کشور به ایالت‌ها و شهرداری‌ها قدرت مانور زیادی در مدیریت محلی بخش‌هایی همچون آموزش و بهداشت می‌دهد. نظام حزبی چندگانه، هرچند نشانه‌ای از پویایی دمکراتیک است، پراکندگی بیش از حد آن در عمل به شکنندگی ائتلاف‌ها و دشواری تصمیم‌گیری‌های کلان منجر شده است. در کنار این، نابرابری اجتماعی و نژادی علی‌رغم سیاست‌های حمایتی همچنان به‌عنوان معضلی ریشه‌دار در جامعه برزیل باقی مانده است.

اقتصاد برزیل طی دو دهه اخیر با ترکیبی از رشد پرنوسان و بحران‌های ادواری همراه بوده است. تولید ناخالص داخلی این کشور در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ با رشدی سریع مواجه شد، اما از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰ رکود نسبی را تجربه کرد و در سال‌های اخیر مجدداً روندی مثبت به خود گرفت. نرخ بیکاری که در سال ۲۰۱۴ به پایین‌ترین سطح خود رسید، پس از آن افزایش چشمگیری یافت و در نهایت در سال ۲۰۲۳ در حدود ۸ درصد تثبیت شد. تورم، هرچند نوسانی، به‌طور کلی مهارپذیر است و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی همچنان جایگاه برجسته‌ای در اقتصاد برزیل دارد؛ به‌گونه‌ای‌که این کشور مقصد اصلی سرمایه‌گذاری در آمریکای لاتین محسوب می‌شود. کاهش نسبی ضریب جینی در دو دهه گذشته نیز نشان‌دهنده روند تدریجی بهبود در توزیع درآمد است؛ هرچند نابرابری همچنان در سطحی بالا باقی مانده است.

در سطح بخشی، کشاورزی همچنان ستون فقرات اقتصاد برزیل و موتور صادراتی آن است و این کشور را به یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان محصولات کشاورزی جهان تبدیل کرده است. بخش معدن و صنعت نیز به‌ویژه در حوزه‌های سنگ‌آهن، فولاد، خودروسازی و صنایع غذایی از جایگاه قابل توجهی برخوردار است؛ هرچند صنایع شیمیایی و پتروشیمی با کسری مزمن تراز تجاری دست‌وپنجه نرم می‌کنند. در حوزه انرژی، توسعه میادین نفت و گاز فراساحلی، همراه با سهم بالای برقابی و سوخت‌های زیستی، ترکیب انرژی برزیل را متمایز ساخته است، اما وابستگی به واردات گاز و ضعف در زیرساخت‌های انتقال و ذخیره‌سازی همچنان از محدودیت‌های جدی محسوب می‌شود.

در بُعد نهادی و بین‌المللی، برزیل به‌عنوان بازیگری فعال در ترتیبات چندجانبه، هم‌زمان نقش خود را در بریکس، گروه ۲۰، مرکوسور و سازمان تجارت جهانی ایفا می‌کند و این جایگاه امکان مانور دیپلماتیک و اقتصادی قابل توجهی برای آن فراهم آورده است؛ هرچند فشارهای ناشی از مسائل محیط‌زیستی و اختلافات درون مرکوسور محدودیت‌هایی ایجاد کرده‌اند. روابط ایران و برزیل نیز در این چارچوب بررسی شده است؛ روابطی که در حوزه سیاسی عمدتاً متوازن بوده، اما در عرصه اقتصادی تحت تأثیر تحریم‌ها با افت‌وخیزهایی همراه شده است. تجارت دوجانبه به‌طور سنتی بر واردات ایران از برزیل در حوزه محصولات کشاورزی و پروتئینی و صادرات محدود ایران، به‌ویژه اوره، استوار بوده است و مازاد تجاری پایدار عمدتاً به نفع برزیل رقم خورده است.

می‌توان گفت برزیل با وجود ظرفیت‌های عظیم در حوزه منابع طبیعی، کشاورزی، صنعت و انرژی، همچنان با چالش‌های ساختاری و اجتماعی دست‌به‌گریبان است. این کشور درعین‌حال، به‌واسطه جایگاه منطقه‌ای و جهانی خود، فرصت‌های متنوعی برای همکاری‌های بین‌المللی فراهم می‌آورد. ازسوی‌دیگر، صادرات ناتراز ایران به برزیل با تراز تجاری خیلی منفی موجب شد که شناخت دقیق از ساختار سیاسی و اقتصادی برزیل، روندهای کلان و محدودیت‌های نهادی آن کشور انجام شود تا امکان طراحی هرگونه راهبرد پایدار در تعاملات آینده بین این دو کشور فراهم شود؛ راهبردی که می‌تواند ضمن در نظر گرفتن ظرفیت‌ها و چالش‌های موجود، مسیر روابطی متوازن‌تر و پایدارتر را میان دو کشور هموار سازد.

تجارت ایران و برزیل در حوزه اقلام اساسی عمدتاً حول واردات اقلام اساسی از برزیل صورت‌بندی می‌شود، لیکن بعد از تحریم‌ها، الگوی عملیاتی واردات ایران از این کشور غالباً «مستقیم» نیست. بخش مهمی از خرید، حمل و پرداخت، به‌واسطه حلقه‌های واسط منطقه‌ای و نیز شرکت‌های بزرگ بین‌المللی انجام می‌شود. این ساختار موجب می‌شود مسیر «تجارت فیزیکی کالا» الزاماً با مسیر «تسویه و پرداخت» بر هم منطبق نباشد و در عمل، هم شفافیت کاهش یابد و هم هزینه‌های معاملاتی و ریسک‌های اجرایی افزایش پیدا کند. در برابر وضعیت تشریح شده، محور اصلی راهکار پیشنهادی بر «حرکت از خرید غیرمستقیم به خرید مستقیم» و سپس «اصلاح نحوه تسویه» استوار است؛ به‌گونه‌ای‌که واردات ذرت و سویا از برزیل به یک منطق پایدارتر و کم‌ریسک‌تر در پرداخت متصل شود. به‌صورت مشخص دو ایده را می‌توان در این ابتکار پیشنهاد داد:

الف) تخصیص بخشی از منابع یوآنی چین به شرکت‌های معتبر برزیلی برای تأمین اقلام اساسی وارداتی برزیل از مسیر غیردرهمی، غیریورویی و غیرمجوزمحور و همچنین استفاده از ظرفیت لجستیک ایرانی (شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران).

ب) پیوند دادن واردات غلات و دانه‌های روغنی به صادرات اقلامی که برزیل به آنها نیاز دارد و ایران توان عرضه رقابت‌پذیر آنها را دارد. در این چارچوب، کود اوره به‌عنوان گزینه محوری مطرح می‌شود، زیرا ظرفیت صادراتی قابل توجهی برای ایران ایجاد می‌کند و درعین‌حال بازار برزیل به‌طور ساختاری مصرف‌کننده بزرگ نهاده‌های شیمیایی کشاورزی است.

در یک گام فراتر می‌توان علاوه‌بر فعالیت در بخش تأمین نهاده‌های اساسی از برزیل، در بازه زمانی میان‌مدت با استفاده از تجارب کشورهایی چون عربستان و ترکیه، با خرید سهام شرکت‌های معتبر کوچک مقیاس و یا حتی میان‌رده توسط بخش خصوصی ایرانی در بخش‌هایی از زنجیره ارزش غذا در برزیل مشارکت کرد و در بازه زمانی نیز بلندمدت نیز روی گزینه کشت فراسرزمینی در برزیل تمرکز کرد.

منابع و مآخذ

[1] Brazil Country Handbook, (2020). U.S. Department of Defense Intelligence Production Program (DoDIPP) with the Marine Corps Intelligence Activity.

[2] https://www.gov.uk/government/publications/brazil-country-policy-and-informationnotes/country-policy-and-information-note-internal-relocation-brazil-december-2024-accessible.

[3] https://www.macrotrends.net/global-metrics/countries/bra/brazil/population.

[4] Roig, R., & Nebot, C. P., (2024). "Development cooperation facing the challenge of global aging: a critical analysis. Revista iberoamericana de estudios de desarrollo". Iberoamerican journal of development studies, Vol. 13, No. 2, pp. 150-177.

[5] Oliveira, R. A. D. D., Silva, D. R. X., & Silva, M. G. E., (2022). "Geographical accessibility to the supply of antiophidic sera in Brazil: timely access possibilities". PLoS One, Vol. 17, No. 1, e0260326.

[6] https://maps-brazil.com/maps-brazil-geography/brazil-population-density-map.

[7] Farias, H. C., & Alves, L. P., (2020). "The decline in Brazil's international influence: from an emerging country to an inward-looking state". Austral: Brazilian Journal of Strategy & International Relations, Vol. 9, No. 17.

[8] Malamud, A., (2012). Moving regions: Brazil's global emergence and the redefinition of Latin American borders. The rise of post-hegemonic regionalism: The case of Latin America, pp. 167-182.

[۹] مظاهری، مصطفی، کیومرث یزدان‌پناه و حسن کامران (۱۳۹۹). «تبیین کارکرد مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی شکل‌گیری روابط در منطقه ژئوپلیتیک آمریکای لاتین»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۲، شماره ۱۱۲، صص. ۷۰۹-۷۳۲.

[10] Brazil Federal Constitution.

[11] Amorim Neto, O., (2006). A reforma do sistema de governo: rumo ao parlamentarismo ou ao semipresidencialismo. Reforma política, pp. 316-344.

[12] https://www.britannica.com/topic/list-of-presidents-of-Brazil-2061502.

[۱۳] آجیلی، هادی و مهدی رضایی (۱۳۹۸). «تأثیر سیاست‌های نولیبرالیستی و نومرکانتیلیستی در توسعه اقتصادی برزیل (۱۹۸۵-۲۰۱۶ م)»، نشریه راهبرد توسعه، دوره ۱۵، شماره ۲، صص. ۴۹-۷۹.

[14] Practical Guide: Brazilian Elections (2022).
Direct Link: https://international.tse.jus.br/en/assuntos-internacionais/guia-pratico-para-pessoas-estrangeiras_ingles_digital-1.pdf

[15] https://utppublishing.com/doi/10.3138/9781487522896.004.

[16] https://www12.senado.leg.br/noticias/materias/2022/10/03/pl-faz-a-maior-bancada-do-senado-psd-e-o-segundo-maior-partido?

[17] World Bank Open Data, Brazil.
https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.KD.ZG?locations=BR

[18] Hosono, A., (2019). Economic and Social Impacts of Cerrado Agriculture: Transformation for Inclusive Growth Through Clusters and Value Chains. Springer.

[19] de Jesus Boaventura, K., Da Silva, C. M., & Silva, S. D., (2023). "Building Soil Fertility: Embrapa and the Agronomic Development for the "Conquest" of the Brazilian Cerrado (1975-95)". Historia agraria: Revista de agricultura e historia rural, No. 89, pp. 247-278.

[20] Klein, H. S., & Luna, F. V., (2023). The Changing Structure of Brazilian Agriculture, 1920–2017. In Brazilian Crops

in the Global Market: The Emergence of Brazil as a World Agribusiness Exporter Since 1950,pp. 39-77. Cham: Springer Nature Switzerland.
[21] Valdes, C., (2022). Brazil's Momentum as a Global Agricultural Supplier Faces Headwinds, U.S. Department of Agriculture.
[22] World Bank Group, (2021). Climate Risk Country Profile: Brazil.
[23] Valera, C. A., Pissarra, T. C. T., da Costa, A. M., Fernandes, L. F. S., & Pacheco, F. A. L., (2024). "The soil conservation agenda of Brazil: A review of "edge-to-edge" science contributions". Science of the Total Environment, Vol. 954, 176355.
[24] Nehring, R., (2022). The Brazilian green revolution. Political Geography, Vol. 95, 102574.
[25] Edivaldo, T., & Rosell, S., (2020). "Slash-and-burn agriculture in southern Brazil: characteristics, food production and prospects". Scottish Geographical Journal, Vol. 136, No. 1-4, pp. 176-194.
[26] Junior, V. J. W., Piras, S., Grisa, C., & Ghinoi, S., (2021). Assessing Brazilian agri-food policies: what impact on family farms? arXiv preprint arXiv:2105.14996.
[۲۷] فامیل محمدی، مهدی (۱۴۰۴). اصلاح الگوی واردات غذای اساسی؛ خرید مستقیم از برزیل. اندیشکده اقتصاد مقاومتی.
[28] Instituto Nacional de Colonização e Reforma Agrária (Incra). (2024, March 15). Aquisição de terras por estrangeiros. gov.br. https://www.gov.br/incra/pt-br/assuntos/governanca-fundiaria/aquisicao-terras-estrangeiros.
[29] Redação Canal Rural. (2020, December 30). Estrangeiros já são donos de quase 4 milhões de hectares no Brasil; portugueses e japoneses lideram. Canal Rural.
https://www.canalrural.com.br/agricultura/terras-rurais-donos-estrangeiros-brasil/.
[30] Rede Social de Justiça e Direitos Humanos, GRAIN, Inter Pares, & Solidarity Sweden – Latin America. (2015, November 16). Foreign pension funds and land grabbing in Brazil. GRAIN.
https://grain.org/en/article/5336-foreign-pension-funds-and-land-grabbing-in-brazil.
[31] CRESUD. (n.d.). Corporate profile.CRESUD.
https://www.cresud.com.ar/perfil_corporativo.php?lng=en.
[32] Saudi Press Agency. (2023, July 19). SALIC adds Brazilian BRF to its strategic investments portfolio. Saudi Press Agency.
https://www.spa.gov.sa/en/12b1712741x.
[33] Ministério da Agricultura e Pecuária. (2025, March 11). Turquia. gov.br.
https://www.gov.br/agricultura/pt-br/assuntos/relacoes-internacionais/adidos-agricolas/turquia.
[34] https://www.atibt.org/en/news/13583/atibt-strengthens-ties-with-brazils-forestry-sector?
[35] https://m.efeedlink.com.
[36] Klein, E. L., Matos, D. R., SANTOS, P. A. D., Correa, R. T., & Eyben, H. S. Z., (2018). Atlas of mineral deposits and selected mineral occurrences of continental Brazil.
[37] Humphrey, J., (2003). "Globalization and supply chain networks: the auto industry in Brazil and India". Global Networks, Vol. 3, No. 2, pp. 121-141.
[38] Cieplinski, A., & Marques, P. R., (2025). The transition to electric vehicles in Brazil's automotive industry and its effects on jobs and income. The International Council on Clean Transportation (ICCT).
[39] Valdes, C., (2011). Can Brazil meet the world's growing need for ethanol? Amber Waves: The Economics of Food, Farming, Natural Resources, and Rural America, pp. 38-45.
[40] United States Department of Agriculture (USDA), (2025). Food Processing Ingredients Annual.
[41] De Paula, G. M., (2025). Decarbonization in the steel value chain: Global and the Brazilian experiences, Federal University of Rio de Janeiro (UFRJ).

[42] Hebeda, O., Guimarães, B. S., Cretton-Souza, G., La Rovere, E. L., & Pereira, A. O., (2023). "Pathways for deep decarbonization of the Brazilian iron and steel industry". Journal of Cleaner Production, Vol. 401, 136675.
[43] US Energy Information Administration (EIA), (2023). Country Analysis Brief: Brazil.
[44] International Energy Agency (IEA), (2024). Latin America Energy Outlook Overview: Brazil.
[45] Advanced Energy Technologies (AENERT), (2025). Energy Industrial in Brazil.
Direct Link: https://aenert.com/countries/america/energy-industry-in-brazil.
[46] ABCM – Brazilian Society of Mechanical Sciences and Engineering, Freire, J. L. de F., Gomes, M. R. R., & Gomes, M. G., (Eds.). (2023). Handbook of pipeline engineering. Springer.
[47] Cury, M.V.Q, (2020). Overview of the Logistics Sector in Brazil, FGV transportes.
[48] Soliani, R., (2015). "Brazilian Road and Rail Transportation Sectors and Its Challenges". International Journal of Business Management and Economic Research (IJBMER), Vol. 6, No. 5, pp. 256-265. Direct Link: https://legis.senado.leg.br/norma/579494/publicacao/33296461.
[49] Azzoni, C. R., Haddad, E. A., de Negri, J. A., et al. (Eds.). (2018). The Oxford Handbook of the Brazilian Economy. Oxford University Press.
[50] ITC, Trade map, time series 2000 – 2023.
[51] CEIC Data, (2023). Brazil Crude Oil Export.
https://www.ceicdata.com/en/indicator/brazil/crude-oil-exports.
[52] https://www.statista.com/statistics/1059445/brazil-natural-gas-import-volume.
[53] Federal State Statistics Service (Rosstat). (2024). BRICS Joint Statistical Publication (14th ed.).
[54] World Trade Organization, (2022). Trade Policy Review: Brazil, 19 October.
[۵۵] اندیشکده اقتصاد مقاومتی، (۱۳۹۹). مروری بر تجربیات هم‌گرایی اقتصادی در جهان و فرصت‌های پیش‌روی ایران.
[56] Ministry of Labor and Employment of Brazil, (2024).
https://www.gov.br/trabalho-e-emprego/pt-br/assuntos/g20-brasil-2024/g20-english-version.
[57] United Nations Security Council. (2010, June 9). Resolution 1929 (2010) (S/RES/1929 (2010)).
[58] the Panel of Experts established pursuant to resolution 1929 (2010) concerning the Islamic Republic of Iran until 9 June 2012 (S/RES/1984 (2011)). United Nations Digital Library.
[59] United Nations Human Rights Council. (2011, April 8). Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran (A/HRC/RES/16/9). United Nations.
[60] United Nations General Assembly. (2019, December 18). Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran (A/RES/74/167). United Nations Digital Library.
[۶۱] گمرک جمهوری اسلامی ایران، آمار.

عنوان: مجموعه مطالعات دیپلماسی اقتصادی (۷): شناخت اقتصاد برزیل و فرصت‌های تعامل اقتصادی

DOI: https://doi.org/10.22034/mrc.report.22010
Permanent Link: https://report.mrc.ir/article_12040.html
Publisher : Islamic Parliament Research Center of Iran

گزیده سیاستی

برزیل یکی از قدرت‌های میانه در جهان است که از نظر اقتصادی دارای روابطی عمیقی با ایران در زمینه تجارت اقلام کشاورزی است. مستقیم‌سازی تجارت فیمابین (حذف واسطه‌ها)، تجارت متقابل و بازمعماری ساختار تسویه مالی، به راهبردی شدن روابط دو کشور کمک خواهد کرد.

مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۵۸۵۵-۱۵۸۷۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وب سایت: rc.majles.ir